

اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن

نویسنده: مهدی فقیه ایمانی

نشر - ۱۳۷۶

فهرست

مهدی منتظر ونخستین مطرح کننده آن در اسلام

ردیه های علما ودانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب

کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت

برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر از عالی ترین درجه

اصالت اسلامی

حدیث من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة

اسامی راویان حدیث من مات ولم يعرف... واحادیث مشابه

بحث وبررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر

صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر در منابع اهل تسنن

معترفین به تواتر وقطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر

معترفین به صحت وقابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر

مهدی از فرزندان فاطمه دختر پیامبر است

مهدی موعود منتظر حسینی واز فرزندان امام حسین بن علی است

نه حسنی واز فرزندان امام حسن بن علی

معترفین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی از نسل فاطمه زهرا

وامام حسین بن علی در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری

اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد ویست نفر از علمای سنی به

فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی ولوازم آن تعداد صد و پنجاه و دو اثر تألیفی (کتاب، رساله، مقاله) علما ودانشمندان اهل تسنن درباره حضرت مهدی

مدعیان دروغین مهدویت و کسانی که بدروغ نسبت مهدویت بدانها
داده شده

کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید یا آن را تکذیب
کند و دروغ انگارد، بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده
فتوای چهار نفر از فقهای مذاهب اربعه سنی درباره منکرین مهدی
منتظر

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من كذب بالمهدي فقد كفر
رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که مهدی را دروغ
پندارد و تکذیب کند، پس بدون شک گرایش به کفر جسته
قال النبیّ صلى الله عليه وآله: من انکر خروج المهدی فقد كفر بما
انزل علی محمد

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که خروج - و قیام
جهانی - مهدی را انکار نماید، پس محققاً بدانچه - از طرف خدا -
بر محمد نازل شده کفر ورزیده

مهدی منتظر و نخستین مطرح کننده آن در اسلام

بسمه تعالی با مروری بر مصادر حدیثی، تاریخی، عقیدتی، و تفسیری
شیعه و سنی بدین حقیقت پی خواهیم برد که نخستین کسی که
موضوع مهدی منتظر و قیام جهانی او را مطرح و ایراد کرد و حتی

مشخصات خانوادگی و پدران واجدادش را آنچنان دقیقاً اعلام نمود که زمینه سوء استفاده مهدی های ادعائی و دروغین را از عنوان «مهدی منتظر» خنثی و منتفی نمود، همانا شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.

آری حضرتش همانند دیگر شئون سرنوشت ساز اسلامی، بر اساس وحی الهی، مسئله مهدویت را پایه گذاری فرمود و نیز با ایراد یک سلسله علائم و نشانه های ظهور و ویژگیهای محلی و تاریخی قیامش، مسلمانان را هشدار داد که هم به موقع منتظر و آماده ظهور و قیام «حضرت مهدی واقعی» باشند.

هم فریب مهدی های دروغین و ساختگی شیطان صفت و ریاست طلب رانخورند، و هم به اباطیل و گفته های خلط مبحث کننده گان حقایق دینی با افکار مغرضین و مستشرقین یهودی و مسیحی ترتیب اثر ندهند. برای این اساس همانطوریکه اشاره شد با مراجعه به مصادر دست اول روایتی، تفسیری، کلامی و تاریخی هریک از مذاهب سنی و شیعه شکی نخواهد بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بعد از طرح و ایراد مسائل خدا شناسی، پیامبر شناسی و اصل مسئله امامت و خلافت بعد از خود، بیش از هر مسئله عقیدتی و عملی و اخلاقی روی موضوع آخرین خلیفه «برحق بعد از خود و یگانه مصلح جهانی» یعنی موضوع مهدی منتظر و دوران ولادت و کودکی و از آن پس دوران های غیبت صغری، غیبت کبری، ظهور و قیام جهانی و چگونگی حکومتش، تکیه نمود.

بطوریکه بخش مهم و غیر قابل انکاری از احادیث و فرموده هایش پیرامون شئون حضرت مهدی موعود منتظر خلاصه شده، و اضافه بر محتوای مصادر فراوان و منابع بیشمار حدیثی و تاریخی و عقیدتی که بخشی از هر یک مختص به ذکر احادیث «مهدی منتظر» است، تنها تعدادی بیش از یکصد و پنجاه جلد کتاب و رساله با حجم های مختلف و سبک های گوناگون، هر یک بیانگر ده ها و صدها روایت از رسول خدا (ص) در باره شئون حیاتی، خانوادگی، شکل و شمایل، و مقام امامتی «امام مهدی منتظر می باشد، که به قلم علما و دانشمندان روحانی و اساتید دانشگاهی اهل تسنن تنظیم و ارائه شده و بسیاری از آنها هم چاپ و منتشر گردیده و از این پس فهرست اسامی آنها به نظر خواهد رسید، و چه بهتر جهت آگاهی اجمالی به کتابهای زیر مراجعه شود (۱).

براین اساس بطور خلاصه از جمله عقاید حقه اسلامی مورد اتفاق سنی و شیعه، هم عقیده به اصل مهدویت در اسلام است و هم عقیده به امامت و خلافت حضرت مهدی موعود منتظر و قیام جهانی او و برقراری عدل و داد سراسری و امنیت همه جانبه و رفاه همگانی به وسیله او.

در این رابطه از نیمه دوم قرن سوم هجری، (۵ سال قبل از ولادت حضرت مهدی حجة بن الحسن) تا هم اکنون که دهه دوم قرن پانزدهم را طی می کنیم بیش از دوهزار جلد کتاب و رساله و مقاله در حد کتاب و رساله به زبان های عربی، فارسی، اردو، ترکی

استانبولی، تایلندی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و دیگر زبانهای مناطق مسلمان نشین بقلم علما و دانشمندان شیعه و سنی تالیف یا ترجمه شده و به شرح مندرج در کتابنامه های نامبرده حداقل نیمی از آنها حتی بطور مکرر چاپ و منتشر گردیده، و بالاخره نه هیچ گونه جای خالی برای مطرح گردیدن مدعیان دروغین مهدویت و بابت بر جای گذارده، و نه سرنخی برای تشکیک افراد مشکک و شیطان صفت (در اصل مهدویت در اسلام یا در احادیث مورد اتفاق بین شیعه و سنی پیرامون مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری ع) و نه زمینه ای برای خلط مبحث (مستشرقین غربی، یا شرقی های غرب زده) مسائل دینی و حقایق اسلامی را با تخیلات ویاوه گوئی.

اما متأسفانه می بینیم بعضی افراد نه غربی و مستشرق یهودی یا مسیحی و نه یک مسلمان عادی بی اطلاع از مبادی دینی و نا آشنای با مصادر اصیل اسلامی شیعی و سنی، که یک مسلمان برخوردار از عناوین پرفسوری و استادی از موضع پست ریاست دانشکده الهیات و عقیده شناسی منطقه مسلمان نشین استانبول - با اشراف محلی بر هزاران کتاب خطی و چاپی ویژه مسائل عقیدتی و حدیثی و تاریخی شیعه و سنی از طریق کتابخانه های فراوان و پر محتوای ترکیه - از روی بی تفاوتی نسبت به حقایق دینی و واقعیات اسلامی و بطور خلاصه (بر مبنای رهروی راه مستشرقین یهودی و مسیحی نه تنها بیگانه از اسلام که سرسخت ترین دشمنان اسلام) احادیث پیرامون حضرت مهدی را با انواع ویژه گی اسلامی و برخوردار از عالیتین درجه

اعتبار، در درجه هرچه ضعیف تر کمی و کیفی تلقی نموده و از این رهگذر عقیده به موضوع مهدی موعود اسلام را به باد مسخره و انکار گرفته و آن را ناشی از الهام گیری از یهود و نصاری و انمود می کند. یا ناشی از فشارها و محدودیت های سیاسی شیعی در قرون اولیه اسلام از قبیل واقعه کربلا و شهادت امام حسین که آن را - یعنی امر مهدی منتظر را - در رابطه با آن رخدادها اختراع و مطرح کردند. آری قرن ها قبل از به نمایش درآمدن تعدادی از مستشرقین یهودی و مسیحی شیطان صفت امثال: - دونالد سن داویت، مؤلف «عقیده الشیعه»، بزبان انگلیسی، (که ترجمه عربی آن هم در مصر و هم در عراق منتشر گردید) وجهت آگاهی بر دروغ بافی های او چه بهتر مراجعه شود به الغدیر علامه امینی ج ۳ ص ۳۲۰ - ۳۲۳، - ولهوسن، مؤلف «الخوارج والشیعه»، - فان فلوتن، (۱۸۶۶ - ۱۹۰۳م) مستشرق هلندی و مؤلف «السیاده العربیه والشیعه والاسرائیلیات فی عهد بنی امیه»، - گولدزیهر یهودی، (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱م) مستشرق فرانسوی مؤلف «العقیده والشریعه فی الاسلام»، - کارل بروکلمان، (۱۸۶۸ - ۱۹۵۶م) مستشرق آلمانی و مؤلف «تاریخ الشعوب الاسلامیه»، - لوئیس ماسینیون، (۱۸۸۳ - ۱۹۶۲م) مستشرق فرانسوی و مؤلف آثاری از قبیل کتب فوق، که با بیگانگی همه جانبه از اسلام هریک موضوع مصلح جهانی اسلام - یعنی مهدی منتظر عجل و احادیث پیرامون شئون حیاتی و امامتی حضرتش را همانند دیگر حقایق اسلامی) مورد تخطئه و تکذیب و خلط مبحث قرار داده و به باد مسخره گرفتند و نیز

قبل از سر از آب درآوردن یک عده مسلمان نمای غرب زده وبی
اعتنای به مبانی دینی وسنت پیامبر (ص) وبدور از عالم حدیث
شناسی امثال:

- شیخ محمد عبده مصری، (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳) مؤلف «شرح نهج
البلاغه»!

- رشید رضا مصری (۱۲۹۵ - ۱۳۵۴) مؤلف «مجله المنار» و«السنة
والشيعه».

- فرید وجدی مصری، (۱۲۹۲ - ۱۳۷۳) مؤلف «دائرة المعارف القرن
العشرین».

- احمد امین مصری، (۱۲۹۵ - ۱۳۷۳) نویسنده المهدی والمهدویة
و«ضحی الاسلام» و«فجر الاسلام».

- سعد محمد حسن مصری، شاگرد احمد امین، نگارنده «المهدیة فی
الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم».

- ابوزهره مصری، از زمره علمای جامع ازهر مصر، مؤلف «الامام
زید» و«الامام الصادق».

- دکتر احمد محمد علی، مؤلف «دراسة عن الفرق فی تاریخ
المسلمین».

- علی حسین السائح لیبائی، مؤلف مقاله تراثنا وموازن النقد
مندرج در مجله کلیة الدعوة الاسلامیه لیبی شماره ۱۰، سنه ۱۹۹۳
صفحه ۱۸۵ و ۲۰۵.

- محمد عبدالکریم عنّوم، مؤلف رساله دکترای فلسفه به نام «النظرية

السیاسیة المعاصرة للشیعة الامامیة الاثنی عشریة».

- دکتر سلمان بدور، صاحب «مقدمه» بر رساله عنوم.

- شیخ عبد الله بن زید آل محمود، رئیس شئون دینی و محاکم شرعی قطر، مؤلف «لامهدی ينتظر بعد الرسول سید البشر».

- و شیخ جبهان در «تبدید الظلام» و جز اینها شیخ... و ابو... ابن

خلدون مغربی (در گذشته ۸۰۸)، احادیث پیرامون مهدی منتظر را در تاریخش (ص ۵۵۵)، فاقد اعتبار کمی و کیفی وانمود کرد و گفته های بی محتوای او برای اکثر مخالفین غربی و شرقی با امر مهدویت و قیام جهانی مهدی منتظر، سر نخ خلط مبحث و دروغبافی و انکار حقایق اسلامی گردید، در صورتیکه ابن خلدون یک مورخ نا آشنای با عالم حدیث و حدیث شناسی بوده و هیچ گونه صلاحیت اظهار نظر در این موضوع را نداشته که پیشگوئیهای پیامبر اکرم (ص) را پیرامون مشخصات و ویژه گیهای حضرت مهدی منتظر و قیام جهانی او در ۱۹ روایت وانمود و تخطئه کند.

همچنانکه حدود سه قرن ونیم پیش از پیدایش ابن خلدون، ابن حزم اندلسی ظاهری (در گذشته ۴۵۶هـ) به مخالفت و انکار مسئله مهدویت و فاقد اعتبار بودن احادیث آن حضرت برخاست، آن چنانکه عده ای از مخالفین با امر مهدویت و ولادت حضرت مهدی نیز از نوشته های او دم از بیراهه روی و تخطئه موضوع مهدویت زدند. و ابن حزم را کتابی است به نام «الفصل فی الملل والاهواء والنحل» که بخشی از آن را اختصاص به بحث درباره حضرت

مهدی منتظر داده است. جالب توجه اینکه رد نویسان بر این کتاب ها ومقالات وشبهه افکنی ها، وباز کننده گان مشت خیانت مؤلفین آنها نه تنها شیعه بودند که حتی قبل از شیعه علمای سنی هم به انگیزه اثبات مهدی منتظر واثبات صحت وبرخورداری احادیث مربوط بدان حضرت از اعتبار هرچه بیشتر عالم حدیث شناسی - بیکار نشستند، بلکه بهترین ومحققانه ترین ردیه ها را بر آنها نوشته وانتشار دادند واز این رهگذر مشت خرابکاری وپیراهه روی مؤلفین نامبرده را باز وبساط دروغبافی وانکار حقایق پیرامون مهدی منتظر عج را برچیدند، که این جانب با کمبود منابع تحقیقی مربوطه ومشاغل وقت گیر تنها به تعدادی از آنها برخورد نمودم ولازم دانستم آنها را به شرح زیر به نظر خوانندگان حق جو برسانم وآنها بدین قرار است:

ردیه های علما ودانشمندان سنی بر منکرین مهدی منتظر یا تکذیب

کنندگان احادیث پیرامون آن حضرت

- ۱ - ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ابوالفیض سید احمد بن محمد بن صدیق غماری، شافعی، ازهری، مغربی، (درگذشته ۱۳۸۰) چاپ مطبعه ترقی دمشق ۱۳۴۷،
- ۲ - ابراز الوهم من کلام ابن حزم، احمد بن صدیق غماری مؤلف قبل، چاپ ۱۳۴۷ مطبعه ترقی دمشق،
- ۳ - الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر، شیخ حمود بن عبد الله تویجری، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه، در رد بر شیخ ابن محمود قاضی قطر در دو جلد، چاپ جلد اول ۱۳۹۴ وجلد دوم

۱۳۹۶ در ریاض،

۴ - الی مشیخه الازهر، شیخ عبد الله سبیتی عراقی در رد بر
«المهدویة فی الاسلام» سعد محمد حسن، چ ۱۳۷۵ هـ دارالحديث
بغداد،

۵ - تحدیق النظر فی أخبار الامام المنتظر، شیخ محمد عبدالعزیز بن
مانع (۱۳۸۵) پیرامون اثبات احادیث حضرت مهدی، و در رد گفته
های ابن خلدون،

۶ - الجزم، لفصل ابن حزم، در رد ابن حزم است که بخشی از کتاب
«الفصل فی الملل والاهوا والنحل» او در تخطئه و تکذیب احادیث
مهدی منتظر میباشد، و شیخ کاظم حلی (متولد حوالی ۱۳۰۰) آن را
در دو جلد ضخیم تنظیم و چاپ نمود. [الذریعه ۱۰۴/۵]

۷ - الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی،
عبدالمحسن العباد، استاد دانشگاه اسلامی مدینه و عضو هیئت
تدریسی آن، چاپ مجله دانشگاه شماره ۴۵ ص ۲۹۷ - ۳۲۸ و شماره
۴۶ ص ۳۶۱ - ۳۸۳، این مقاله یا رساله که بیانگر محققانه ترین بحث
حدیثی و تاریخی پیرامون مهدویت و قیام مهدی منتظر است در رد
بر کتاب «لامهدی ینتظر بعد الرسول» شیخ ابن محمود قطری است
و در اصالت مهدویت و قیام مصلح جهانی خلاصه شده، هر چند در امر
ولادت حضرت و موضوع حسینی بودن آن بزرگوار مخالف با شیعه
و بر خلاف نظر اعترافی بیش از یکصد نفر از علمای سنی می باشد که
اعتراف به هر دو موضوع نموده اند، و این جانب را در این زمینه با

او خاطره ای است که در کتاب «شناخت امام» آورده ام و در اینجا مجال ذکرش نیست.

۸ - مع الدکتور احمد امین فی حدیث المهدی والمهدویه، محمد امین زین الدین چاپ مطبعه دارالنشر نجف اشرف ۱۳۷۱ هـ ۱۹۵۱ م،

۹ - المهدی واحمد امین، محمد علی زهیری نجفی، چاپ اول ۱۳۷۰ هـ ۱۹۵۰ م نجف اشرف، این کتاب هم در رد کتاب نامبرده احمد امین مصری است.

۱۰ - نقد الحدیث بین الاجتهاد والتقلید سید محمد رضا حسینی در رد بر علی حسین سائح لیبی، چاپ دوم قم، ۱۴۱۷ هـ

۱۱ - الوهم المکنون فی الردّ علی ابن خلدون، ابوالعباس بن عبدالمؤمن، مغربی.

۱۲ - هدی الغافلین الی الدین المبین، سید مهدی صالح کشوان قزوینی، این کتاب در پاسخ به شبهات ابن حزم پیرامون مهدویت حضرت مهدی خلاصه شده و بسال ۱۳۳۵ از تالیف آن فراغت جسته، [کتابنامه حضرت مهدی(ع) آقای مهدی پور ۷۷۸/۲]

اکنون می گوئیم: فرموده های پیامبر اکرم (ص) در رابطه با موضوع نخستین مطرح کننده بودن امر مهدویت در اسلام و عنایت و اهمیتی را که پیرامون مسئله امامت ارائه داد در دو بخش خلاصه می گردد:

بخش اول: ایراد حدیث «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» و فرازهای مشابه بود که با مطرح کردن آن مرگ هر

مسلمان بدون شناخت «امام زمان» زمانش را تهدید و محکوم به مرگ جاهلی فرمود، و بطور کلی وقاطعانه امر امام شناسی را سرنوشت سازترین مسائل اسلامی اعلام کرد.

بخش دوم آن: معرفی امامان بعد از خود بود که از جمله مهدی منتظر محمد بن الحسن العسکری را (با تمام مشخصات نسبی و خانوادگی و شکل و شمایل و دیگر ویژه گی های محلی و تاریخی و رخداد های مربوطه به دوران امامتش) به عنوان آخرین خلیفه و امام برحق و یگانه مصلح جهانی بودن معرفی و اعلام فرمود. بر این اساس با توجه به مقاله پرفسور... که در انکار احادیث پیرامون مهدی منتظر و سرنخ گرفتن عقیده به او از یهود و نصاری خلاصه شده، فهرستوار می پردازیم به ذکر مسائل مربوط به اصالت اسلامی امر مهدی منتظر از دیدگاه اهل تسنن که پرفسور هم خود سنی و ناگزیر از پذیرفتن مصادر مربوطه و تن دادن به اعترافات کتبی صدها نفر از علمای سنی و اساتید و دانشمندان این فرقه می باشد.

برخوردار بودن احادیث پیرامون مهدی منتظر از عالی ترین درجه

اصالت اسلامی

با مروری کوتاه بر مندرجات تعدادی از کتب اختصاصی امام مهدی منتظر یا کتبی که بخشی از هر یک از آنها بذکر احادیث آن جناب اختصاص یافته، بدین واقعیت پی میبریم که حداقل حدود شصت نفر از صحابه پیامبر اکرم ص احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی منتظر را بلاواسطه از قول آن بزرگوار نقل و اشاعه داده اند،

که ما در این مقاله تنها به ذکر اسامی صحابه مطرح شده در منابع مربوطه اهل تسنن که تعداد آنها متجاوز از چهل نفر است اکتفا نموده، و می گوئیم نقل همین عده از صحابه احادیث «مهدی منتظر» را، محکم ترین دلیل است بر صحت و تواتر قطعی الصدور بودن آنها از ناحیه رسول خدا(ص)، و اینکه مسئله مهدویت در اسلام و موضوع مهدی منتظر از عمیق ترین مایه اصالت و ریشه اسلامی و از عالی ترین درجه اعتبار حدیثی و حدیث شناسی برخوردار بوده، آنچنانکه دیگر زمینه ای برای تشکیک پیرامون اصل مهدویت و انکار مهدی منتظر و تخطئه احادیث مربوطه فراهم نبوده و نخواهد بود. اضافه برین بیش از سی نفر از محدثین و حدیث شناسان درجه بالای سنی اعتراف به تواتر احادیث مهدی منتظر نموده که شرح بنظر میرسد، همچنانکه حداقل بیست و پنج نفر از علمای حدیث شناس سنی اعتراف به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر کرده اند و با روی سخن به علما و دانشمندان سنی می گوئیم: اگر این همه کتاب و مصادر و منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی، و کلامی که بیانگر حقایق مربوطه است صحیح و برخوردار از اعتبار اسلامی است که دیگر جای شبهه ای باقی نمی ماند و زمینه ای برای ایراد اباطیل مطرح شده وسیله پرفسور... نیست و اگر فاقد اعتبار است و مندرجات آنها دروغ و ساختگی میباشد پس باید با خط سرخ کشیدن روی این کتابها، آنها را از صحنه آثار اسلامی و سنت نبوی خارج و از این پس دیگر مطرح و مورد استناد واقع نشود. اکنون

نخست می پردازیم بذکر فهرست اسامی صحابه ناقل احادیث مهدی موعود منتظر واز آن پس به فهرست اسامی معترفین به تواتر آن احادیث وصحت وقابل استناد بودن آنها:

تذکر: نظر به اینکه از قرار اطلاع آقای پرفسور روحی قیفلانی نویسنده کتاب «مذاهب اعتقادی اسلامی در عصر ما» - که متضمن مقاله موضوع بحث تحت عنوان «مهدی!» است (۲) - سنی حنفی می باشد ومعمولا با شیعه غیر مربوط بلکه طبعا از تشیع دور واز پیروی امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) رویگردان وآن راباطل می داند ما هم در نگارش وتنظیم این مقاله کاری به کار شیعه واستفاده از منابع مربوط به آن نداشته، بلکه سراسر مقاله وصد در صد نقلیات حدیثی وتاریخی واعترافی آن مبنی بر استفاده از منابع مربوطه ومعتبر اهل تسنن است، با ارائه آدرس دقیق، تا اگر جناب پرفسور روحی واقعا یک مسلمان سنی است ناگزیر در حداقل هم که باشد به مندرجات مسلم وبدور از دروغ ودروغبافی منابع اهل تسنن ونیز به احادیث متواتر وقطعی الصدور نبوی ومطرح شده در آن کتابها تن در دهد وسر تسلیم فرود آورد واز نوشته های خود (مبنی بر سرنخ گرفتن عقیده به مهدی منتظر در اسلام از عقاید یهود ونصاری ونیز انکار احادیث مربوط به مهدی منتظر عج) که غربال شده اباطیل مستشرقین یهودی ومسیحی است عذرخواهی کند، ودر راستای مذهب شناسی آن هم در غالب کتاب کلاسیک دانشگاهی آبروی خود را حفظ وآسیب وارده بر آن را ترمیم نماید، و یا جرأت

بخرج دهد و صاف و صریح بگوید: هر چند من مسلمان سنی هستم ولی مصادر و منابع مربوط بدانها را قبول ندارم و باید آنها را در زباله دان تاریخ ریخت تا دیگر مسلمانان تکلیف خود را بهتر بدانند. و گرنه ما با مسلمان نه سنی نه شیعه بلکه بلندگوی مستشرقین و اشاعه دهنده مزخرفات آنها و جیره خوار بیگانگان دشمن اسلام کاری نداشته و نداریم، اما خواه و ناخواه برای آگاهی خوانندگان کتابهای چنین افرادی و پی بردن به غرض ورزی و خیانت های دینی یا اشتباه کاری های این گونه نویسندگان، این مقاله را تنظیم و به خوانندگان حقیقت جو تقدیم، تا سیه روی شود هر که دروغش باشد، و ما هم حداقل دین شرعی و انسانی خود را ادا نموده باشیم.

آقای پرفسور روحی نویسنده مقاله «مهدی» اولین سرنخی که ارائه داده و خواسته است بر اساس آن و با درجا زدن عقیده به مهدی منتظر را باطل و بی اساس وانمود کند، معتقد بودن یهود و نصاری و دیگر فرق غیر اسلامی باشد به مصلح جهانی و انتقام کشنده از ستمگران و خلاصه هر دسته از فرق غیر اسلامی در حال انتظار آمدن او و قیام جهانی اش بسر می برند و بر این اساس وانمود می کند که عقیده به مهدی منتظر و انتظار ظهورش فاقد اصالت اسلامی می باشد و سرنخ گرفته از عقاید یهود و نصاری و بودائی ها و هندی ها است. در حالیکه با بررسی کوتاهی پیرامون مایه های عقیدتی عموم ادیان و فرق غیر اسلامی از دیدگاه قران و دیگر منابع اسلامی و غیر اسلامی بدین نتیجه می رسیم که مشترکات عقیدتی مسلمانان با دیگر فرق

دینی و مذهبی جهان فراوان و در حدّ غیر قابل انکار است، ولی بهیچ عنوانی اشتراک عقیدتی دلیل بر بطلان عقاید اسلامی و بیراهه روی مسلمانان نخواهد بود. از باب مثال مسلمانان در اصل عقیده به خدا و وجود آفریدگار جهان با یهود و نصاری و حتی با بت پرستان مشترکند، اما در چگونگی و کمّ و کیف صفات سلبیه و ایجابیه الهی با هم اختلاف دارند. یهود و نصاری برای خدا قائل به فرزندان، ولی مسلمانان به چنین چیزی معتقد نبوده و نیستند. قرآن مجید درباره یهود و نصاری فرماید: (قالت الیهود عزیر ابن الله وقالت النصاری المسیح ابن الله) (توبه، آیه ۳۰) یهود گویند عزیر پسر خداست و نصاری گویند مسیح پسر خداست.

نیز قرآن فرماید: (قالت الیهود والنصاری نحن ابناء الله و...) (مائده، آیه ۱۸) یهود و نصاری گفته اند ما پسران خداوند هستیم... نیز قرآن مجید فرماید: (و قالت الیهود ید الله مغلوله غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا) (مائده، آیه ۶۴) یهود گویند: دست خدا مغلول و به زنجیر بسته است. دستهایشان بسته باد و بخاطر این سخن ملعون و از رحمت الهی دور باشند.

و این در حالی است که مسلمانان عقیده به چنین چیزی - که نشانگر ضعف خدا و محدودیت قدرت و اختیار اوست - ندارند. پس بطور خلاصه اگر اشتراک مسلمانان - مخصوصاً شیعه - با یهود و نصاری در عقیده به مصلح جهانی به نام مهدی منتظر یا دیگر عناوین دلیل بی اصالت اسلامی بودن عقیده به مهدویت است، نیز اشتراک مسلمانان

با یهود و نصاری در عقیده به خدا و مبدء آفرینش مستلزم بطلان خدا پرستی و عدم اصالت وریشه داری عقاید توحیدی است، نستعید بالله. آری اگر اشتراک در بعضی عقائد حقّه دینی بافرقه های باطل و بیراهه رو موجب بطلان و بهانه تخطئه از آن عقاید حقه باشد، پس در صورتیکه افرادی شاید، فریکار و ریاست طلب از عنوان نبوت و شئون پیغمبری سوء استفاده نموده و دعوای نبوت کردند و حتی هزاران نفر مردم فریب خور را فریب داده و بیراهه بردند، باید منکر مقام نبوت و موضوع فرستاده خدا شد و تمام دلائل عقلی و نقلی مقام نبوت و معجزات او را به باد مسخره و انکار گرفت. به دلیل آنکه موضوع نبوت در بین پیروان پیامبران دروغین مطرح است و برخوردار از اصالت نیست، و به قول شاعر این رشته سر دراز دارد که باید با این طرح هرگونه سوء استفاده خائنانه یا جاهلانه - از عناوین و شئون دینی و مقام نبوت، خلافت، امامت، آیات قرانی، احادیث نبوی و احکام مسلمة اسلام - تلقی به دلیل شود بر بطلان اصل نبوت و خلافت و امامت و بر بطلان اصل آیات و احادیث و احکام مورد سوء استفاده های مختلف و باز نستعید بالله.

در پایان شیخ محمد خضر حسین این مطلب را بدین گونه مطرح و پاسخ گفته: که اگر مردم از فهم حدیث نبوی سوء استفاده کردند یا نتوانستند آنطوریکه باید و شاید حدیث را منطبق با هدف اصلی از ایراد آن نمایند، و در نتیجه مفاسدی را به بار آورد، شایسته و سزاوار نیست که این سوء استفاده یا ناتوانی بر انطباق با هدف، داعی به

شک در صحت حدیث شود و بهانه برای انکار و تکذیب آن (۳).
نیز ناصرالدین آلبنی همین موضوع را با دیگر عبارت ردّ و ایراد
نموده که بخاطر اختصار نیازی به ذکر متن آن نباشد (۴).
در پایان این مقال می گوئیم: و الاسفا به حال یک مسلمان استاد
متخصص «تاریخ مذاهب اسلامی» که با عقائد اسلامی این چنین
بر خورد عامیانه یا مغرضانه و جسورانه نماید و دین و قلم خود را به باد
مسخره گیرد و دست کم تعدادی از شاگردان خود را گمراه نماید
که باید در روز حساب پاسخگوی آن باشد.

حدیث من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة

یا مهمترین انگیزه و عامل عقیده به مقام امامت یگانه مصلح جهانی امام
مهدی منتظر (علیه السلام) یکی از علل و اسباب توجه و اهتمام
مسلمانان به اصل مسئله امام شناسی بطور عموم و به شناخت ائمه بر
حق و واجد شرایط همه جانبه - علمی و عملی و اخلاق و تقوایی - از
جمله امام مهدی منتظر، محمد بن الحسن العسکری بخصوص،
حدیث شریف: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (۵).
واحادیث مشابه و هم مضمون است که بموجب آن سهل انگاری و بی
تفاوتی یا سماجت و عصیّت نسبت بشناخت امام زمان واجد شرایط
هر زمانی تهدید به مرگ جاهلی و منتهی شدن به حشر و نشر با بت
پرستان و مشرکین خواهد شد. و اکنون می پردازیم به ذکر متن های
مختلف این حدیث و از آن پس به ذکر اسناد آن از دیدگاه اهل
تسنّن.

بخش اول:

- ۱ - من لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية.
- ۲ - من مات بغير امام مات ميتة جاهلية.
- ۳ - من مات ليلة وليس في عنقه بيعة امام مات ميتة جاهلية.
- ۴ - من مات ولا امام له مات ميتة جاهلية.
- ۵ - من مات ولا بيعة عليه مات ميتة جاهلية.
- ۶ - من مات ولا طاعة عليه مات ميتة جاهلية.
- ۷ - من مات ولم يعرف امام زمانه فليمت ان شاء يهودياً وان شاء نصرانياً.

- ۸ - من مات ولم يعرف امام زمانه، مات ميتة جاهلية.
- ۹ - من مات وليس عليه امام جامع فقد مات ميتة جاهلية.
- ۱۰ - من مات وليس عليه امام، فميتته ميتة جاهلية.
- ۱۱ - من مات وليس عليه امام مات ميتة جاهلية.
- ۱۲ - من مات وليس (ليست) عليه طاعة مات ميتة جاهلية.
- ۱۳ - من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية.
- ۱۴ - من مات وليس لامام جماعة عليه طاعة مات ميتة جاهلية.
- ۱۵ - من مات وليس له امام فميتته ميتة جاهلية.

بخش دوم:

- ۱ - ليس احد يفارق الجماعة شبراً فيموت، الا مات ميتة جاهلية.
- ۲ - من خالف المسلمين قيد شبر ثم مات، مات ميتة جاهلية.
- ۳ - من خرج عن الطاعة وفارق الجماعة فمات، مات ميتة جاهلية.

- ۴ - من خرج من الجماعة قيد شبر، فقد خلع ربقه الاسلام من رأسه.
- ۵ - من خرج من السلطان شبرا، مات ميتة جاهلية.
- ۶ - من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فميتته جاهلية.
- ۷ - من خرج من الطاعة وفارق الجماعة...فليس مني ولست منه.
- ۸ - من خلعها بعد عهدها، لقي الله ولا حجة له.
- ۹ - من خلع يداً من طاعة، لقي الله يوم القيامة لا حجة له.
- ۱۰ - من خلع يدا من طاعة مات ميتة جاهلية.
- ۱۱ - من فارق الجماعة او خلع يدا من طاعة، مات ميتة جاهلية.
- ۱۲ - من فارق الجماعة شبرا فمات، فميتته جاهلية.
- ۱۳ - من قتل تحت راية عمية تدعوا عصبية او ينصر عصبية فقتله (قتله) جاهلية.
- ۱۴ - من مات تحت راية عصبية، فقتلته قتله جاهلية.
- ۱۵ - من مات على غير طاعة مات لا حجة له.
- ۱۶ - من مات وهو مفارق للجماعة، مات ميتة جاهلية.
- ۱۷ - من نزع يداً من طاعة الله وفارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية.
- ۱۸ - من نزع يداً من طاعة، جاء يوم القيامة لا حجة له. اما متون
تفصیلی مقرون به ذکر مصادر نقل وراوی وناقل هر يك از مجموع
احادیث، پس از آنرو که روی سخن ما در بحث و بررسی این
حدیث بیشتر و قبل از همه با اهل تسنن است، تنها به ذکر ناقلان از
این فرقه و مصادر اختصاصی آنها بسنده میکنیم. در پایان این مقال

کافی است بدانیم تنها علامه مجلسی از بزرگان علما و مراجع حدیثی و حدیث شناسی شیعه، این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه آورده است (۶).

واینک میپردازیم به ذکر قسمتی از اسناد حدیث و راویان و ناقلان از اهل تسنن.

۱ - «مسند» ابوداود سلیمان بن داود طیالسی در گذشته (۲۰۴) از عبد الله بن عمر بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية، ومن نزع يدًا من طاعة جاء يوم القيامة لاحبة له» نیز رجوع شود به کنز العمال.

۲ - «مصنف» یا «جامع کبیر در حدیث» حافظ عبد الرزاق بن همام صغانی یمنی در گذشته (۲۱۱) چاپ مجلس علمی پاکستان، ج ۱۱ ص ۳۳۰ بشماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: «من فارق الجماعة شرافمات مات ميتة جاهلية».

۳ - «سنن» سعید بن منصور خراسانی در گذشته (۲۲۷) از عامر بن ربیعہ صحابی بلفظ: «من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية» (۷) به نقل کنز العمال.

۴ - «مسند» حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری در گذشته (۲۳۰) ۸۵۰/۲ شماره ۲۳۷۵ چاپ کویت، از عبد الله بن عامر از پدرش عامر بن ربیعہ، بلفظ: «من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية، ومن خلعتها بعد عقدها اياها لقي الله ولا حجة له».

۵ - «طبقات الکبری» محمد بن سعد کاتب واقدی در گذشته (۲۳۰)

ج ۵ ص ۱۰۷ چاپ لیدن وص ۱۴۴ چاپ بیروت، ذیل شرح حال عبد الله بن مطيع بلفظ: «من مات ولايعة عليه مات ميتة جاهلية» به روايت از عبد الله بن عمر.

نيز مراجعه شود به كنز العمال ۱ / ۱۰۳ شماره ۴۶۳.

۶ - «مصنف» حافظ ابن أبي شيبه، أبوبكر عبد الله بن محمد، درگذشته (۲۳۴) ج ۱۵ ص ۲۴ شماره ۱۹۰۰۵ بلفظ: «من فارق الجماعة شبراً فمات مات ميتة جاهلية».

وص ۳۸ شماره ۱۹۰۴۷ از عبد الله بن عامر از پدرش بلفظ: «من مات ولا طاعة عليه مات ميتة جاهلية، ومن خلعها بعد عقده اياها فلاحجة له» ونيز بلفظ: «من مات وليست عليه طاعة، مات ميتة جاهلية» وص ۵۲ شماره ۱۹۰۹۰ بلفظ: «من ترك الطاعة وفارق الجماعة فمات، فميتة جاهلية، ومن خرج تحت راية عمية يغضب لعصية او ينصر عصبه او يدعوا الى عصبه، فقتل فقتله جاهلية». نيز مراجعه شود به كنز العمال (۶/۶۵ شماره ۱۴۸۶۱).

۷ - «المعيار والموازنة» علامه متكلم ابوجعفر اسكافي درگذشته (۲۴۰) ص ۲۴ بلفظ: «من مات ولا امام له مات ميتة جاهلية» از عبدالله بن عامر.

۸ - «نقض العثمانية» نيز از اسكافي ص ۱۱ - ۱۲ وبه نقل ابن أبي الحديد ۱۳ / ۲۴۲ بلفظ فوق.

۹ - «مسند» احمد بن حنبل درگذشته (۲۴۱) ج ۲ ص ۸۳ و ۱۵۴ بلفظ: «من مات وهو مفارق للجماعة مات ميتة جاهلية» وص ۱۱۱

بلفظ: «من مات وقد نزع يده من بيعه كانت ميتته ميتة ضلال» از ابن عمر، وص ۲۹۶ بلفظ: «من خرج من طاعة وفارق الجماعة مات ميتة جاهلية» از ابوهريره.

وج ۳ ص ۴۴۶ بخش مسند عامر بن ربيعه بلفظ: «من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية» به روايت از نامبردهوج ۴ ص ۹۶ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» از معاوية بن ابي سفيان.

۱۰ - «الاموال» حميد بن زنجويه در گذشته (۲۵۱) ج ۱ ص ۸۱ بشماره ۴۰ چاپ رياض از ابوهريره بلفظ: «من خرج من الطاعة او فارق الجماعة فمات، فميتة جاهلية» وص ۸۲ بشماره ۴۲ بلفظ: «من مات وليست عليه طاعة مات ميتة جاهلية، وان خلعها بعد عقدها في عنقه لقي الله وليست له حجة» از عبدالله بن عامر بن ربيعه از پدرش وشماره ۴۳ از ابن عمر (در حالیکه روی سخنش به ابن مطيع - والی مدینه از طرف عبد الله بن زبير بهنگام قتل عام مردم آن بدست بسر بن ارتاط از جانب يزيد - بود گفت: آمده ام آنچه از رسول خدا شنیده ام به تو خبر دهم که فرمود): «من مات على غير طاعة مات لاجبة له ومن مات قد نزع يدا من بيعه كان على الضلال» وناگفته پیداست که عبد الله بن عمر با انجام این ملاقات میخواست از این حدیث به نفع يزيد (که مردم مدینه واز جمله بعضی از صحابه رسول الله (ص) او را از خلافت خلع کرده بودند) سوء استفاده کند، فحشره الله مع يزيد بن معاوية وجده وايبه.

۱۱ - «سنن» امام عبد الله بن عبد الرحمن تمیمی سمرقندی دارمی

- در گذشته (۲۵۵) ج ۲ ص ۲۴۱ بلفظ: «لیس من احد یفارق الجماعة شبرا فیموت، الامات میتة جاهلیة» از ابن عباس.
- ۱۲ - «صحیح» محمد بن اسماعیل بخاری در گذشته (۲۵۶) ج ۲ ص ۱۳ و در چاپ دیگر مصر ج ۹ ص ۵۹ باب فتن از ابن عباس بلفظ: «من خرج من السلطان شبرا مات میتة جاهلیة» و بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فمات (الامات خ) میتة جاهلیة».
- ۱۳ - نیز «تاریخ الکبری» بخاری ۶ / ۴۴۵ شماره ۲۹۴۳ از عامر بن ربیعہ از پدرش بلفظ: «من مات ولیست علیه طاعة مات میتة جاهلیة» و در ج ۴ ص ۵۴ شماره ۱۹۳۸ بلفظ: «من فارق الجماعة قید شبر فقد فارق الاسلام».
- ۱۴ - «صحیح» مسلم در گذشته (۲۶۱) ج ۶ ص ۲۱ - ۲۲ شماره ۱۴۸۹ بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» از عبد الله بن عمر و بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة، فمات، مات میتة جاهلیة» و نیز «من فارق الجماعة شبرا فمات فمیتة جاهلیة».
- و در ج ۸ ص ۱۰۷ بلفظ: «من لم یعرف امام زمانه فمات میتة جاهلیة» (ملحقات الاحقاق ۱۳ / ۸۵)
- ۱۵ - «العلل الواردة فی الاحادیث» ابوالحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی بغدادی دارقطنی شافعی (۳۰۵ / ۳۰۶) ج ۷ ص ۶۳ بلفظ: «من مات لغير امام مات میتة جاهلیة» به سه سند از معاویه و دو سند از ابوهریره.
- ۱۶ - «زوائد» احمد بن عمر بزار در گذشته (۳۲۰) ج ۱ ص ۱۴۴ وج

۲ ص ۱۴۳ بلفظ: «من مات وليس عليه امام فميتته ميتة جاهلية، ومن مات تحت راية عصبية، فقتلته قتلة جاهلية».

۱۷ - «الكنى والاسماء» حافظ دولابی در گذشته (۳۲۰) ج ۲ ص ۳ چاپ دائرة المعارف حیدرآباد دکن بلفظ: «من مات وليس عليه امام جامع فقد مات ميتة جاهلية، ومن خرج من الجماعة فقد خلع ربة الاسلام من عنقه» از ابن عمر.

۱۸ - «عقد الفريد» ابو عمر، احمد بن محمد بن عبدربه اندلسی در گذشته (۳۲۷) ج ۱ ص ۹ سطر ۱۲ بلفظ: «من فارق الجماعة او خلع يدا من طاعة، مات ميتة جاهلية».

۱۹ - «صحيح ابن حبان»، ابو حاتم محمد بن حبان تمیمی، بستی شافعی در گذشته (۳۵۴) به شرح «احسان بترتيب صحيح ابن حبان» شماره ۴۴ بلفظ: «من مات وليس له امام مات ميتة جاهلية».

۲۰ - «كتاب المجروحين» نیز از ابو حاتم ج ۱ ص ۲۸۰ بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه، ومن مات وليس عليه امام فميتته ميتة جاهلية، و من مات تحت راية عمية يدعوا الى عصبية او ينصر فقتله جاهلية» به روایت از ابن عباس.

۲۱ - «معجم الكبير» حافظ ابوالقاسم طبرانی در گذشته (۳۶۰) ج ۱۰ ص ۳۵۰ حدیث ۱۰۶۸۷ (شماره مسلسل) بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين قيد شبر فقد خلع ربة الاسلام من عنقه ومن مات وليس عليه امام فميتته جاهلية ومن مات تحت راية عمية يدعوا الى عصبية او ينصر عصبية فقتله جاهلية» به روایت از ابن عباس. وج ۱۹ ص ۳۸۸

شماره ۹۱۰ چاپ بغداد بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية»
به روایت معاویه، وبه لفظ «من مات وليست عليه طاعة مات ميتة
جاهلية» از عامر بن ربيعة (نيز رجوع شود به كنز العمال ج ۶ ص ۶۵
شماره ۱۴۸۶۱).

۲۲ - «معجم اوسط» نيز از طبرانی ج ۱ ص ۱۷۵ شماره ۲۲۷ بلفظ:
«من مات ولايعة عليه مات ميتة جاهلية» وباديگر الفاظ مختلف ذيل
کتاب «مجمع الزوائد» ييابد.

۲۳ - «الكامل في ضعفاء الرجال» ابواحمد عبد الله بن محمد،
معروف به ابن عدي جرجاني در گذشته (۳۶۵) ج ۵ ص ۱۸۶۹ بلفظ:
«من مات وليس عليه طاعة، مات ميتة جاهلية» به روایت عامر بن
ربيعة.

۲۴ - «مستدرک الصحيحين» حاکم نيشابوري در گذشته (۴۰۵) ج ۱
ص ۷۷ و ۱۱۲ از ابن عمر بلفظ: «من مات وليس عليه امام جماعة فان
موتته موة جاهلية».

۲۵ - «المغنی» قاضی القضاء معتزلی، عبد الجبار بن احمد همدانی
اسدآبادی در گذشته (۴۱۵) جزء متمم عشرين ج ۱ ص ۱۱۶ بلفظ:
«من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية».

۲۶ - «ندیم الفريد» علامه محقق ابوعلی، احمد بن محمد بن يعقوب
مسکويه - که اصلش ازری ومقيم ودر گذشته اصفهان بسال (۴۲۱)
بوده است بلفظ: «من مات ليلة وليس في عنقه بيعة امام فقد مات ميتة
جاهلية» (۸).

۲۷ - «حلیۃ الاولیاء» حافظ ابونعیم اصفهانی در گذشته (۴۳۰) ج ۳ ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات بغیر امام فقد مات میتة جاهلیة ومن نزع یدہ من طاعة (یدا من طاعة الله) جاء يوم القيامة لاحجة له» به روایت از طیالسی.

واضافه کرده است: این حدیث ثابت و مسلم بوده، مسلم در حدیث خود آنرا از زید روایت نموده و گفته است: تابعین و اعلام آنرا از زید نقل کرده اند. سپس هشت نفر از تابعین را نام برده که این حدیث را روایت نموده اند.

۲۸ - «المنتقى فی الاخبار» مکی بن ابیطالب حموش بن محمد بن مختار اندلسی در گذشته (۴۳۷) به شرحی که در «نیل الاوطار فی شرح منتقى الاخبار» تحت شماره ۶۶ بیاید.

۲۹ - «سنن بیهقی» در گذشته (۴۵۸) ج ۸ ص ۱۵۶ - ۱۵۷ بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» و بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة، فمات میتة جاهلیة» و نقل از بخاری و مسلم.

۳۰ - «شعب الایمان» نیز از بیهقی، به شرح مختصر آن که تحت شماره ۴۵ بیاید.

۳۱ - «المتفق والمفترق» ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی در گذشته (۴۶۳) بلفظ: «من نزع یدا من طاعة الله وفارق الجماعة ثم مات، مات میتة جاهلیة، ومن خلعها بعد عہدها لقی الله ولا حجة له» از ابن عمر (کنز العمال ۶/۶ شماره ۱۴۸۶۵).

۳۲ - «جمع بین صحیحین - بخاری و مسلم -» محمد بن فتوح

- حمیدی در گذشته (۴۸۸) بلفظ: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» (به نقل احقاق الحق قاضی نورالله شوشتری در اوائل بحث امامت، نیز آیت الله مرعشی در پاورقی احقاق ج ۲ ص ۳۰۶ بواسطه کنز العمال (۱/۱۸۶ چاپ حیدر آباد) آنرا نقل نموده، اما روایت با کمی اختلاف در عبارت بدون نام حمیدی ذکر شده)
- ۳۳ - «شرح المبسوط فی الفقه» شمس الدین سرخسی (در گذشته ۴۹۰).
- ۳۴ - «شرح السیر الکبیر شیبانی» نیز از سرخسی ج ۱ ص ۱۱۳ چاپ حیدرآباد ۶ - ۱۳۳۵. نیز ج ۱ ص ۱۶۷ چاپ ۱۹۷۱ م قاهره بلفظ: «من اتاه من امیره ما یکرهه فلیصبر، فان من خالف المسلمین قید شبر، ثم مات، مات میتة جاهلیة»
- ۳۵ - «ربیع الابرار» محمود بن عمر زمخشری در گذشته (۵۳۸) ج ۴ ص ۲۲۱ باب الملك والسلطان بلفظ: «من مات ولیس فی عنقه لامام المسلمین بیعة فمیتته میتة جاهلیة»
- ۳۶ - «ملل ونحل» محمد بن عبد الکریم شهرستانی شافعی در گذشته (۵۴۸) ج ۱ چاپ قاهره ص ۱۷۲ ذیل «الاسماعیلیه» بلفظ: «ان من مات ولم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة» ونیز: «من مات ولم یکن فی عنقه بیعة امام، مات میتة جاهلیة»
- ۳۷ - «مصباح المضیء فی خلافة المستضیء» ابوالفرج، عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی در گذشته (۵۹۷) ج ۱ ص ۱۴۰ - ۱۴۷ چاپ اوقاف عراق بسال ۱۳۹۷ شامل احادیث کلیات خلافت از جمله

حدیث: «من فارق الجماعة شبراً فمات، فمیتته جاهلیه».

۳۸ - «جامع الاصول» ابن اثیر جزری در گذشته (۶۰۶) ج ۴ ص ۴۵۶ بلفظ: «من خرج من السلطان شبراً مات میتة جاهلیة» از ابن عباس از طریق بخاری و مسلم و بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة، ومن قتل تحت رایة عمیة یغضب لعصیة او یدعوا الی عصیة فقتل، فقتلته جاهلیة» به روایت از ابوهریره، از طریق مسلم و نسائی.

۳۹ - «مسائل الخمسون» محمد بن فخر رازی در گذشته (۶۰۶) مسئله ۴۷ ص ۳۸۴ چاپ - ضمیمه مجموعه رسائل - مصر مطبعة علمی کردستان سال ۱۳۲۸ بلفظ: «من مات ولم یعرف امام زمانه فلیمت ان شاء یهودیا وان شاء نصرانیا» (کتاب «پیرامون معرفت امام» از علامه فقیه صافی گلپایگانی ص ۸)

۴۰ - «المغنی فی شرح الخرقی» ابن قدامه، عبدالله بن احمد مقدسی جماعیلی دمشقی حنبلی در گذشته (۶۲۰) ج ۱۰ ص ۴۶ چاپ بیروت، تحت عنوان «قتال اهل البغی» به روایت انس و بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة فمات، فمیتته جاهلیة»

۴۱ - «فتح العزیز علی کتاب الوجیز» ابوالقاسم، عبدالکریم بن محمد قزوینی رافعی در گذشته (۶۲۳) به تفصیلی که در تلخیص الحبیر شماره ۵۶ بیاید.

۴۲ - «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید معتزلی در گذشته (۶۵۶) ج ۹ ص ۱۵۵ بلفظ: «من مات بغیر امام مات میتة جاهلیة» باضافه جمله

«و اصحاب ما همه قائل به صحت و درستی این قضیه هستند که جز با شناخت امامان کسی به بهشت نخواهد رفت. وج ۱۳ ص ۲۴۲ بلفظ: «من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة» به نقل عبدالله بن عمر، اضافه میکند: وی شبانه به در خانه حجاج (ابن یوسف ثقفی) رفت تا بر خلافت عبدالملک مروان باوی که از طرف او حاکم عراق بود، بیعت کند، به این دلیل که پیامبر فرموده: «من مات ولا امام له مات میتة جاهلیة» ولی روش تحقیر آمیز و ذلت آور حجاج نسبت به عبدالله بن عمر آنچنان بود که بجای دست پای خود را از رختخواب بسوی او دراز کرد و گفت: (جهت بیعت) دست خود را به پای من متصل کن. و اینچنین بجای مراسم بیعت گیری با ابن عمر برخورد مسخره آمیز نمود.

۴۳ - «شرح صحیح مسلم» حافظ نووی در گذشته (۶۷۶) ج ۱۲ ص ۲۴۰

۴۴ - «ریاض الصالحین» نیز از نووی ج ۱ ص ۴۳۷ شماره ۶۶۲ و در چاپ دمشق ص ۲۸۴ - ۲۸۵ شماره ۶۶۳ بلفظ: «من خلع یداً من طاعة لقی الله يوم القيامة ولا حجة له، ومن مات ولیس فی عنقه بیعة، مات میتة جاهلیة» رواه مسلم.

و فی روایه له: «من مات وهو مفارق للجماعة فانه يموت میتة جاهلیة» و به شماره ۶۷۰ بدین عبارت آمده: «من کره من امیره شیئاً فلیصبر، فانه من خرج من السلطان شبرا مات میتة جاهلیة» متفق علیه.

۴۵ - «مختصر شعب الایمان - بیهقی -» از ابو جعفر عمر قزوینی

در گذشته (۶۹۹) ص ۱۰۶ چاپ مصر بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية» به روایت از ابوهریره ونقل از مسلم.

۴۶ - «الاحسان بترتيب صحيح ابن حبان» امير علاء الدين، علي بن بلبان فارسی حنفی در گذشته (۷۳۹) ج ۷ ص ۴۹ چاپ بیروت، بلفظ: «من مات وليس له امام مات ميتة جاهلية» از طریق ابویعلی به روایت از معاویه.

۴۷ - «تلخیص المستدرک» حافظ ذهبی در گذشته (۷۴۸) ج ۱ ص ۷۷ و ۱۱۷ نقل و اقرار به عین آنچه از مستدرک حاکم گذشت نموده.

۴۸ - «تفسیر» ابن کثیر دمشقی در گذشته (۷۷۴) ج ۱ ص ۵۱۷ بلفظ: «من مات وليس في عنقه بيعة، مات ميتة جاهلية».

۴۹ - نیز «تاریخ ابن کثیر» ج ۷ ص ۲۳۲ بدین شرح که چون مردم - بخاطر کشتار عمومی اهل مدینه یزید را از خلافت خلع و ساقط کردند عبد الله بن عمر فرزندان و اهل بیت خود را جمع نمود و پس از تشهد گفت: ما به حساب بیعت با خدا و رسولش با این مرد (یزید بن معاویه) بیعت کردیم و شنیدیم رسول خدا میگفت: «من نزع يداً من طاعة، فانه يأتي يوم القيامة لائحة له، ومن مات مفارق الجماعة فانه يموت موة جاهلية» پس مبادا کسی از شما یزید را خلع نماید و مبادا در این باره اسراف و تند روی از خود نشان دهد که مایه جدائی بین من و او خواهد شد.

۵۰ - «شرح المقاصد» سعدالدین تفتازانی (۷۹۲) ج ۲ ص ۲۷۵ بلفظ:

«من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» اضافه کرده است این حدیث همانند: (اطيعوا الله واطيعوا الرسول وأولى الأمر منكم) میباشد.

۵۱ - «شرح - عقائد نسفی -» نیز از محقق تفتازانی چاپ ۱۳۰۲، لکن چاپ ۱۳۱۳ که هفت صفحه آن بدست خیانتکاران حذف و ساقط گردیده فاقد این حدیث میباشد. (الغدير ۱۰ / ۳۶۰)

۵۲ - «مجمع الزوائد» نور الدین هيثمی در گذشته (۸۰۷) ج ۵ ص ۲۱۸ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية» به روایت از معاویه و بلفظ: «من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية» و ص ۲۱۹ بلفظ: «ومن خرج من الجماعة قيد شبر متعمدا فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه ومن مات وليس لامام جماعة عليه طاعة مات ميتة جاهلية» از معاذ بن جبل به روایت طبرانی و بلفظ: «... من أصبح ليس لأمر جماعة عليه طاعة بعثه الله يوم القيامة من ميتة جاهلية» از ابودرداء از طریق طبرانی. و ص ۲۲۳ بلفظ: «من مات وليس عليه طاعة مات ميتة جاهلية» به نقل از عامر بن ربيعة و طریق احمد بن حنبل، ابويعلى، بزار و طبرانی و ص ۲۲۴ بلفظ: «من مات وليس عليه امام، فميتته جاهلية» به روایت از ابن عباس و طریق بزار و طبرانی در معجم اوسط.

و ص ۲۲۵ بلفظ: «من مات وليس عليه امام، مات ميتة جاهلية» به روایت از معاویه بن ابی سفیان از طریق طبرانی در معجم اوسط.

۵۳ - «كشف الاستار عن زوائد البزار على الكتب الستة» نیز از هيثمی

ج ۲ ص ۲۵۲ حدیث ۱۶۳۵ چاپ مؤسسه رسالت، بلفظ: «من فارق الجماعة قیاس (او قید) شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه، ومن مات وليس عليه امام فمیتته میتة جاهلیة، ومن مات تحت رأیة عصبیة او ينصر عصبیة فقتلته قتله جاهلیة».

۵۴ - «فتح الباری شرح صحیح بخاری» احمد بن محمد بن حجر عسقلانی در گذشته (۸۵۲) ج ۱۶ ص ۱۱۲ بلفظ: «من مات وليس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر.

۵۵ - «مطالب العالیة» نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۲ ص ۲۲۸ تحت شماره ۲۰۸۸ بلفظ: «من مات ولا طاعة علیه مات میتة جاهلیة»

۵۶ - «تلخیص الحبیر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر» نیز از ابن حجر عسقلانی ج ۴ ص ۴۱ بلفظ: «من خرج عن الجماعة قید شبر فقد خلع ربقة الاسلام...» به روایت از ابن عمر. و ص ۴۲ بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة، فمیتته جاهلیة» به روایت

از ابوهریره (فهارس کتاب فوق ص ۲۸۹، چ دارالمعرفه بیروت)

۵۷ - «جمع الجوامع» یا «جامع الاحادیث» عبدالرحمن سیوطی در گذشته (۹۱۱) بشرح مندرج در کنز العمال.

۵۸ - «تیسیر الاصول» ابن دیع شیبانی در گذشته (۹۴۴) ج ۳ ص ۳۹ به روایت از ابوهریره بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة، فمات میتة جاهلیة» از طریق دو صحیح بخاری و مسلم.

۵۹ - «کنز العمال» حسام الدین متقی هندی در گذشته (۹۷۵) ج ۱ ص ۱۰۳ شماره ۴۶۳ چاپ حلب بلفظ: «من مات ولا بیعة علیه مات

میتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر به نقل از مسند احمد وابن سعد. و شماره ۴۶۴ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلیة» به روایت معاویه و از طریق احمد حنبل و طبرانی. و ص ۲۰۷ شماره ۱۰۳۵ بلفظ: «من خرج من الجماعة قيد شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه حتى يراجعه، ومن مات وليس عليه امام جماعة فان موته موة جاهلیة» از ابن عمر و از طریق مستدرک حاکم. و شماره ۱۰۳۷ بلفظ: «من فارق المسلمين قيد شبر فقد خلع ربقة الاسلام من عنقه، ومن مات ليس عليه امام فميتته ميتة جاهلیة، ومن مات تحت راية عمية يدعوا الى عصبية او ينصر عصبية فقتله جاهلیة» از طریق طبرانی (در معجم کبیر) به روایت ابن عباس و ص ۲۰۸ شماره ۱۰۳۸ بلفظ: «من فارق جماعة المسلمين شبرا، أخرج من عنقه ربقة الاسلام... ومن مات من غير امام جماعة مات ميتة جاهلیة» به روایت ابن عمر از طریق حاکم در مستدرک. و ص ۳۷۹ شماره ۱۶۴۹ بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فقد نزع ربقة الاسلام من عنقه» از علی به روایت از بیهقی و ج ۶ ص ۵۲ شماره ۱۴۸۰۹ بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة، فمات، مات ميتة جاهلیة...» به روایت از ابوهریره از طریق احمد، نسائی و مسلم. و شماره ۱۴۸۱۰ بلفظ: «من مات وليس في عنقه بيعة، مات ميتة جاهلیة» به روایت از ابن عمر از طریق مسلم. و ص ۶۵ شماره ۱۴۸۶۱ بلفظ: «ومن مات وليست عليه طاعة، مات ميتة جاهلیة» به روایت از عامر بن ربيعة از طریق ابن ابی شيبه (در مصنف) و احمد حنبل (در مسند) و طبرانی (در معجم کبیر) و سعيد بن منصور (در سنن) و شماره

- ۱۴۸۶۳ بلفظ: «من مات بغير امام مات ميتة جاهلية، ومن نزع يدا من طاعة جاء يوم القيامة لاحجة له». به روایت از عبدالله بن عمر و نقل از «معجم كبير» طبرانی و «حليه الاولياء» ابونعيم. وص ۶۶ شماره ۱۴۸۶۵ بلفظ: «من نزع يدا من طاعة الله وفارق الجماعة ثم مات، مات ميتة جاهلية، ومن خلعها بعد عهدها لقي الله ولا حجة له» به روایت ابن عمر از طريق خطيب بغدادی در «المتفق والمفترق».
- ۶۰ - «جواهرالمضيئه» ملاعلی قاری حنفی در گذشته (۱۰۱۴) در خاتمه کتاب ج ۲ ص ۵۰۹ بلفظ: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» و در ص ۴۵۷ گوید: و فرموده او (پیامبر) ص در صحيح مسلم «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» معنایش این است که: هر کس شناسد آن کس را (که اقتدا به او ورهمنون شدن بدو - در زمانی که دست اندر کار امامت ورهبری است - واجب باشد) مرگش مرگ جاهلی خواهد بود.
- ۶۱ - «مجمع الفوائد» محمد بن سلیمان مغربی در گذشته (۱۰۹۴) در شام) ج ۲ ص ۲۵۹ چاپ بیروت شماره ۶۰۴۸، بلفظ: «من مات بغير امام، مات ميتة جاهلية» و در روایت دیگر تحت شماره ۶۰۴۹ بلفظ: «من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية» از معاویه بن ابی سفیان.
- ۶۲ - «بريقه المحموديه» شيخ ابوسعید خادمی حنفی در گذشته (۱۱۶۸) ج ۱ ص ۱۱۶ چاپ مصطفى حلبی قاهره، بلفظ: «من مات ولم يعرف امام زمانه فقد مات ميتة جاهلية» (ملحقات احقاق الحق ج

۱۹ پاورقی ص ۶۵۱)

- ۶۳ - «ازالة الخفاء في مناقب الخلفاء» شاه ولی الله دهلوی در گذشته (۱۱۷۶) ج ۱ ص ۳ بلفظ: «من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية» آنرا ذکر نموده و برای اثبات وجوب کفائی نصب خلیفه بر مسلمین تا روز قیامت، بدان استدلال کرده است.
- ۶۴ - «ازالة الغین» علامه فقیه مولی حیدر علی بن محمد فیض آبادی هندی در گذشته (۱۲۰۵) در بحث از بی اعتباری بعضی از احادیث بخاری، چاپ دهلی ۱۲۹۵ بلفظ: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية» (المدخل حدیث غدیر از عباقت ص ۶۱)
- ۶۵ - «فواتح الرحموت» - شرح «مسلم الثبوت» شیخ محب الله بهاری هندی حنفی در گذشته (۱۱۱۹) - از عبد العلی محمد بن نظام الدین محمد انصاری هندی در گذشته (۱۲۲۵) ج ۲ ص ۲۲۳ - ۲۲۴ چاپ لکهنو ۱۸۷۸م بلفظ: «لم يفارق الجماعة احد ومات الا مات ميتة جاهلية» به روایت از بخاری و نیز در چاپ بولاق در حاشیه مستصفی غزالی ج ۲ ص ۲۲۴.
- ۶۶ - «نیل الاوطار - بشرح «المنتقى في الاخبار» - قاضی محمد بن علی شوکانی یمنی در گذشته (۱۲۵۵) ج ۷ ص ۳۵۶ چاپ بیروت ۱۹۷۳ بلفظ: «من رای من أمیره شیئا یکرهه فلیصبر، فانه من فارق الجماعة شبرا فمات، فمیتته جاهلية» از ابن عباس. و بلفظ: «من کره من أمیره شیئا فلیصبر علیه، فانه لیس احد من الناس خرج من السلطان شبرا فمات علیه الا مات ميتة جاهلية» از ابن عباس. و بلفظ:

«ومن خلع يدا من طاعة لقي الله ولا حجة له، ومن مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة جاهلية» از ابن عمر به نقل از مسلم. وص ۳۵۷ بلفظ: «من فارق الجماعة شبرا فكانما خلع ربة الاسلام من عنقه» به روایت از حرث بن حرث اشعری و نقل از ترمذی وابن خزيمة وابن حبان و روایت از ابن عباس به نقل از بزار و طبرانی در اوسط.

۶۷ - «ينابيع المودة» علامه شيخ سليمان بلخي قندوزي در گذشته (۱۲۹۴) باب ۳۹ ص ۱۳۷ چاپ حيدريه نجف وص ۱۱۷ چاپ اسلامبول بلفظ: «وفي المناقب بالسند عن عيسى بن السري قال: قلت لجعفر بن محمد الصادق (ع) حدثني عما ثبت عليه دعائم الاسلام، اذا أخذتُ بها زكّا عملي ولم يضرنني جهل ما جهلت. قال: شهادة أن لا إله إلا الله وأنّ محمدا رسول الله، والاقرار بما جاء به من عند الله، وحق في الأموال من الزكاة والاقرار بالولاية التي أمر الله بها ولاية آل محمد (ص)، قال رسول الله (ص): «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية. قال الله عز وجل: أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولى الأمر منكم.

فكان على صلوات الله عليه ثم صار من بعده حسن ثم حسين ثم من بعده علي بن الحسين ثم من بعده محمد بن علي وهكذا يكون الأمر، ان الأرض لا تصلح الا بالامام، ومن مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية».

۶۸ - «صيانة الانسان عن وسوسة الشيخ دحلان» در دفاع از عقائد وهابي حجاز، تأليف محمد بن بشير سهسواني هندی وهابي

در گذشته (۱۳۲۶) چاپ مصر ص ۱۴۹ بلفظ: «لیس أحد یفارق الجماعة شبرا فیموت الامات میتة جاهلیة» از ابن عباسو بلفظ: «من خرج من الطاعة وفارق الجماعة فمات، مات میتة جاهلیة» از ابوهریره به نقل از مسلم. وص ۳۰۷ تا ۳۱۵ با الفاظ مختلف واسناد متعدد و ذکر مصادر، حدیث موضوع بحث را نقل وبدان استدلال کرده استودرپایان باب مکمل مئه (صدم) ص ۶۲۵ به نقل از شیخ بهاء الدین عاملی در «اربعین» بعنوان حدیث متفق علیه بین عامه و خاصه، وبلفظ: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» ونیز به نقل از ملل ونحل شهرستانی.

۶۹ - «تاریخ آل محمد» علامه قاضی بهلول بهجت افندی، از اهالی قفقاز (آذربایجان شوروی) وساکن زنگنه زور ترکیه در گذشته (۱۳۵۰) که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده ودر آخر آن بلفظ: «من مات ولم يعرف امام زمانه فقد مات میتة جاهلیة» وبعنوان متفق علیه علمای خاصه وعامه این حدیث را ذکر کرده است.

۷۰ - «الامام جعفر الصادق» علامه محقق مستشار عبد الحلیم جندی مصری معاصر، چاپ مجلس اعلی شئون اسلامی جمهوری مصر قاهره ۱۳۹۷ در پاورقی ص ۱۷۴ بلفظ: «من مات ولیس له امام، فمیتة جاهلیة» بطور ارسال مسلم.

اسامی راویان حدیث (من مات ولم يعرف...) واحادیث مشابه

توضیح این مطلب لازم است که مجموع راویان احادیث بخش اول (یعنی حدیث «من مات ولم يعرف...») عبارت از هفت نفر از صحابه

- پیامبر اکرم (ص) و راویان مورد قبول اهل تسنن بوده اند که بنوشته
ذهبی در «الکاشف» صاحبان صحاح سته همه از یک یک این هفت
نفر بطور فراوان نقل روایت کرده اند و عملاً صدق گفتار وصحت
روایات آنها را تایید و اعلام نموده اند و اسامی آنها بدین قرار است:
- ۱ - زید بن ارقم در گذشته (۶۸) الکاشف ۱ / ۳۳۶ شماره ۱۷۳۸
 - ۲ - عامر بن ربیعہ عنزی در گذشته (کمی قبل از عثمان) الکاشف ۲ /
۵۴ شماره ۲۵۴۹
 - ۳ - عبد الله بن عباس در گذشته (۶۸) الکاشف ۲ / ۱۰۰ شماره ۲۸۲۹
 - ۴ - عبد الله بن عمر بن خطاب در گذشته (۷۴) الکاشف ۲ / ۱۱۲ شماره
۲۹۰۱
 - ۵ - عویمر بن مالک معروف به ابوالدرداء در گذشته (۳۲) الکاشف
۳۵۸ / ۲ شماره ۴۳۸۸
 - ۶ - معاذ بن جبل در گذشته (۱۸) الکاشف ۳ / ۱۵۳ شماره ۵۵۱۱
 - ۷ - معاویه بن ابی سفیان در گذشته (۶۰) الکاشف ۳ / ۱۵۷ شماره
۵۶۱۷ و اما راویان احادیث بخش ۲ (که مُصدّر به «من خرج» و «من
فارق» و «من خلع» و امثال این کلمات است) عبارتند از نامبردگان
فوق به اضافه:
- ۱ - ابوهریره دوسی در گذشته (۵۷ / ۵۹)
 - ۲ - انس بن مالک در گذشته (۹۳) که بنوشته ذهبی در «الکاشف» -
 - ۳ / ۳۸۵ تحت شماره ۴۳۳ بخش کنی و ۱ / ۱۴۰ بشماره ۴۸۳ - این
دو نیز در تمام صحاح سته بطور فراوان از آنها نقل حدیث شده

است. اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات وویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

بحث و بررسی پیرامون احادیث اختصاصی حضرت مهدی منتظر

اکنون که اجمالی از بحث و بررسی پیرامون حدیث مربوط به امام شناسی همه ائمه بر حق اسلام - از جمله امام مهدی موعود - بنظر رسید، می پردازیم به بررسی مشخصات وویژه گی های احادیث مختص به حضرت مهدی و دیگر مطالب و مسائل مربوط به شئون آن حضرت:

صحابه راوی احادیث امام مهدی موعود منتظر در منابع اهل تسنن

۱ - امام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالبسنن ابی داود ۵۱/۴

۲ - ابوامامه باهلی، سعد بن عجلانالبیان گنجی ص ۹۵

۳ - ابویوب أنصاری معجم صغیر طبرانی ۱۳۷/۱

۴ - أبوسعید خدری سنن أبی داود ج ۴ ص ۱۰۷ حدیث شماره

۴۳۸۵

۵ - أبوسلمی راعی (چوپان شترهای) رسول خدا (ص)مقتل الحسین

خوارزمی ص ۹۵ وبنقل ینابیع الموده ۱۶۰/۳، فرائد السمطین ۳۱۹/۲

حدیث شماره ۵۷۱ وعموم کتب شامل احادیث مهدی

۶ - أبوالطفیل عامر بن واثلهمسند أحمد بن حنبل ۹۹/۱

- ۷ - أبولیلی مناقب خوارزمی، فصل پنجم ص ۲۳ - ۲۴
- ۸ - أبووائل عقد الدرر جمال الدین یوسف دمشقی ص ۲۳ و ۳۸
- ۹ - أبوهریره صحیح بخاری ۱۷۸/۲ وعموم کتب شامل أحادیث مهدی
- ۱۰ - أنس بن مالک سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲
- ۱۱ - تمیم داری عرائس ثعلبی ص ۱۸۶ وبنقل عقد الدرر ص ۲۱۹
- ۱۲ - ثوبان مولی (غلام آزاد شده) رسول الله(ص) سنن ابن ماجه ۵۱۹/۲
- ۱۳ - جابر بن سمره البرهان متقی هندی، ذیل تنبیها، تنبيه اول
- ۱۴ - جابر بن عبد الله أنصاری مسند أحمد حنبل ۳۸۴/۳
- ۱۵ - جابر بن عبد الله صدفی استیعاب قرطبی ۱۱۱/۲ چاپ ذیل إصابه ابن حجر ومعجم کبیر طبرانی ۹۳۷/۲۲
- ۱۶ - امام حسن بن علی ینایع الموده قندوزی ص ۵۸۹
- ۱۷ - امام حسین بن علی البرهان متقی هندی باب دوم حدیث ۱۷ و ۱۸
- ۱۸ - سلمان فارسی مقتل الحسین خوارزمی ۱۴۶/۱
- ۱۹ - طلحه بن عبیدالله البرهان متقی هندی والمهدی المنتظر ابن صديق ص ۱۲
- ۲۰ - عباس بن عبدالمطلب المهدی المنتظر ابن صديق ص ۱۲
- ۲۱ - عبدالرحمن بن عوف البیان گنجی شافعی ص ۹۶
- ۲۲ - عبد الله بن حرث (حارث) بن جزء زیدیسسن ابن ماجه ۵۱۹/۲

ودر چاپ دیگر ۲/۲۷۰

- ۲۳ - عبد الله بن عباس فصول المهمه ابن صباغ مالکی ص ۲۷۸
- ۲۴ - عبد الله بن عمر بن خطاب فصول المهمه ص ۲۷۷ والبرهان باب ۱ حدیث ۲ و باب ۶ حدیث ۶
- ۲۵ - عبد الله بن عمرو بن عاص البیان گنجی ص ۹۲
- ۲۶ - عبد الله بن مسعود فصول المهمه ابن صباغ ص ۲۷۹
- ۲۷ - عثمان بن أبی العاص مسند أحمد حنبل ۴/۲۱۶ - ۲۱۷
- ۲۸ - عثمان بن عفان المهدي المنتظر صديق مغربی ص ۱۲، ودر مقاله فتوائی - اداره مجمع فقهی سعودی در مکه - مندرج در آخر البیان گنجی ص ۷۷ چاپ بیروت
- ۲۹ - علقمة بن عبد الله سنن ابن ماجه [بنقل المهدي في السنة شیرازی ص ۴۲] وفصول المهمه ابن صباغ مالکی
- ۳۰ - علی الهلالی مجمع الزوائد هیشمی ۹/۱۶۵
- ۳۱ - عمار بن یاسر البرهان باب اول حدیث ۱۰ و باب ۴ فصل ۲ حدیث شماره ۷ و ۲۴
- ۳۲ - عمر بن خطاب البرهان باب اول حدیث ۳۸
- ۳۳ - عمران بن حصین مسند أحمد بن حنبل ۴/۴۳۷
- ۳۴ - عمرو بن عاص البرهان باب چهارم فصل ۲ حدیث ۲۳
- ۳۵ - عمرو بن مره جهنی إبراز الوهم المکنون أبو الفیض غماری و عرف الوردی ص ۱۳۹ و ۳۹۰ والمهدي المنتظر ابن صديق ادريسی ص ۱۳

۳۶ - عوف بن مالک معجم کبیر طبرانی
۳۷ - قتاده بن نعمان البرهان باب اول حدیث ۱۷ و باب ششم حدیث ۱۱ و ۱۰

۳۸ - قره بن ایاس المزنی ینایع الموده ص ۲۲۰
۳۹ - کعب الأحبار عقد الدرر جمال الدین دمشقی ص ۱۸۰ و ۲۳۳ -
۲۳۴ بنقل از فتن نعیم بن حماد

۴۰ - کعب بن علقمه البرهان باب هفتم حدیث ۸ - ۱۳ - ۲۱
۴۱ - معاذ بن جبل إبراز الوهم المکنون أحمد بن محمد بن صدیق
ص ۸

۴۲ - فاطمة الزهراء بنت رسول الله (ص) فرائد السمطين حموینی
۴۳ - أم المؤمنین أم سلمه سنن أبی داود ۱۵۱/۴
۴۴ - أم المؤمنین عایشه کتاب الفتن نعیم بن حماد بنقل عقد الدرر
ص ۱۶ - ۱۷ والبرهان باب دوم حدیث ۲۱
۴۵ - أم حبیبه البرهان باب چهارم فصل ۲ حدیث ۲۰

معترفین به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی منتظر

۱ - أبوالحسن، محمد بن حسین آبری سجستانی (در گذشته ۳۶۳ هـ)
از اعلام محدثین مورد قبول حفاظ حدیث و حدیث شناسان از اهل
تسنن، در کتاب «مناقب الشافعی» - ذیل نام محمد بن خالد جندی،
راوی حدیث جعلی «لا مهدی إلا عیسی بن مریم» - بشرح مندرج
در مصادر ذیل (۹) اعتراف به تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث
مهدی نموده است.

- ۲ - حافظ محمد یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) در «البيان في اخبار صاحب الزمان (ع)» آخر باب يازدهم.
- ۳ - شمس الدين محمد بن أحمد قرطبي (۶۷۱) در «التذكرة في أحوال الموتى وأمور الآخرة» ص ۷۰۱.
- ۴ - حافظ جمال الدين مزّي (۷۴۲) در «تهذيب الكمال» ۱۴۶/۵ - ۱۴۹ شماره ۵۱۸۱.
- ۵ - ابن قيم جوزيّه حنبلي (۷۵۱) در «منار المنيف» ص ۱۴۲.
- ۶ - ابن حجر عسقلاني (۸۵۲) در «تهذيب التهذيب» ۱۲۵/۹ ذيل شرح حال محمد بن خالد جندی واحتجاج بكلام ابري در رد جندی، نیز - بنقل «ابراز الوهم المكنون» ص ۴۲۳ - در «فتح الباري (شرح صحيح مسلم)».
- ۷ - شمس الدين سخاوی (۹۰۲) در «فتح المغیث» بنقل از آبري [«نظم المتناثر» كتاني ص ۲۲۶؛ «إبراز الوهم المكنون» غماري ص ۴۳۶ ومندرج در «الامام المهدي عند أهل السنّة» ص ۲۳۲].
- ۸ - جلال الدين عبدالرحمن سيوطي (۹۱۱) در «مصباح الزجاجة» [بنقل بليسي در «العطر الوردی في شرح القطر الشهدی» ص ۴۵].
ودر «فوائد المتكاثرة في الأحاديث المتواترة» ومختصر آن «الازهار المتناثرة» [بنقل «إبراز الوهم المكنون» ص ۴۳۴ ومندرج در «الامام المهدي عند أهل السنّة» ۴۳۴/۲؛ ودر «عرف الوردی» مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنّة» ج ۱ ذيل ص ۳۹۶].
- ۹ - ابن حجر هيثمي (۹۷۴) در «صواعق المحرقة» ص ۹۹ ودر چاپ

دیگر ص ۱۶۷.

۱۰ - شیخ مرعی بن یوسف حنبلی (۱۰۳۳) در «فرائد الفكر فی الامام المهدی المنتظر» [بنقل «لوائح الأنوار البهیة» سفارینی ج ۲ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۲۳ و «الإذاعة» محمد صدیق قنوجی ص ۱۴۷].

۱۱ - أبوزید عبدالرحمن بن عبدالقادر فاسی (۱۰۹۲) در «منهج المقاصد - شرح «مراصد المعتمد» شیخ محمد عربی فاسی -» [بنقل از سخاوی «المهدی المنتظر» عبد الله بن محمد صدیق حسنی ادریسی ص ۱۰].

۱۲ - محمد بن عبد الرسول بررنجی (۱۱۰۳) در «الإشاعة لأشراط الساعة» ص ۸۷.

۱۳ - محمد بن عبد الباقي زرقانی مالکی (۱۱۲۲) در «شرح المواهب اللدنیة» [بنقل «إبراز الوهم المکنون» صدیق مغربی ص ۴۳۴ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ص ۲۳۰].

۱۴ - شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی (۱۱۸۲) در شرح کتاب «الرسالة» عبد الله بن عبدالرحمن شیروانی [کتانی در «نظم المتناثر من الحديث المتواتر» ص ۲۲۶ و احتجاج به کلام جسوس؛ و «المهدی المنتظر» ابن صدیق غماری ص ۹].

۱۵ - أبو العلاء ادریس بن محمد ادریس حسینی عراقی فاسی (۱۱۸۳) در کتابی که در باره امام المهدی نوشته [بنقل «نظم المتناثر» ص ۲۲۶؛ و «المهدی المنتظر» ابن صدیق غماری ص ۸].

- ۱۶ - شیخ محمد بن أحمد سفارینی حنبلی (۱۱۸۸) در «لوائح الأنوار البهية» مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۲۰.
- ۱۷ - شیخ محمد بن علی صبان (۱۲۰۶) در «إسعاف الراغبين» ص ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۵۲.
- ۱۸ - قاضی محمد بن علی شوکانی (۱۲۵۰) در کتاب «التوضیح فی تواتر ما جاء فی مهدی المنتظر والدجال والمسیح» [کتانی در «نظم المتناثر» ص ۲۲۵ - ۲۲۸؛ محمد صدیق قنوجی بخاری در «الاذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة» ص ۱۶۰؛ شیخ محمد خضر حسین مصری در مقاله «نظرة فی أحادیث المهدی» چاپ دمشق و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۲۱۲؛ أحمد أمين مصری در «المهدي والمهدوية» ص ۱۱۰ چاپ مصر؛ شیخ عبدالمحسن عباد حجازی در مقاله «عقيدة اهل السنة والاثار» چاپ مدینه و مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ۲/۴۰۳؛ شیخ تویجری در «الاحتجاج بالاثار علی من أنکر المهدی المنتظر» ص ۴۲. «تحفة الاحوذی» مبارکپوری ص ۴۸۴ باب «ما جاء فی المهدی» در شرح حدیث [۲۳۳۱].
- ۱۹ - مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۲۹۱) در «نور الأبصار» ص ۱۸۹.
- ۲۰ - سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴) در «ینایع المودة» باب ۸۵ ص ۵۶۳.
- ۲۱ - أحمد بن زینی دحلان مفتی شافعیه (۱۳۰۴) در «فتوحات الاسلامیه» ۲/۲۱۱ بنقل از «اشاعة» برزنجی.

- ۲۲ - سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷) در «الاذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة» ص ۱۱۲.
- ۲۳ - محمد بلیسی بن محمد بن أحمد حسینی شافعی مصری (۱۳۰۸) در «عطر الوردی فی شرح القطر الشهدی» ص ۴۴ بنقل از «شرح ورد السحر» شیخش أبوعبدالسلام شبراوی و ص ۴۵ بنقل از «مناقب الشافعی» أبوالحسن آبری در گذشته ۳۶۳ واز «مصباح الزجاجة» سیوطی.
- ۲۴ - أبوعبد الله محمد بن جعفر کتانی مالکی (۱۳۴۵) در «نظم المتناثر من الحديث المتواتر» ص ۲۲۵ - ۲۲۸ شماره ۲۸۹.
- توضیحاً اسامی هشت نفر از معترفین به تواتر احادیث ویژه مهدی منتظر را با مصدر نقل ذکر کرده بدین شرح: سخاوی، آبری، عراقی، شیخ جسوس، زرقانی، مؤلف «مغانی الوفاء بمعانی الاکتفاء»، سفارینی، شوکانی.
- ۲۵ - مبارکپوری (۱۳۵۳) در «تحفة الاحوذی» ص ۴۸۴ باب «ما جاء فی المهدی» در راستای شرح حدیث ۲۲۳۱.
- ۲۶ - شیخ محمد خضر حسین مصری (۱۳۷۷) در مقاله «نظرة فی أحادیث المهدی» چاپ ضمن «مجلة التمدن الاسلامی» دمشق ۱۳۷۰ هـ - ۱۹۵۰ م ص ۸۲۹، وبنقل از شوکانی بطوریکه تلقی به قبول نموده و عیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/ ۲۱۲ میباشد.
- ۲۷ - ابوالفیض، سید احمد بن محمد بن صدیق غماری حسینی

ازهری شافعی مغربی (۱۳۸۰) در «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، أو المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی» ص ۴۳۳ - ۴۳۶ وعیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/ ۲۲۷ - ۳۸۲.

۲۸ - شیخ ناصرالدین آلبنی (معاصر) در مقاله «حول المهدی» نشریه «مجله التمدن الاسلامی» دمشق سال ۲۲ ذیقعه ۱۳۷۱ هـ ص ۶۴۲ - ۶۴۶ وعیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/ ۳۹۱. ۲۹ - شیخ صفاءالدین آل شیخ الحلقه عراقیدر «مجله التریه الاسلامیه» شماره ۷ ص ۳۰ سال ۱۴ [«المهدی المنتظر بین التصور والتصدیق» شیخ محمد حسن آل یس ص ۲۹؛ نیز «المهدی المنتظر» ص ۲۹].

۳۰ - شیخ عبدالمحسن بن حمد عبادعضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه، در مقاله «عقیده اهل السنّة والاثر فی المهدی المنتظر» نشریه «مجله جامعه الاسلامیه» مدینه سال اول شماره ۳ ذیقعه ۱۳۸۸ بخش چهارم مقاله ص ۶۴۳ وعیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ص ۴۰۲ - ۴۰۴ و در دیگر مقاله مفصل بعنوان «الرّد علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی» در ردّ بر رساله «لا مهدی یتنظر بعد الرسول خیر البشر» ابن محمود قاضی قطر، نشریه فوق شماره ۱ سال ۱۲، ۱۴/ ۱۴۰۰ هـ وعیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/ ۴۴۲.

۳۱ - ابوالفضل عبد الله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسیدر

«المهدی المنتظر» چاپ عالم الکتب بیروت ص ۹۵.

۳۲ - شیخ حمود بن عبد الله تویجری (معاصر) از استادان دانشگاه اسلامی مدینه، در کتاب «الاحتجاج بالاثّر علی من أنکر المهدی المنتظر» در ردّ بر کتاب «لا مهدی یتنظر بعد الرسول خیر البشر» قاضی قطر ص ۱۲۱.

۳۳ - شیخ عبدالعزيز بن عبد الله بن باز (معاصر) از رجال علمی دربار حکومت سعودی و رئیس ادارات علوم و فتوی و دعوت و ارشاد، در ذیل تأییدنامه مقاله «عقیده اهل السنّه والاثّر فی المهدی المنتظر» شیخ عبدالمحسن عباد سابق الذکر، و نیز در کلام تقریضی او بر کتاب «الاحتجاج بالاثّر...» تویجری مذکور ص ۳.

۳۴ - در پایان قابل توجه است که دکتر عبدالحلیم نجار ضمن مقدمه اش - بر کتاب «المهدیه فی الاسلام» سعد محمد حسن مصری، که در خلط مبحث حقایق اسلامی و نادیده انگاشتن نقلیات حدیثی و اعترافات علماء در باب مهدی منتظر و انکار او خلاصه می شود - مؤکداً خاطر نشان میکند که بنظر علماء حدیث، موضوع مهدی بالغ و برخوردار از تواتر معنوی است.

معترفین به صحت و قابل استناد بودن احادیث مهدی منتظر

و اما معترفین از طبقه حدیث آوران و حدیث شناسان اهل تسنن به صحت و قابل استناد بودن احادیث وارده پیرامون شئون مختلف مهدی منتظر، پس در حدود بیست و پنج نفرند که هر یک با تعبیرات گوناگون، نقلیات روایتی مورد بحث را صحیح و قابل قبول اعلام

- کرده اند واسامی وآدرس کلامی آنها بدین قرار است:
- ۱ - حافظ ترمذی (متوفی ۲۹۷) در «سنن» خود - که یکی از صحاح سته حدیث اهل تسنن می باشد - ج ۴ ص ۵۰۵ و ۵۰۶
 - ۲ - حافظ ابوجعفر عقیلی (۳۲۲) در کتاب «الضعفا الکبیر» ذیل ترجمه علی بن نفیل حرانی ج ۳ ص ۲۵۳، شماره ۱۲۵۷
 - ۳ - ابومحمد حسن بن علی خلف بریهاری شیخ حنبلیان (۳۲۹) در کتاب «شرح السنه» بنقل شیخ حمود تویجری در «الاحتجاج بالاثر علی من انکر المهدی المنتظر» ص ۲۸
 - ۴ - حاکم نیشابوری (۴۰۵) در «مستدرک» ج ۴ صفحات ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۰۲، ۵۲۰، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸
 - ۵ - امام المحدثین بیهقی (۴۵۸) در «الاعتقاد والهدایه الی سبیل الرشاد» ص ۱۲۷ و نیز بنقل ابن قیم در «منار المنیف» ص ۱۳۰ شماره ۲۲۵
 - ۶ - حافظ بغوی (۵۱۰ یا ۵۱۶) در «مصاییح السنه» ص ۴۸۸ شماره ۴۱۹۹، ۴۹۲ و ۴۹۳
 - ۷ - مورخ شهیر ومحدث معروف ابن اثیر (۶۰۶) در کتاب «النهایه فی غریب الحدیث والاثر» ج ۱ ص ۲۹۰ ج ۲ ص ۱۷۲ و ۳۲۵ و ۳۸۶ وج ۴ ص ۳۳ وج ۵ ص ۲۵۴
 - ۸ - ابن منظور افریقی (۷۱۱) در «لسان العرب» ص ۵۹ ذیل کلمه «هدی»
 - ۹ - ابن تیمیه یگانه بنیانگذار مذهب وهابی سعودی (۷۲۸) در

- «منهاج السنه» ج ۴ ص ۲۱۱
- ۱۰ - بزرگ حدیث شناس اهل تسنن، حافظ ذهبی، (۷۴۸) در «تلخیص المستدرک» ج ۴ ص ۵۵۳
- ۱۱ - ابن کثیر شامی (۷۷۴) در «النهاية فی الفتنوالملاحم» ج ۱ ص ۵۵
- ۱۲ - فاضل تفتازانی (۷۹۳) در «شرح المقاصد ص ۳۱۲ در شرح عقاید نسفی ص ۱۶۹
- ۱۳ - نور الدین هیشمی (۸۰۷) در «مجمع الزوائد» ج ۷ ص ۱۱۵، ۱۱۶، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷
- ۱۴ - شیخ محمد جزری دمشقی شافعی (۸۳۳) در «السمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب» ص ۱۶۳، ۱۶۸
- ۱۵ - الشهاب احمد بن ابی بکر بوصیری (۸۴۰) در «مصباح الزجاجة فی زوائد ابن ماجه» ج ۳ ص ۲۶۳ شماره ۱۴۴۲
- ۱۶ - علاء الدین بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵) در «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» که در رد سید محمد بن سید محمد خان جونپوری مدعی مهدویت، نوشته واز متن فتوای چهار نفر از علمای مذاهب اربعه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی هم (که بیانگر صحت احادیث مربوطه ووجوب ایمان بدانها بر هر مسلمانی است) استفاده نموده.مراجعه شود به کتاب فوق ص ۱۷۷ و ۱۷۸ - ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳
- ۱۷ - سید محمد مرتضی حسینی حنفی واسطی زیدی (۱۲۰۵) در «تاج العروس» ج ۱۰ ص ۴۰۸، ۴۰۹، ذیل کلمه «هدی»

۱۸ - شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوائی شافعی مصری، (۱۳۰۸) در منظومه «قطر الشهدی فی اوصاف المهدی» که شرح بنام «عطرالوردی فی شرح القطر الشهدی» بطور مکرر بنظر رسید ص ۶۸
۱۹ - ابوالبرکات آلوسی حنفی (۱۳۱۷) در «غالیة المواعظ» ص ۷۶ - ۷۷

۲۰ - ابوالطیب، محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹) در «عون المعبود شرح سنن ابی داود» ج ۱۱ ص ۳۶۱
۲۱ - شیخ منصور علی ناصف (بعد ۱۳۷۱) در «التاج الجامع للأصول» باب هفتم - ج ۵ ص ۳۴۱

۲۲ - شیخ محمد بن عبدالعزیز مانع، (۱۳۸۵) در «تحذیق النظر باخبار الامام المنتظر»

۲۳ - شیخ محمد قواد عبدالباقی (۱۳۸۸) در تعلیقه اش بر حدیث مندرج در سنن ابی داود، بنقل شیخ عبدالمحسن عباد در مقاله «عقیده اهل السنة والاثر فی المهدی المنتظر» مندرج در «الامام المهدی عند اهل السنة» ج ۲

۲۴ - ابوالاعلی مودودی، معاصر، در «البیانیات» ص ۱۱۶۲۵ - نویسنده محقق سعید ایوب معاصر در «عقیده المسيح الدجال فی الادیان» ص ۳۶۱ چاپ سوم قم، مطبعه مهر ۱۴۱۳

مهدی از فرزندان فاطمه دختر پیامبر است

از جمله پیشگوئیهای صریح پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پیرامون امام مهدی منتظر در رابطه با مشخصات نسبی و ویژگیهای فامیلی آن

حضرت، موضوع بودن آن موعود جهانی است از فرزندان فاطمه، که در حدود هفتاد نفر از مراجع حدیثی و اعلام تاریخی اهل تسنن، احادیث بیانگر این امر و فرازهای تاریخی مربوط بدان را نقل و ثبت کرده اند و محلی برای شک و شبهه در این باره باقی نگذاشته اند؛ عباراتی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره ایراد فرموده، بنقل ام سلمه بدین قرار است:

«المهدی حقّ وهو من ولد فاطمة»
«المهدی من ولد فاطمه»
«المهدی من عترتی من ولد فاطمة»
وبه نقل حسین بن علی بن ابی طالب بدینگونه باشد که با روی سخن به فاطمه فرمود:

«المهدی من ولدک»
«أبشری یا فاطمة، فانّ المهدی منک»
«أبشری یا فاطمة، المهدی منک»
وبه نقل أبویوب أنصاری چنین آمده:

«... ومنا خیر الأوصیاء وهو بعلمک... ومنا المهدی وهو من ولدک»
«... ومنا المهدی...»

وهمچنان که ملاحظه می شود این عبارات خلاصه می شود در اعلام بودن حضرت مهدی (علیه السلام) از فرزندان فاطمه (علیها السلام) دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، و براین اساس فاطمی نبودن مدعیان مهدویت خود یکی از دلائل محکم، و سرنخی است بر

دروغگوئی آنان.

همچنانکه دیگر مشخصات مهدی راستین نیز دلیل و نشانه است بر دروغگوئی مهدیهای فاطمی و بی اساس بودن دعوای مهدویت آنها. و اما ناقلین بودن حضرت مهدی از فرزندان فاطمه، ومصادر نقل آن، پس بدین شرح است:

۱ - إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون: أحمد بن محمد بن صدیق مغربی؛ ص ۱۴۶ حدیث ۷۷.

۲ - الإذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة: سيد محمد صدیق حسن قنوجی بخاری؛ ص ۱۱۶.

۳ - الأربعین حدیثا فی المهدی: حافظ أبونعیم اصفهانی؛ مندرج در «العرف الوردی» سیوطی و «حديقة الشيعة» مقدس اردبیلی و «كشف الغمة» اربلی و «بحار الأنوار» علامه مجلسی.

۴ - أرجح المطالب: شيخ عبیدالله حنفی؛ ص ۳۸۱ و ۳۸۴ و ۳۸۵ با اسناد مختلف.

۵ - أسعاف الراغبين: ابن صبان مالکی؛ چاپ حاشیه «نور الأبصار» شبلنجی، ص ۱۳۷.

۶ - الإشاعة لأشراط الساعة: محمد بن رسول حسینی برزنجی؛ ص ۸۸.

۷ - أشعة اللمعات: شيخ عبدالحق دهلوی؛ ۳۳۷/۴.

۸ - انسان العیون (مشهور به سیره حلبی): ۱۹۳/۱.

۹ - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان: متقی هندی؛ باب ۲ حدیث ۲ و ۱۷ و ۲۰ و ۲۲ و ۲۳.

- ۱۰ - البیان فی أخبار صاحب الزمان: گنجی شافعی؛ ص ۳۱۰ چ نجف.
- ۱۱ - التاج الجامع للأصول: شیخ منصور علی ناصف؛ ج ۵ ص ۳۴۳، اوایل باب هفتم کتاب الفتن.
- ۱۲ - تاریخ الرقة: أبوعلی قشیری حرّانی؛ ص ۷۰ و ۷۱.
- ۱۳ - تاریخ الكبير: بخاری؛ ج ۲ بخش ۱ ص ۳۱۶.
- ۱۴ - تذکره الحفاظ: شمس الدین ذهبی؛ ۴۶۳/۱.
- ۱۵ - تذکره: قرطبی؛ ص ۶۱۶.
- ۱۶ - تعلیقه: شیخ طاهر نعسانی بر «تاریخ الرقة»: قشیری؛ ص ۷۰.
- ۱۷ - تلخیص مستدرک حاکم: ذهبی؛ ۵۵۷/۴.
- ۱۸ - تمییز الطیب من الخبیث: ابن ربیع شیبانی؛ ص ۲۲۰.
- ۱۹ - تیسیر الوصول: ابن ربیع شیبانی؛ ۲۳۷/۲.
- ۲۰ - جالیة الکدر: عبدالهادی ایاری؛ ۲۰۸.
- ۲۱ - جامع صغیر: سیوطی شافعی؛ ۵۷۹/۲.
- ۲۲ - جمع الجوامع: سیوطی؛ ۱۰۴/۲.
- ۲۳ - جواهر العقدین: نورالدین سمهوری؛ بنقل «ینایع الموده» قندوری، اول باب ۷۳.
- ۲۴ - در المنثور: سیوطی؛ ۵۸/۶؛ بنقل از أبوداود، ابن ماجه، طبرانی تا حاکم از امّ سلمه.
- ۲۵ - الدر المنظم: محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲) مندرج در باب ۶۸ «ینایع الموده» ص ۴۹۲ چاپ نجف و ص ۴۳۲ چاپ استانبول

- ۲۶ - ذخائر العقبی: محب الطبری؛ ص ۴۴ و ۱۶۶؛ بنقل «أربعین حدیثاً فی المهدی» أبوالعلاء همدانی.
- ۲۷ - راموز الأحادیث: أحمد ضیاءالدین حنفی نقشبندی؛ ص ۲۳۶.
- ۲۸ - سراج المنیر - فی شرح الجامع الصغیر سیوطی -: أحمد بن محمد عزیزی؛ ص ۴۰۹.
- ۲۹ - سنن: أبی داوود سجستانی؛ ۱۵۱/۴.
- ۳۰ - سنن المصطفی: ابن ماجه قزوینی؛ ۵۱۹/۲.
- ۳۱ - شرح نهج البلاغة: ابن أبی الحدید؛ ۲۸۱/۱ چاپ ۲ جلدی مصر.
- ۳۲ - صحیح مسلم: به نقل کنز العمال ۲۶۴/۱۴
- ۳۳ - صواعق المحرقة: ابن حجر هیثمی؛ ص ۲۳۵.
- ۳۴ - العرائس الواضحة: عبدالهادی ایاری؛ ۲۰۸.
- ۳۵ - العرف الوردی فی اخبار المهدی: سیوطی؛ ضمن «الحاوی للفتاوی»؛ ۱۲۴/۲ و ۱۴۴ و ۱۳۷ و ۱۴۶ و ۱۴۸ و ۱۵۵ و ۱۶۵ از أبونعیم و ابن عساکر و طبرانی، چاپ ۱۳۷۸ مصر.
- ۳۶ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر: ص ۲۱ حدیث ۲۱ - ۲۵ بنقل از «سنن» ابن ماجه و «سنن» امام أبوعمر مقرئ و «صفة المهدی» حافظ أبونعیم و «الملاحم» ابن منادی.
- ۳۷ - الفتاوی الحدیثه: ابن حجر هیثمی مکی؛ ص ۲۹.
- ۳۸ - فتح الکبیر: یوسف نبهانی لبنانی؛ ص ۲۵۹.
- ۳۹ - الفتن والملاحم: أبونعیم بن حماد؛ ج ۱ ص ۳۷۳ چاپ مکتبه التوحید قاهره

- ۴۰ - الفتوحات الکبیر: محی الدین ابن عربی چاپ بولاق
- ۴۱ - الفردوس: شیرویه بن شهردار دیلمی؛ شماره ۶۶۷۰ ج ۴ ص ۲۲۳.
- ۴۲ - فصول المهمة: ابن صباغ مالکی؛ ص ۲۷۶.
- ۴۳ - الفقه الأكبر: مولوی حسن الزّمان؛ ۶۷/۲ و ۷۰/۲.
- ۴۴ - کنز العمال: متقی هندی؛ ۳۱۸/۶ و ۲۵۹/۷، چاپ حیدرآباد و ۱۰۵/۱۲ بنقل از سنن ابی داود وصحیح مسلم از ام سلمه و ۱۴ / ۲۶۴ به نقل از ابن عساکر از امام حسین بن علی، چاپ حلب
- ۴۵ - کنوز الحقایق: مناوی؛ ص ۳ و ۱۶۴ ط بولاق مصر.
- ۴۶ - لوائح الأنوار البهیة: محمد سفارینی حنبری؛ قبل از عنوان فوائد.
- ۴۷ - مجمع الزوائد: نورالدین هیشمی؛ ۱۶۶/۹، کتاب المناقب، باب فضل اهل البيت.
- ۴۸ - مستدرک: حاکم نیشابوری؛ ۵۵۷/۴.
- ۴۹ - مسند فاطمه: سیوطی؛ چاپ ۱۴۰۶ مطبعة عزیزیه حیدرآباد هند، بنقل از ابن عساکر.
- ۵۰ - مشارق الأنوار فی فوز اهل الإعتبار: حمراوی؛ ص ۱۵۲ بنقل از «صحیح» مسلم و «سنن» أبی داود و «سنن» نسائی و «مستدرک» حاکم و «سنن» ابن ماجه و «سنن» بیهقی و دیگران.
- ۵۱ - مشکاه المصابیح: خطیب تبریزی؛ ۲۴/۳.
- ۵۲ - مصابیح السنّة: بغوی؛ ۱۳۴/۳.

- ۵۳ - مطالب السؤل: محمد بن طلحه شافعی؛ ص ۸۹.
- ۵۴ - معجم الصغير: أبو القاسم طبرانی؛ ص ۵۲ حدیث ۹۴.
- ۵۵ - مفتاح النجاء: بدخشی؛ ص ۱۰۰، مخطوط.
- ۵۶ - مقاتل الطالبیین: أبو الفرج اصفهانی؛ ص ۱۴۳.
- ۵۷ - مقاصد الحسنه: شمس الدین سخاوی؛ ص ۴۳۵.
- ۵۸ - الملاحم: ابن منادی - أبو الحسن احمد بن جعفر -؛ ص ۴۱.
- ۵۹ - المنار المنيف: ابن قیم جوزیه ص ۱۴۶ شماره ۳۳۴
- ۶۰ - منتخب كنز العمال: چاپ حاشیه «مسند» أحمد حنبل، ۹۶/۵ و ۳۰/۶.

- ۶۱ - منهاج السنّة: ابن تیمیّه حرّانی؛ ۲/۲۱۱.
- ۶۲ - میزان الاعتدال: ذهبی؛ ۱/۳۵۵ و ۲/۲۴۰.
- ۶۳ - نهاية البداية والنهاية: ابن كثير دمشقي؛ ۳۷۱ و ۴۰.
- ۶۴ - ينابيع المودة: سليمان قندوزي؛ ۳/۸۶ چ بيروت وص ۵۱۹ چ نجف

مهدی موعود منتظر حسینی واز فرزندان امام حسین بن علی است

نه حسنی واز فرزندان امام حسن بن علی

از جمله پیشگوئیهای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در رابطه با مشخصات نسبی وویژه گیهای خانوادگی امام مهدی منتظر(علیه السلام) موضوع حسینی بودن او ست که حضرتش با تعبیرات مختلف جدّ پدری آن امام بزرگوار را ابو عبد الله، حسین بن علی بن ابی طالب معرفی و اعلام فرمود.

البته بشرحی که بعداً ملاحظه می شود حداقل یکصد و بیست و هشت نفر از اعلام حدیثی و تاریخی اهل تسنن در مصادر حدیثی و منابع تاریخی مربوطه اعتراف به ولادت حضرت مهدی در حدود نیمه دوم قرن سوم هجری نموده و عموماً به سلسله نسب پدری آن بزرگوار که از امام حسن عسکری منتهی به امام حسین بن علی بن ابیطالب می شود تصریح کرده اند و دیگر جای هیچگونه شکی نیست که حضرت مهدی موعود منتظر حسینی است و چندان نیازی به طرح عنوان حسینی بودن آن بزرگوار نخواهد بود.

ولی جهت آگاهی خوانندگان به حقایق تاریخی و کشف و بر ملا شدن دروغبافی و بی راهه روی مدعیان حسنی بودن مهدی منتظر، لازم دانستیم توجه خوانندگان را به این مطلب جلب تاسیه روی شود هر که در او غش باشد.

واینک اسامی تعدادی از ناقلین و معترفین به حسینی بودن حضرت مهدی عج:

۱ - علامه محقق ادیب ابن قتیبه دینوری (۲۷۶) در غریب الحدیث نقل از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام نموده که مهدی را مطرح نمود و فرمود: «اِنَّهُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، هَمَانَا كَهْ مَهْدِيْ از فرزندان حسین باشد...» و ذکر حلیته فقال: رجل اجل

الجبین...» [شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۲۸۱ و ۱۹۰/۱۳۰]

۲ - حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (متوفای ۳۸۵) - به نقل البیان گنجی شافعی آخر باب نهم و قندوزی در ینابیع الموده

اواسط باب نود و چهار - در «الجرح والتعديل» ذیل روایت مفصلی از ابوسعید خدری (که بیانگر بیمار شدن پیامبر اکرم و رفتن فاطمه به عیادت و دیدار آن بزرگوار و ایراد و اعلام آن حضرت باروی سخن به فاطمه، شش امتیازی را که خداوند بدان خاندان عنایت فرموده می باشد) آورده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: از جمله امتیازات ششگانه اینکه: مهدی این امت که عیسی پشت سرش نماز میخواند از ما خاندان باشد، سپس دست بر شانه حسین - که حاضر در مجلس بود زد و فرمود: «مِنْ هَذَا مَهْدِيُّ الْأُمَّةِ» از این (حسین) باشد مهدی (منتظر این) امت.

نیز قندوزی در ینایع الموده اواسط باب نود و چهار صفحه ۵۹۰ این فراز از حدیث را آورده است.

۳ - حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰هـ) در کتاب «اربعون حدیثاً فی المهدی» به عنوان حدیث ششم با ذکر سند نقل از حذیفه رضی نموده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با ایراد خطبه و خبر دادن از رخدادهای جهان فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ، حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي أَسْمُهُ أَسْمَى. فَقَامَ سَلْمَانُ رَضِيَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَيْ وَلَدِكَ هُوَ؟ قَالَ: مَنْ وَلَدِي هَذَا وَضُرِبَ بَيِّدُهُ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (۱۰).

توضیحا این روایت را دیگر نامبردگان ذیل بهمین مضمون و با کمی اختلاف در تعبیرات نقل کرده اند که بخاطر محدودیت مقاله از ذکر متون مربوطه تا فرصت بعدی معذرت می خواهیم

- ۴ - اخطب خطباء خوارزم موفق بن احمد مکی خوارزمی (۵۸۶) در مقتل الحسين اوائل فصل هفتم ص ۱۴۶.
- ۵ - شيخ الاسلام ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی - صاحب «اربعون حديثاً في المهدي» - (۵۶۹ هـ) بشرح مندرج در «فرائد السمطين» وبه نقل «مناقب كاشي» - مخطوط و موجود در كتابخانه آيت الله مرعشي در قم -.
- ۶ - ابن ابي الحديد (۶۵۶) در شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۸۱ - ۲۸۲ وج ۱۹ ص ۱۳۰ با اشاره به نقل ابن قتيبه در «غريب الحديث» از علي (عليه السلام).
- ۷ - محمد بن يوسف گنجی شافعی (مقتول سنه ۶۵۸) در «البيان في اخبار صاحب الزمان» ص ۹۰ چاپ نجف باب نهم به نقل از «الجرح والتعديل» دارقطنی،
- ۸ - يوسف بن يحيى مقدسى شافعى سلمى (۶۸۵) در «عقد الدرر في اخبار المنتظر» چاپ ۱۳۹۹ مکتبه عالم الفكر مصر، باب اول ص ۲۴ بنقل از «صفة المهدي» ابونعيم از حذيفه آخر باب ۲ ص ۳۲ بنقل از مصدر فوقباب ۴ فصل ۲ ص ۸۹ بنقل از جابر بن يزيد جعفی از ابوجعفر (امام باقر ع) و ص ۹۵ بنقل از امام امير المؤمنين عليه السلام، باب ششم تحت عنوان: في تصريح النبي بان المهدي من ولد الحسين بنقل از دارقطنی صاحب «الجرح والتعديل» واسط باب ۴ ص ۱۲۷ بنقل از فتن نعيم بن حماد از عبد الله بن عمرو باب نهم فصل سوم ص ۲۲۳ از «صفة المهدي» حافظ ابونعيم وحافظ ابو عبد الله

- نعیم بن حماد و «معجم» حافظ ابوالقاسم طبرانی از عبد الله بن عمرو
- ۹ - محب الدین طبری (۶۹۴) در «ذخائر العقبی» ص ۱۳۶ - ۱۳۷،
- ۱۰ - شیخ ابراهیم بن محمد بن مؤید بن عبد الله جوینی خراسانی (۷۳۰) در «فرائد السمطین - فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمه من ذریتهم -» ج ۲ ص ۳۲۵ - ۳۲۶ شماره ۵۷۵ با ذکر سند منتهی به حافظ ابوالعلا حسن عطار همدانی.
- ۱۱ - حافظ شمی الدین ذهبی (۷۴۸) در میزان الاعتدال ج ۲ ص ۳۸۲ ذیل نام عباس بن بکار ضبی
- ۱۲ - سید علی شهاب همدانی (۷۸۶) در «موده القربی و اهل العباء» مندرج در «ینایع الموده قندوزی ص ۳۰۸ چاپ نجف» موده دهم ضمن چند روایت مختلف و هم مضمون.
- ۱۳ - محمد بن محمود حافظی معروف به خواجه پارسا (۸۲۲) در «فصل الخطاب» مشروح حضرت مهدی را از فرزندان امام حسن عسکری دانسته و اعلام نموده [ینایع الموده باب ۶۵، ص ۴۶۴ چ نجف]
- ۱۴ - ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) در «لسان المیزان» ج ۳ ص ۳۰۰ طبق متن فرائد السمطین.
- ۱۵ - ابن صباغ مالکی (۸۵۵) در «فصول المهمه فی معرفه الأئمه» ص ۲۷۷ بنقل از ابونعیم عین آنچه را که از حذیفه آورده.
- ۱۶ - سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴) در «ینایع الموده» اواخر باب ۵۴ ص ۱۹۷ چاپ نجف بنقل از موده القربی همدانی.

اوایل باب ۷۷ ص ۵۳۴ بنقل از علی (ع) از پیامبر (ص) واز سلیم بن قیس از سلمان حدیثی را که با روی سخن به حسین فرمود: «...انت ابو حجاج تسعة تاسعهم قائمهم المهدی» بنقل از حموینی و خوارزمی، و بنقل از ابن عباس با تعبیر «وتسعة من ولد الحسين مطهرون» از حموینی اواسط باب ۹۴ ص ۵۸۸ بنقل از اربعین حافظ ابونعیم از حذیفه در پاسخ سؤال سلمان از پیامبر اکرم پیرامون نام فرزندش - که مهدی از اولاد او باشد -.

وص ۵۸۹ بنقل از ابن خشاب از امام علی بن موسی الرضا و تصریح آنحضرت باینکه مهدی فرزند عسکری است.

و نیز ص ۵۸۹ با ذکر سند بنقل از امام موسی کاظم و تصریح باینکه امام صادق فرمود: «مهدی از فرزندان من باشد». و ص ۵۹۰ متن آنچه را از «الجرح والتعديل» دارقطنی آوردیم.

نیز ص ۵۹۰ بنقل از مناقب خوارزمی (۱۱) از سلمان فارسی.

روایتی را که سلمان وارد بر پیغمبر شد و دید حضرتش حسین بن علی را بر روی زانو نشانده و او را می بوسید و خبر می دهد از اینکه حضرت قائم نهمین فرزند حسین باشد

۱۷ - شیخ عبدالهادی ابیاری (۱۳۰۵) در «العرائس الواضحه» ص

۲۰۸

۱۸ - سید مؤمن بن حسن شبلنجی (۱۳۰۸) در «نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار» چاپ بولاق مصر.

معترفین از علمای سنی به ولادت حضرت مهدی از نسل فاطمه زهرا

وامام حسین بن علی در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری

در اینجا توجه خوانندگان ارجمند را به یک موضوع مهم جلب می نمائیم و آن اینکه:

اصل مسأله مهدویت در اسلام مانند - مسأله امامت که در پیشگفتار بدان اشاره کردیم - یک مسأله اتفاقی بین همه مذاهب عقیدتی و فقهی اسلام است.

چیزی که در این رابطه مورد اختلاف می باشد موضوع ولادت حضرت مهدی است که گروهی انگشت شمار از اهل تسنن منکر، و اکثریت قریب به اتفاق موافق با شیعه، و در منابع عقیدتی، حدیثی و تاریخی خود صریحاً بدان اعتراف کرده اند.

ناگفته پیداست که معتقدان به ولادت آن حضرت نیز در انتساب آن بزرگوار به امام عسکری، و دیگر ویژگیها و شؤون حیاتی او از قبیل غیبتو... با شیعه هم عقیده اند.

با توجه به اینکه ما در این کتاب در انطباق بخشی از فرازهای سخنان امام در نهج البلاغه با مسأله مهدی منتظر، متکی به اعتراف ابن ابی الحدید، شارح نهج البلاغه، شده ایم، و نامبرده در موضوع ولادت آن حضرت با شیعه مخالف، و آن را موکول به بعد نموده است، ما در این مقدمه به اسامی بیش از یکصد نفر از دانشمندان و مورخان اهل تسنن که با شیعه هم عقیده، و به ولادت حضرت مهدی در نیمه دوم قرن سوم هجری اعتراف کرده اند اشاره می کنیم؛ و برای تفصیل بیشتر، علاقمندان آشنا به زبان عربی را به کتاب

- «الامام المهدي عند اهل السنة» (۱۲) ومقدمه آن ارجاع می دهیم.
- ۱ - ابوبکر محمد بن هارون رویانی (در گذشته ۳۰۷) در «مسند» مخطوط موجود در کتابخانه ظاهریه شام که بخش ویژه حضرت «مهدی» در جلد سوم «الامام المهدي عند اهل السنة» مندرج، تا به یاری خدا چاپ ومنتشر گردد.
- ۲ - ابن ابی ثلج، ابوبکر، محمد بن احمد بن بغدادی (۲۳۸ - ۳۲۲) از بزرگان محدثان ومؤلف «تاریخ الأئمة» که به عنوان «موالید الأئمة» به پیوست «الفصول العشرة فی الغیبة - شیخ مفید -» و «نوادیراوندی» به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف به چاپ رسیده؛ و در این کتاب انتساب حضرت مهدی (ع) به امام عسکری و ولادت آن بزرگوار را صریحاً اعتراف نموده است.
- ۳ - ابوالعباس، احمد بن ابراهیم بن علی کندی، شاگرد ابن جریر طبری، استاد حافظ ابونعیم اصفهانی، مقیم مکه، وراوی کتاب «موالید الأئمة».
- ۴ - ابوعلی، احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، راوی کتاب «موالید الأئمة» ابن ابی ثلج به سال ۳۵۰ از کندی سابق الذکر.
- ۵ - ابومسعود، احمد بن محمد بن عبدالعزیز بن شاذان بجلی، نویسنده وقاری رساله «موالید الأئمة» بر ابومنصور شیرازی.
- ۶ - ابومنصور، عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی که رساله مذکور را از ابی مسعود شنیده ونوشته است.
- ۷ - ابومحمد، اسد بن احمد ثقفی که رساله «موالید الأئمة» را از

ابومنصور گرفته است.

۸ - ابوماجد، محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز بن واعظ که رساله فوق الذکر را به نقل از ثقفی نامبرده ضبط کرده است.

۹ - ابوعبد الله، محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی که این رساله را از ابوماجد شنیده و نقل کرده است.

۱۰ - محب الدین، ابوعبد الله، محمد بن محمود بن حسن نجار بغدادی (۶۴۳) که شاگرد ابن جوزی، مدرس مدرسه «مستنصریه» بغداد، ومؤلف «ذیل تاریخ بغداد - شامل ۴۰ جلد -» بوده و محتوای رساله «موالید الأئمة» را از مشایخ سه گانه پیشین (ابومحمد ثقفی، ابوماجد، ابوعبد الله فاخر قرشی) شنیده و ضبط نموده است.

۱۱ - نسب شناس مشهور، ابونصر، سهل بن عبد الله بخاری زیدی (بعد ۳۴۱) در «سُرُّ السلسة العلویة» پیرامون نام امام حسن عسکری (ع) چاپ نجف.

۱۲ - مورخ شهیر علی بن حسین مسعودی (۳۴۶) در «مروج الذهب» جلد ۸، چاپ لیدن - به ضمیمه ترجمه فرانسوی - ص ۴۰.

۱۳ - خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف کاتب (۳۸۷) در «مفاتیح العلوم»، چاپ لیدن سنه ۱۸۹۵، ص ۳۲ - ۳۳.

۱۴ - حافظ ابوالفتح، محمد بن احمد بن ابی الفوارس بغدادی (۳۸۸ - ۴۱۲) در «اربعین» خود شماره ۴ به نقل «کشف الاستار» محدث نوری ص ۲۹ چاپ اول.

۱۵ - جعفر بن محمد بن المعزز مستغفری سمرقندی (۴۳۲) در «دلائل

- النبوة والمعجزات» (بنا به نقل شیخانی در «الصراط السوی»).
- ۱۶ - ابوبکر، احمد بن حسین بیهقی خسروجردی شافعی (۴۵۸) در «شعب الایمان» چاپ دائرة المعارف هند.
- ۱۷ - مؤلف «مجلد التواریخ والقصص» فارسی، (تألیف سال ۵۲۰)، ص ۴۵۸ چاپ تهران.
- ۱۸ - احمد بن ابی الحسن نامقی جامی (۵۳۶) به نقل «ینایع الموده» ضمن احوال امیر مؤمنان، باب ۸۷ ص ۵۶۶.
- ۱۹ - ابن خشاب، أبومحمد، عبد الله بن احمد بغدادی (۵۶۷) در «تاریخ موالید الائمة و...» (۱۳) به نقل «کشف الأستار» و «أعیان الشیعه».
- ۲۰ - اخطب خوارزم، موفق بن احمد حنفی (۴۸۴ - ۵۶۸) در «مقتل امام حسین» (که بعضی با مناقب امیرالمؤمنین از همان نویسنده اشتباه کرده اند) ج ۱ ص ۹۴، ۹۶ ضمن دو روایت و به نقل «ینایع الموده» ص ۴۹۲ چاپ اسلامبول سنه ۱۳۰۱ و «کشف الاستار» علامه نوری.
- ۲۱ - یحیی بن سلامت خصکی شافعی (۵۶۸) به نقل مؤلفان «تذکره الخواص» ص ۳۶۰ چاپ نجف و «ینایع الموده» باب ۸۷ ص ۵۶۹ بعنوان بعض شافعیه.
- ۲۲ - ابن ازرق، عبد الله بن محمد بن فارقی (۵۹۰) در «تاریخ میا فارقین» به نقل «وفیات الاعیان» (ج ۳ ص ۳۱۶، شماره مسلسل ۵۳۴).
- ۲۳ - خلیفه عباسی، الناصر لدين الله، احمد بن مستضیء (۶۲۲) روی

درب مُنبت کاری صغه سرداب سامراء که به دستور او تهیه و نصب گردیده.

۲۴ - شهاب الدین، یاقوت بن عبد الله حموی رومی بغدادی (۶۲۶) در «معجم البلدان» (ج ۳ ص ۱۷۳) پیرامون کلمه «سامراء».

۲۵ - شیخ فرید الدین عطار، محمد بن ابراهیم نیشابوری همدانی (۶۲۷) در دیوانش به نام «مظهر الصفات» به نقل «ینایع الموده» باب ۸۷.

۲۶ - ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمد شیبانی موصلی (۵۵۵ - ۶۳۰) در «الکامل» ذیل سنه ۲۶۰.

۲۷ - شیخ محی الدین محمد بن علی معروف به ابن عربی طائی اندلسی (۶۳۸) به نقل شعرانی - در «الیواقیت والجواهر» مبحث ۶۵ - از باب ۳۶۶ «فتوحات مکیه» او که متأسفانه در چاپهای متعدد مصر از روی خیانت این مطلب ساقط شده. نیز حمزاوی در «مشارق الانوار» و صبان در «اسعاف الراغبین» این مطلب را از محی الدین نقل کرده اند.

۲۸ - شیخ سعد الدین، محمد بن مؤید حمویه، معروف به سعد الدین حموی (۶۵۰) در رساله «مهدی منتظر» به نقل جامی در «مرآة الاسرار».

۲۹ - شیخ کمال الدین محمد بن طلحه شافعی نصیبی (۵۸۲ - ۶۵۲) در «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» باب ۱۲ و نیز در «الدر المنظم» که بخشی از آن در باب ۶۸ «ینایع الموده» (ص ۴۹۳ -

۴۹۴) درج وبه چاپ رسیده است (۱۴).

۳۰ - شمس الدین، یوسف بن قزاوغلی، سبط ابی الفرج بن جوزی (۶۵۴) در «تذکره خواص الامه» - فصل ویژه حضرت مهدی - «که در تهران ونجف به چاپ رسیده است.

۳۱ - حافظ ابوعبد الله محمد بن یوسف گنجی شافعی (۶۵۸) در «کفایه الطالب» - پیرو نام امام عسکری (ع) - ودر «البيان فی أخبار صاحب الزمان» - باب ۲۵ - که مکرر در ایران ونجف ویروت چاپ شده است.

۳۲ - جلال الدین بلخی رومی (۶۷۲) در «مثنوی»، ضمن قصیده «ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند». [«ینایع الموده»، باب ۸۷]

۳۳ - صدرالدین قونوی از بزرگان عرفا وفلاسفه (۶۷۳) در قصیده «رائیه» خود به نقل «کشف الاستار» محدث نوری شماره مسلسل ۳۱. ۳۴ - ابن خلکان (۶۸۱) در «وفیات الاعیان» ج ۱ ص ۵۷۱ چاپ بولاق مصر، ودر چاپ دیگر ج ۳ ص ۳۱۶ شماره ۵۳۴.

۳۵ - عزیزالدین، عبدالعزیز بن محمد نسفی صوفی (۶۸۶) در رساله خود به نقل «ینایع الموده» پایان باب ۸۷.

واو غیر از عزیزالدین عمر بن محمد بن احمد نسفی مؤلف «عقاید النسفیه» ودر گذشته ۵۳۸ است که مؤلفان «کشف الاستار» و«منتخب الاثر» با یکدیگر اشتباه نموده اند، ومؤلف «دانشمندان عامه ومهدی موعود» تاریخ فوتش را ۶۱۶ نگاشته است.

- ۳۶ - حکیم ادیب، عامر بن بصری نزیل سواين روم (۶۹۶) در «تأییه» خود که - به نقل «معجم المؤلفین» ۵/۵۴ - بنام «ذات الانوار» با مقدمه عبدالقادر مغربی و به اعانت ماسینیون به چاپ رسیده، و علامه نوری در صفحه ۵۵ «کشف الاستار» این بخش از اشعار او را ذکر نموده است.
- ۳۷ - مورخ نامی، حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی (۷۳۰) در «تاریخ گزیده فارسی» ص ۲۰۶ - ۲۰۷ چاپ ۱۳۳۹ تهران.
- ۳۸ - شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی حموئی شافعی (۶۴۴ - ۷۳۲) در «فرائد السمطین» ج ۲ ص ۳۳۷ چاپ بیروت.
- ۳۹ - مورخ شهیر، ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل بن علی، حاکم حماة از بلاد سوریه (۷۳۲) در «المختصر فی اخبار البشر» ذیل سنه ۲۵۴ ج ۲ ص ۴۵.
- ۴۰ - کمال الدین عبدالرزاق بن احمد کاشانی صوفی (۷۳۰ یا ۷۳۵) در «تحفه الاخوان فی خصایص الفتیان» به نقل سعید نفیسی در «سر چشمه تصوف در ایران» ص ۲۱۶.
- ۴۱ - عارف شهیر علاءالدوله سمنانی، احمد بن محمد شافعی (۶۵۹ - ۷۳۶) به نقل خواجه پارسا در «فصل الخطاب پیرامون ذکر ابدال واقطاب» که مورد عقیده متصوفه اهل سنت است.
- ۴۲ - مورخ شهیر، شمس الدین محمد ذهبی (۶۷۳ - ۷۴۸) که اصلش ترکمانی و در دمشق اقامت گزیده، در تاریخ «دول الاسلام» ج ۱ ص ۱۵۸ ذیل سنه ۲۶۰؛ نیز در «العبر فی خبر من غیر» ج ۲ ص ۲۰

ذیل حوادث سنه ۲۶۰.

- ۴۳ - ابنوردی، زین الدین عمر بن مظفر بن ابی الفوارس (۶۹۱ - ۷۴۹) در «تتمة المختصر» معروف به تاریخ ابنوردی، چاپ مصر ج ۱ ص ۳۱۸ ذیل حوادث سنه ۲۵۴ پیرامون وفات امام هادی (ع).
۴۴ - شیخ شمس الدین محمد بن یوسف زرنندی حنفی انصاری (۶۹۳ - ۷۴۷ یا ۷۴۸ یا ۷۵۰) در «معراج الوصول الی معرفة فضیلة آل الرسول» که عکس نسخه خطی آن از کتابخانه ناصریه لکهنو در مکتبه اینجانب موجود است.
۴۵ - صلاح الدین صفدی خلیل بن ایبک (۷۶۴) مؤلف «الوافی بالوفیات» و «شرح لامیة العجم» و «شرح الدائرة» به نقل «ینایع المودة» باب ۸۶.
۴۶ - حافظ محدث، عبد الله بن محمد مطیری مدنی شافعی نقشبندی (۷۶۵) در «الریاض الزاهرة فی فضل آل بیت النبی وعترته الطاهرة» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص ۹۳ و ۲۱۵ - ۲۱۶ چاپ قدیم.
۴۷ - مورخ شهیر، عبد الله بن علی یافعی یمنی شافعی (۷۰۰ - ۷۶۸) در «مرآة الجنان» ج ۲ ص ۱۷۲ ذیل حوادث سنه ۲۶۰.
۴۸ - سید علی بن شهاب بن محمد همدانی مقیم هند (۷۱۴ - ۷۸۶) در «مودة القربی» و «اهل العباء» که نسخه عکسی آن از کتابخانه ناصریه هند نزد اینجانب موجود است، و متن کامل آن ضمن باب ۵۶ «ینایع المودة» ص ۲۸۸ - ۳۱۷ چاپ نجف مندرج است.

- ۴۹ - ابوولید، محب الدین، محمد بن شحنه حلبی حنفی (۷۴۹) -
(۸۱۵) در «روضه المناظر فی اخبار الاوائل والاواخر» - که مختصر
«تاریخ ابوالفداء» است و در حاشیه «مروج الذهب» به سال ۱۳۰۳ در
مصر به چاپ رسیده است - ج ۱ ص ۲۹۴.
- ۵۰ - عارف شهیر و مورخ نامی، محمد بن محمد بن محمود بخاری
معروف به خواجه پارسا حنفی نقشبندی (۸۲۲) در «فصل الخطاب»
که نسخه اش در کتابخانه مجلس و فتوکپی آن نزد اینجانب موجود
می باشد؛ و گویا در هند به چاپ رسیده است؛ و بخش ویژه ائمه
اثنا عشر آن مندرج در باب ۶۵ «ینایع الموده» می باشد.
- ۵۱ - مورخ شهیر، احمد بن جلال الدین محمد فصیح خوافی (۷۷۷ -
۸۴۵) در «مجمل فصیحی» چاپ مشهد سنه ۱۳۴۱، ج ۱ ص ۲۳۱،
ضمن رویدادهای ۲۵۵.
- ۵۲ - شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی، معروف به ملک
العلماء زاوی دولت آبادی (۸۴۹) در «هدایة السعداء فی مناقب
السادات» به نقل «کشف الاستار» علامه نوری ص ۷۳ و «البرهان»
علامه سید محسن عاملی شامی چاپ دمشق.
- ۵۳ - خواجه افضل الدین بن صدرالدین ترکه خجندی
اصفهانى (۸۵۰) در «تنقیح الادله والعلل» ترجمه «مللو نحل»
شهرستانی، ص ۱۸ و ۱۸۳ و ۱۸۷.
- ۵۴ - ابن صباغ، نورالدین، علی بن محمد مالکی (۷۳۴ - ۸۵۵) در
«الفصول المهمة فی معرفة الائمة» ضمن فصل ویژه حضرت

مهدی(ع)، ص ۲۷۴ چاپ غری.

۵۵ - شیخ عبدالرحمن بسطامی (۸۵۸) در «دره المعارف» به نقل
«ینایع الموده» باب ۸۴.

۵۶ - ابوالمعالی، سراج الدین، محمد بن عبد الله حسینی رفاعی
مخزومی بغدادی (۷۹۳ - ۸۸۵) در «صاحح الاخبار فی نسب الساده
الفاطمیه الاخبار» ص ۱۴۳، چاپ ۱۳۰۶ مصر.

۵۷ - نورالدین، عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین دشتی جامی
حنفی شاعر (۸۹۸) صاحب «شرح کافیه» در «شواهد النبوه» که در
لکهنو و بمبئی در ۴۴ صفحه بچاپ رسیده است و فتو کپی نسخه خطی
مجلس شورای اسلامی نزد اینجانب موجود است.

۵۸ - محمد بن داود نسیمی منزلاوی صوفی (۹۰۱) به نقل قندوزی
در «ینایع الموده» باب ۸۶ ص ۵۶۶ چاپ نجف.

۵۹ - مورخ نامی، میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۹۰۳) در «روضه
الصفاء» ج ۳ ص ۵۹ - ۶۲ فصل ویژه حضرت مهدی(ع)، که در
کتابخانه مسجد اعظم قم موجود می باشد.

۶۰ - قاضی فضل بن روزبهان خنجی شیرازی (در گذشته بعد ۹۰۹)
که از سرسخت ترین مخالفان شیعه بوده، در قصیده خود که شامل
سلام بر یک یک انوار مقدسه چهارده معصوم است و در مسأله پنجم
از بخش سوم «ابطال الباطل» آنرا ذکر نموده، و نگارنده عین آن را
در مقدمه «الامام المهدی عند اهل السنه» بخش مخطوطات آورده
است.

- ۶۱ - ملاحسین بن علی کاشفی بیهقی سبزواری هروی (۹۱۰) در «روضه الشهداء» فصل هشتم چاپهای دهلی و غیره.
- ۶۲ - قاضی حسین بن معین الدین میدی یزدی حکیم (۹۱۱) - از شاگردان ملا جلال الدین دوانی - در شرح دیوان منسوب به امیرمؤمنان علی (ع) ص ۱۲۳ و ص ۳۷۱ چاپ تهران.
- ۶۳ - فیلسوف شهیر جلال الدین محمد بن اسعد صدیقی دوانی شافعی (۹۰۷ یا ۹۱۸ یا ۹۲۸) در «نور الهدایه فی اثبات الولاية» که بار اول ضمیمه «خصایص» ابن بطریق بسال ۱۲۱۱ قمری، و بعداً به سال ۱۳۷۵ در تهران بچاپ رسیده است.
- ۶۴ - ابوالحسن، علی بن محمد شاذلی (۸۵۷ - ۹۳۹) بنا به نقل شعرانی در «الیواقیت والجواهر» باب ۵۶.
- ۶۵ - مورخ نامی، خواند میر (۹۴۲)، سبط میرخواند مؤلف «روضه الصفا» در تاریخ «حبیب السیر» ج ۲ ص ۱۰۰ - ۱۱۳.
- ۶۶ - شمس الدین محمد بن طولون دمشقی حنفی (۹۵۳) در «الأئمة إثنی عشر» ص ۱۱۷ چاپ دارالصادر بیروت.
- ۶۷ - شیخ حسن عراقی (بعد ۹۵۸) مدفون بالای کوم الریش در مصر، به نقل شعرانی در «الیواقیت والجواهر» مبحث ۶۰ و در «لواقح الانوار» چاپ ۱۳۷۴ مصر ج ۲ ص ۱۳۹، ملاقات و اجتماع او را با حضرت مهدی (ع) ذکر نموده است.
- ۶۸ - شیخ علی خواص، استاد عارف شهیر شیخ عبدالوهاب شعرانی (بعد ۹۵۸) به نقل شاگردش «لواقح الانوار» ج ۲ ص ۱۵۰ و «الیواقیت

والجواهر» مبحث ۶۵.

۶۹ - تقی الدین ابن ابی منصور (تاریخ فوت او بدست نیامد) شعرانی در «الیواقیت والجواهر» آغاز باب ۶۵ از کتاب «عقیده» او نقل کرده است.

۷۰ - مورخ شهیر، قاضی حسین بن محمد دیار بکری (۹۶۶) در «تاریخ الخمیس» ج ۲ ص ۳۴۳ پیرامون حوادث ۲۶۰ و رویدادهای - ایام معتمد عباسی.

۷۱ - عارف شهیر، شیخ عبدالوهاب بن احمد شعرانی شافعی (۸۹۸ - ۹۷۳) در «الیواقیت والجواهر» مبحث ۶۵.

۷۲ - شهاب الدین، شیخ الاسلام، احمد بن حجر هیثمی شافعی (۹۰۹ - ۹۷۴) در «صواعق المحرقة» ص ۱۰۰ و ۱۲۴ چاپ ۱۳۱۳ هجری مصر،

۷۳ - سید جمال الدین، عطاء الله بن سید غیاث الدین فضل الله شیرازی نیشابوری (۱۰۰۰) در «روضة الاحباب» فارسی، چاپ ۱۲۹۷ لکهنو و ۱۳۱۰ هند، در فصل ویژه حضرت مهدی (ع).

۷۴ - محدث شهیر، ملاعلی بن سلطان هروی قاری (۱۰۱۴) در «المرقاة فی شرح المشکاة» که بخش ویژه حضرت مهدی (ع) از آن در جلد دوم «الامام المهدی عند اهل السنة» به چاپ رسیده است.

۷۵ - مورخ شهیر و فاضل، ابی العباس، احمد بن یوسف بن احمد دمشقی قرمانی (۹۳۹ - ۱۰۱۹) در تاریخ «اخبار الدول و آثار الاول» ص ۱۱۷، ضمن باب ویژه خلفاء وائمه.

۷۶ - امام ربانی، احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی حنفی (۹۷۱ - ۱۰۳۱)، که از بزرگان صوفیه هند بوده، واز وی به مجدد هزاره دوم تعبیر کرده اند، در «مکتوبات» ج ۳ مکتوب آخر.

۷۷ - عارف شهیر، عبدالرحمن چشتی بن عبدالرسول بن قاسم بن عباسی علوی صوفی (بعد ۱۰۴۵) در «مرآة الاسرار»، فارسی، شامل شرح حال مشایخ صوفیه (که نسخه آن در کتابخانه آصفیه لکهنو به شماره ۱۶۷ و کتاب ۱۳۰۹ موجود است، ونسخه دیگری از آن در کتابخانه مجلس تهران موجود می باشد) وشاه ولی الله دهلوی نیز در کتاب «الانتباه فی سلاسل اولیاء الله واساتید وارثی رسول الله» از آن نقل کرده است.

۷۸ - عارف شهیر، بدیع الزمان قطب مدار، کسی که عبد الرحمن صوفی کتاب «مرآة الاسرار» را به خاطر او نوشت واو معاصر وی بود، واز اعلام نیمه اول سده یازدهم به شمار می رود؛ وبه نقل «کشف الاستار» علامه نوری، ص ۵۱ تحت شماره ۲۷، عبدالرحمن داستان دیدار او را با آن حضرت در کتاب نامبرده آورده است.

۷۹ - ابوالمجد، عبدالحق بن سیف الدین دهلوی بخاری حنفی (۹۵۹ - ۱۰۵۲) در رساله ویژه مناقب ائمه واحوال آنها به نقل «کشف الاستار» تحت شماره ۱۲.

۸۰ - مورخ شهیر، عبدالحی بن احمد، معروف به ابن عماد دمشقی حنبلی (۱۰۳۲ - ۱۰۸۹) در «شذرات الذهب» ضمن حوادث ۲۶۰ هجری، ص ۱۴۲، چاپ ۱۳۵۰.

- ۸۱ - شیخ محمود بن محمد شیخانی قادری (بعد ۱۰۹۴) در «الصراط السوی فی مناقب آل النبی (ص)».
- ۸۲ - عبدالملک بن حسین بن عبدالملک بن عصامی مکی (۱۰۴۹ - ۱۱۱۱) در کتاب «سمط النجوم العوالی» ج ۴ ص ۱۳۷ - پیرامون نام حضرت امام حسن عسکری (ع) - وص ۱۳۸.
- ۸۳ - میرزا محمد خان بن رستم بدخشی (۱۱۲۲) در «مفتاح النجا فی مناقب آل العبا» ص ۱۸۱، مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی قم. [ملحقات احقاق الحق ۹۵/۱۳]
- ۸۴ - سید عباس بن علی مکی (بعد ۱۱۴۸) در «نزهة الجلیس» ج ۲ ص ۱۲۸، چاپ قاهره.
- ۸۵ - شیخ عبد الله بن محمد شبراوی شافعی مصری (۱۱۷۲)، شیخ جامع ازهر، در «الاتحاف بحب الاشراف» ص ۶۸ - ۶۹، چاپ قاهره.
- ۸۶ - احمد بن علی بن عمر، شهاب الدین، ابوالنجاح منینی حنفی دمشق (۱۰۸۹ - ۱۱۷۳) در کتاب «فتح المنان» در شرح منظومه «الفوز والامان» شیخ بهائی، ص ۳، چاپ قاهره؛ متن این کتاب در «الامام المهدي عند اهل السنة» عیناً به چاپ رسیده است.
- ۸۷ - شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم فاروقی دهلوی حنفی (۱۱۱۰ - ۱۱۷۶) در «المسلسلات» معروف به «الفضل المبین» قضیه ملاقات بلاذری با آن حضرت را آورده، وبا سکوت موجب رضا از اظهار نظر خودداری کرده است.
- نیز (به نقل «کشف الاستار» شماره ۲۶) در «الانتباه فی سلاسل اولیاء

الله» در این زمینه شرح مفصلی از جامی آورده است.

۸۸ - شیخ سراج الدین، عثمان دده عثمانی (۱۲۰۰) در «تاریخ الاسلام والرجال» ص ۳۷۰، نسخه مخطوط کتابخانه آیت الله مرعشی. [ملحقات احقاق الحق ۹۲/۱۳]

۸۹ - شیخ محمد بن علی صبان مصری شافعی (۱۲۰۶) در «اسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و فضائل اهل بینه الطاهرین» (۱۵) ذکر نموده است.

۹۰ - مولوی علی اکبر بن اسدالله مودودی (۱۲۱۰) از مشاهیر علمای هند و متعصبین سر سخت علیه شیعه در «مکاشفات» - که حواشی بر «نفحات الانس» جامی است - (ج ۷، ص ۳۲۷) پیرامون شرح حال علی بن سهل اصفهانی و بحث از عصمت انبیاء و امام مهدی موعود.

۹۱ - مولوی محمد مبین هندی لکهنوی (۱۲۲۰) در «وسيلة النجاة» چاپ گلشن فیض، ص ۳۱۶.

۹۲ - شیخ عبدالعزیز بن شاه ولی الله دهلوی (۱۱۵۹ - ۱۲۳۹)، مؤلف «تحفة اثنا عشریة» بنا به نقل «استقصاء الافهام» ص ۱۱۹ در «النزهة» روایت ابن عقلة، مربوط به ملاقات بلاذری را از «فضل المبین» پدر خود نقل کرده، و این خود گواه بر عقیده او به حیات حضرت مهدی (ع) می باشد.

۹۳ - خالد بن احمد بن حسین، ابوالبهاء، ضیاءالدین نقشبندی شهرزوری (۱۱۹۰ - ۱۲۴۲) از بزرگان صوفیه، در «دیوان فارسی»

خود به نقل «مجمع الفصحاء» رضا قلی هدایت، ج ۲، ص ۱۱، چاپ ۱۳۲۹.

۹۴ - رشیدالدین دهلوی هندی (۱۲۴۳) در «ایضاح لطافه المقال» بنقل «الامام الثانی عشر» علامه عبقانی، ص ۴۷، چاپ نجف.

۹۵ - نسب شناس شهیر، ابوالفوز، محمد امین سویدی بغدادی (۱۲۴۶) در «سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب» ص ۸۷ در خط عسکری ذکر نموده است.

۹۶ - قاضی جواد بن ابراهیم بن محمد ساباط هجری بصری حنفی (۱۱۸۸-۱۲۵۰)، که نخست مسیحی بود و از آن پس گرایش به اسلام پیدا کرد، در «البراهین الساباطیه فیما یستقیم به دعائم الملة المحمدیه» چاپ عراق، به نقل «کشف الاستار».

۹۷ - شیخ عبدالکریم یمانی (قبل ۱۲۹۱) ضمن اشعاریکه پیرامون حضرت مهدی(ع) سروده و در «ینایع الموده» عیناً آنها را آورده است.

۹۸ - محدث عالیقدر، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی معروف به خواجه کلان (۱۲۲۰ - ۱۲۹۴) در «ینایع الموده» آخر باب ۵۶ و آخر باب ۷۹، که بارها در ترکیه، هند، عراق، ایران، و در هفتمین بار به سال ۱۳۸۴ در نجف به چاپ رسیده است.

۹۹ - شیخ حسن عدوی حمزاوی شافعی مصری (۱۳۰۳) در «مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار» ص ۱۵۳، چاپ مصر.

۱۰۰ - عبدالهادی بن رضوان بن محمد بن الایاری (۱۳۰۵) در

- «جالیة الکدر» - شرح منظومه سبزواری - ص ۲۰۷ چاپ مصر.
- ۱۰۱ - مؤلف «تشید المبانی» (۱۳۰۶) به نقل علامه محقق میرحامد حسین نیشابوری هندی در «استقصاء الافهام» ص ۱۰۳، چاپ لکهنو.
- ۱۰۲ - سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی مصری (۱۲۵۲) - بعد ۱۳۰۸) در فصل ویژه حضرت مهدی (ع) در «نور الابصار» ص ۱۵۰، چاپ ۱۳۲۲ مصر.
- ۱۰۳ - عبدالرحمن بن محمد بن باعلوی حصرمی (۱۳۲۰)، مفتی حصرم یمن، در «بغیة المسترشدين» ص ۲۹۶، چاپ مصر، به نقل از جلال الدین سیوطی.
- ۱۰۴ - محمود بن وهیب قراغولی بغدادی حنفی در کتاب «جوهره الکلام» مطبوع، ص ۱۵۷، در فصلی که تحت عنوان «المجلس الثلاثون فی فضائل محمد المهدی رضی الله عنه» ویژه حضرت مهدی (ع) گشوده، به ولادت و غیبت آن بزرگوار اعتراف کرده است.
- ۱۰۵ - عماد الدین حنفی، به نقل علامه نوری از بعضی اصحاب خود در «کشف الأستار» ص ۶۰، اعتراف به ولادت حضرت مهدی (ع) نموده، ولی علامه نوری از نصّ کلام او اظهار بی اطلاعی کرده است.
- ۱۰۶ - فاضل محقق قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگنه زوری (۱۳۵۰) در «محاكمة در تاریخ آل محمد [ص]» که از ترکی آذربایجانی به فارسی ترجمه، و بالغ بر ده مرتبه در ایران به چاپ

رسیده، ونمایشگر عالی ترین ومحققانه ترین بحث در باره امامت است.

۱۰۷ - شیخ عبیدالله امرتسری حنفی، معاصر، در کتاب «ارجح المطالب فی عدّ مناقب اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب[ع]» که به زبان اردو نگارش ودر لاهور به چاپ رسیده است، ص ۳۷۷.

۱۰۸ - سید عبدالرزاق بن شاکر بدری شافعی، معاصر، در کتاب خود «سیره الامام العاشر علی الهادی[ع]» ص ۱۳۱.

۱۰۹ - محمد شفیق غربال(۱۳۱۱ - ۱۳۸۱)، مورخ شهیر وعضو مجمع لغوی در قاهره، در «دائرة المعارف» که به قلم گروهی از متخصصین در ۲۰۰۰ صفحه نگارش یافته، وبه سال ۱۹۶۵ در قاهره به چاپ رسیده، زیرعنوان «الأئمة الإثني عشرية» نوشته است که حضرت مهدی(ع) در سنه ۸۷۳ میلادی (که همزمان با ۲۶۰ هجری، آغاز غیبت صغری می باشد)غایب گردیده.

۱۱۰ - خیرالدین بن محمود بن محمد زرکلی دمشقی (۱۳۱۰ - ۱۳۹۶) در «الأعلام» ج ۶ ص ۸۰ چاپ سوم، ضمن فصلی که به نام «محمد بن الحسن العسكري» باز نموده، اعتراف به ولادت آن حضرت کرده است.

۱۱۱ - یونس احمد سامرائی در کتاب «سامراء فی ادب القرن الثالث الهجری» که با همکاری دانشگاه بغداد به سال ۱۹۶۸ میلادی به چاپ رسیده، در ص ۴۶ پیرامون واژه «عسکری» می گوید: «گروهی از

شخصیت ها حامل نسبت این کلمه اند، از جمله ابوالحسن علی بن محمد الجواد العسکری و فرزندش حسن بن علی و ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری، و او مهدی منتظر است.»

و در پاورقی همین صفحه تصریح به قبه و سرداب غیبت نموده و می گوید: «همانجاست که پندارند مهدی منتظر در آن غیبت نموده.»

آنگاه می نویسد: «این سرداب را کثیری از مسلمین در دوره سال زیارت می کنند.» بدین ترتیب گرچه نامبرده تصریح به تاریخ ولادت آن حضرت نکرده است لکن همانرا که دیگران درباره حضرت مهدی(ع) نوشته اند صریحاً و بدون هیچگونه تردیدی نوشته و ولادت آن حضرت را امر مسلمی دانسته است.

۱۱۲ - مستشار عبدالحلیم جندی مصری، معاصر، در کتاب «الامام جعفر الصادق» ص ۲۳۸ چاپ مجلس اعلای شؤون اسلامی مصر، ۱۳۹۷.

آری، این شخصیت های بزرگ از اهل تسنن بر ولادت حضرت مهدی(ع) تصریح کرده اند؛ و از اینجا می توان گفت که مسأله تولد امام مهدی(ع) از مسلمات گروه عظیمی از علماء اهل تسنن می باشد؛ و کسانی که قائل به تولد او نیستند و می گویند در آینده متولد خواهد شد در اقلیت می باشند.

اعتراف صریح یا ضمنی بیش از یکصد ویست نفر از علمای سنی به

فرزند امام حسن عسکری بودن حضرت مهدی و لوازم آن

همچنانکه در بحث و بررسی پیرامون حسینی بودن حضرت مهدی

منتظر خاطرنشان گردید که از طرف محمد بن عبدالله معروف به نفس زکیه (اولین مدعی دروغین مهدویت در اسلام) یا از طرف محمد بن عبدالله منصور دوانیقی (خلیفه عباسی و دومین مدعی دروغین مهدویت) فراز «واسم ایبه اسم ابی» به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که فرمود: «المهدی اسمه اسم» اضافه شد و تنها در سنن ابی داود و سنن ابن ماجه مندرج گردید، تا مهدی موعود «محمد بن عبد الله» تلقی شود و مهدویت کسی که خود هم نام با پیامبر است و پدرش همانم با پدر پیامبر، جا اندازی و قابل قبول گردد و مهدویت «محمد بن الحسن العسکری» از اعقاب و فرزندان حسین بن علی به دست فراموشی سپرده شود.

این موضوع در عین حالی که طبق نظر علمای حدیث شناس سنی ساخته گی بودن آن ثابت و مسلم و شرحش به نظر رسید، تا هم اکنون بین بعض نویسندگان سنی و بخصوص سنی های وهابی مطرح است که می گویند: «مهدی، محمد بن عبدالله است»!

اکنون با توجه به تعداد یکصد و دوازده نفر از علما و مورخین نامبرده سنی که هریک اعتراف کتبی به ولادت حضرت مهدی در سنه ۲۵۵ هجری نموده و همه آنها آن حضرت را بدون شک و تردید بلکه بطور مسلم و قاطعانه فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) (امام یازدهم شیعه) معرفی و اعلام کرده اند.

و اضافه بر این عده تعداد چهارده نفر دیگر از اعلام تاریخی سنی در کتاب ارزشمند و پرمایه «دفاع عن الکافی» تألیف آقای سید ثامر

هاشم حبیب عمیدی، معرفی شده اند که مجموعاً ۱۲۶ نفر اعتراف به ولادت آن حضرت نموده اند، دیگر جای هیچ گونه حرف و نقلی برای مهدی فرزند امام حسن عسکری بودن، وساختگی بودن فراز «واسم ایبه اسم ابی» بر جای نمانده که متأسفانه بعد از این همه بحث و گفتگو و نقلیات حدیثی و اعترافی پیرامون فرزند امام عسکری بودن مهدی منتظر، یک سنی متجدد مآب و غرب زده با انکار صاحب فرزند بودن امام حسن عسکری، مشت خیانت خود را باز کند و آبروی خود را به باد دهد.

آری دکتر عبد الله غفاری در نوشته های گزارشی خود به عنوان «پروتوکولات آیات قم» - ص ۱۱ چاپ ۱۴۱۱ هجری، ۱۹۹۱ م، - وانمود کرده که تاریخ می گوید امام حسن عسکری درگذشت و فرزندى بر جای نگذارد و امام مهدی منتظر متولد نشده!

تعداد صد و پنجاه و دو اثر تألیفی (کتاب، رساله، مقاله) علما

و دانشمندان اهل تسنن درباره حضرت مهدی

۱ - «إبراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، فی أحادیث الواردة فی المهدی» یا «المرشد المبدی لفساد طعن ابن خلدون فی أحادیث المهدی».

أحمد بن محمد بن صدیق شافعی مغربی (درگذشته ۱۳۴۸). چاپ دمشق وعیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنة» ۲/۲۲۳.

۲ - «إبراز الوهم من کلام ابن حزم». أحمد بن صدیق بخاری حضرمی (۱۳۸۰).

چاپ ۱۳۴۷ مطبعه ترقی دمشق، در ردّ بر ابن حزم اندلسی (متوفای ۴۵۶) که در کتاب «الفصل بین الاهواء والنحل» از موضوع مهدویت تخطئه و انتقاد نموده و احادیث مهدی منتظر را تضعیف و بی اعتبار وانمود کرده است.

۳ - «اتحاف الجماعة بما جاء في الفتن والملاحم واشراط الساعة»
شیخ محمود بن عبد الله تویجری. ج اول چاپ اول ۱۳۹۴ چاپخانه
الریاض عربستان سعودی.

۴ - «اتحاف الجماعة...» ج ۲ چاپ ۱۳۹۶ ریاض عربستان
سعودی. [دلیل مؤلفات الحديث الشريف ۴۸۳/۱]

۵ - «أحاديث أشراط الساعة الصغرى». صالح محمد دخيل الله
(معاصر).

چاپ ۱۴۱۱ دانشگاه اسلامی مدینه در ۶۳۷ صفحه وزیری که بعنوان
تز دکترای مؤلف زیر نظر استاد ربیع بن هادی بن عمیر مدخلی
تنظیم نموده. [دلیل مؤلفات الحديث الشريف ۴۸۳/۱]

۶ - «أحاديث القاضي بخروج المهدي». محمد بن اسماعيل
اميريماني. [الاذاعة ابن صديق قنوجي بخاري ص ۱۱۴]

۷ - «أحاديث المهدي من مسند أحمد بن حنبل (۲۴۱)».

استخراج وتنظيم سيد محمد جواد حسيني جلالی (معاصر). شامل

مقدمه طولانی و ۱۳۶ حدیث از «مسند أحمد حنبل» به ترتیب

موضوعی. و چاپ پنجم آن بسال ۱۴۰۹ هـ وسیله مؤسسه نشر اسلامی
قم (جامعه مدرسین) در ۷۸ صفحه وزیری به ضمیمه کتاب «البيان»

گنجی شافعی در ۱۷۰ صفحه انجام شده.

۸ - «الأحاديث الواردة بشأن الدجال في مسند أحمد والصحاح والسنن الأربع جمعاً وتخریجاً ودراسة لما لم يبين في الصحيح». أحمد بن عيسى بن هادي عسر. این کتاب رساله فوق لیسانس مؤلف باشد که بسال ۱۴۰۱ زیر نظر استادش سید محمد حکیم در دانشکده الدراسات العليا دانشگاه مدینه منوره در ۳۱۷ ورقه تنظیم گردیده. [دلیل مؤلفات الحديث الشريف ۴۸۴/۱] توضیحاً کتاب بعنوان دجال تألیف شده ولی چون موضوع آن مربوط به عصر ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و کشته شدنش بدست عمال آن حضرت است در اینجا بذکر آن پرداختیم.

۹ - «الأحاديث الواردة في المهدي، في الميزان الجرح والتعديل». عبدالعظیم بن عبدالعظیم هندی (معاصر). بنوشته شیخ عبدالمحسن عباد، این کتاب بعنوان تز دکتر در سال ۱۳۹۸ زیر نظر استادش، دکتر محمد ابوشهبه، درباره حضرت مهدی تألیف، و نسخه خطی آن در بیش از ۶۰۰ صفحه در کتابخانه دانشکده شریعت در دانشگاه ملک عبدالعزيز مکه موجود میباشد. نیز گوید: این کتاب بهترین و گسترده ترین کتاب مرجع پیرامون احادیث حضرت مهدی (علیه السلام) است، که مؤلف بیش از چهار سال در تنظیم آن عمر سپری کرده و احادیث مربوطه را بررسی و صحت و اعتبار و تواتر آنها را اثبات نموده. [مجله جامعه الاسلامیه سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۲۳ و مقاله او عیناً مندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» ج ۲ ص ۴۶۵]

میباشد.]

۱۰ - «أحاديث وكلمات حول الامام المنتظر». سيد عبد الله (معاصر). چاپ ۱۴۰۹ هـ انتشارات الهداية الاسلاميه دبی در ۱۶۸ صفحه رقعی. [کتابنامه حضرت مهدی، شماره ۹۳]

۱۱ - «الاحتجاج بالأثر على من أنكر المهدي المنتظر». شيخ حمود بن عبد الله حمود تویجری (معاصر).

چاپ اول ۱۴۰۳ در عربستان سعودی و چاپ دوم در ۴۲۴ صفحه وزیری وسیله کتابخانه دارالعلیان الحديثه، برید ریاض. این کتاب در ردّ بر «لا مهدی منتظر بعد الرسول سید البشر» تألیف رئیس دادگاه قطر، شیخ عبد الله بن زید بن محمود که در انکار مهدویت خلاصه، و چاپ شده می باشد.

۱۲ - «أحوال صاحب الزمان» (فارسی). محمد بن مؤید جوینی مشهور به سعدالدین حموی (۶۵۰) - پدر مؤلف «فرائد السمطين فی...» - وی خراسانی ونخست مقیم قاسیون دمشق بود و از آن پس به خراسان بازگشت و در خراسان بدرود حیات گفت. این کتاب بیانگر ۶۰ حدیث پیرامون سیره، غیبت و ظهور حضرت بقیه الله (عج) میباشد، و در «مرآة الاسرار» جامی بعنوان «رسالة فی المهدي المنتظر» ذکر شده.

[الانسان الكامل عزیزالدین نسفی، شاگرد مؤلف، چاپ تهران ۳۲۰ - ۳۲۱؛ کتابنامه حضرت مهدی شماره ۶۶]

۱۳ - «أحوال مهدی آخر الزمان» (فارسی).

علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی (۹۷۵). شامل ۶۰ حدیث پیرامون ظهور وعلائم ظهور همراه با ترجمه فارسی. نسخه خطی آن در چهار فصل تنظیم و در نعت ونسب و کرامات ونشانه های ظهور واوضاع جهان در عصر ظهور خلاصه شده. دو نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم ضمن مجموعه های شماره ۵۲۴ و ۹۲۱۵ موجود است ونسخه ای هم در کتابخانه گنج بخش پاکستان ضمن مجموعه ۸۱۲.

۱۴ - «أخبار الدولة في ظهور المهدي». أحمد بن إبراهيم بن جزار قيرواني (۴۰۰). وی طبیب آفریقائی بود که دهها اثر تألیفی بجای گذارده وبسال ۴۰۰ در اندلس کشته شد. [هدیه العارفين ۷۰/۱]

۱۵ - «أخبار المهدي» یا «أخبار المهدي المنتظر». عباد بن یعقوب رواجنی أسدی.

از شیوخ بخاری و دیگر محدثین همردیف او (أمثال ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزار ابن خزيمة) بوده وارباب رجال وحديث شناسان همه وثاقت و صداقت او را مورد تأکید قرار داده اند، اما بخاطر شدت محبتش به خاندان رسالت همواره هدف هجوم دشمنان اهل بیت قرار می گرفت.

ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم نیشابوری وأبوحاتم، نقل از ابن خزيمة نموده که گفت از رواجنی شنیدم که می گفت: هر کس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد (صلی الله علیه وآله) بیزاری نجوید با آنها محشور خواهد شد. [میزان الاعتدال ۳۷۹/۲؛ سیر أعلام

النبلاء ۵۳۷/۱۱] سمعانی پس از تصریح باینکه رواجنی از مشایخ بخاری بوده از او انتقاد می کند که چرا از رسول اکرم روایت نموده که فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمْ مَعَاوِيَةَ عَلَى مَنبَرٍ فَاقْتُلُوهُ» یعنی وقتی معاویه را بر فراز منبر من دیدید او را بکشید. و چرا از ابوبکر روایت نموده که به خالد بن ولید دستور داده بود امیرمؤمنان را بکشد سپس پشیمان شد و گفت: «لَا تَفْعَلْ مَا أَمَرْتُكَ» یعنی آنچه را به تو دستور دادم انجام نده. (انساب سمعانی ۱۷۰/۶) بدین ترتیب با سنی بودن رواجنی - همچنانکه بسیاری از بزرگان رجالیون، امثال شیخ طوسی (فهرست ص ۱۴۹) سروی (معالم العلماء ص ۸۸) ابن داود (رجال ص ۲۹۲) بدان تصریح کرده اند - وی نخستین عالم اهل تسنن بوده که درباره حضرت مهدی کتاب نوشته است.

جالب توجه آنکه رواجنی در سنه ۲۵۰ هجری در گذشته و قبل از ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) - در سنه ۲۵۵ هـ - کتاب «أخبار المهدی» را تنظیم و تألیف نموده.

جالب تر آنکه بنوشته ذهبی (میزان الاعتدال ۳۷۹/۲) رواجنی شمشیری بالای سرش آویخته بود و چون از او سؤال شد: این شمشیر برای چیست؟ در پاسخ گفت: آنرا آماده کرده ام که با آن همراه حضرت مهدی (با دشمنان) مقاتله و کشتار نمایم. توضیحاً شیخ طوسی از کتاب او «أخبار المهدی» تعبیر نموده ولی زر کلی (الأعلام ۲۵۸/۳) «أخبار المهدی المنتظر» نوشته است.

۱۶ - «أخبار المهدی». بدرالدین، حسن بن محمد صالح نابلسی

- حنبلی (۷۲۲). ابن حجر در «الدرر والکامنه» (۱۲۱/۲) نویسد نسخه این کتاب را بخط مؤلف مشاهده نموده و مؤلف در تألیف آن تلاش فراوان ارائه داده. [هدیه العارفین ۷۷۳/۱؛ أعلام زرکلی ۱۷/۵؛ مجله تراثنا شماره ۱ سال اول مقاله علامه سید عبد العزیز طباطبائی]
- ۱۷ - «أخبار المهدیه». أبوبکر صنهاجی پاریسی (۱۹۲۸). چاپ استان در ۵۲۸ صفحه. [در جستجوی قائم ص ۲۶]
- ۱۸ - «الاذاعة لما كان وما يكون بين يدي الساعة». سید محمد صدیق حسن قنوجی بخاری (۱۳۰۷). چاپ مؤسسه سعودیه مصر ۱۳۷۹، وعیناً مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ص ۶۷ - ۱۰۸.
- ۱۹ - «الأربعون حديثاً في المهدی». حافظ ابونعیم اصفهانی (۴۳۰). مندرج در «عرف الوردی فی أخبار المهدی» سیوطی ودر «کشف الغمّة» اربلی ج ۳ و«بحار الأنوار» علامه مجلسی ۷۸/۵۱ - ۸۵.
- ۲۰ - «الأربعون حديثاً في المهدی». حافظ ابوالعلاء همدانی، محمد بن عطار (۵۶۹). [ذخایر العقبی طبرانی ص ۱۳۶]
- ۲۱ - «الأربعون حديثاً في المهدی». سراج الدین محدث بغدادی از اعلام قرن ششم هـ. [اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی شماره ۴۶ ص ۳۲ بنقل از «جامع الاسرار عاملی از اعلام قرن ۸»]
- ۲۲ - «إرتقاء الغرف». شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲).
- [المقاصد الحسنه مؤلف ص ۵۰۹، ذیل «المهدی» بشماره حدیث ۷ و ۱۲؛ کشف الخفاء عجلونی ۲۸۸/۲؛ مقاله شیخ عبدالمحسن عباد در

ردّ قاضی قطر، مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۴۶۳/۲ به نقل از دو کتاب فوق]

۲۳ - «ارشاد ذوی الافهام لنزول عیسی». مرعی بن یوسف کرمی مقدسی (۱۰۳۳). نسخه خطی آن در پتنه هند موجود میباشد. [کتابنامه حضرت مهدی آقای مهدی پور ص ۷۷ - ۷۸]

۲۴ - «الاشاعة لأشراط الساعة». تألیف محمد بن عبدالرسول حسینی برزنجی (۱۱۰۳).

چاپ ۱۳۷۰ قاهره، مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة». ۲۵ - «اشرط الساعة». أبو محمد، عبدالغنی بن عبدالواحد مقدّسی جماعیلی حنفی (۶۰۰). متولد جماعیل از توابع نابلس. [النجوم الزاهرة ۱۸۵/۶]

۲۶ - «اشرط الساعة». شیخ أحمد بن فقیه شافعی. [ایضاح المکنون ۸۶/۱]

۲۷ - «اشرط الساعة». شیخ یوسف بن عبدالله بن یوسف وابل. چاپ سوم ۱۴۱۴ هـ از انتشارات ابن جوزی دمام عربستان در ۴۸۴ صفحه وزیری.

۲۸ - «اشرط الساعة الصغری والكبری». شیخ امین حاج محمد احمد معاصر واستاد دانشگاه ام القری در مکه معظمه. چاپ اول ۱۴۱۲ دار المطبوعات الحدیثه جده عربستان در ۱۴۸ صفحه وزیری.

۲۹ - «اشرط الساعة وأسرارها». شیخ محمد سلامة جبر از علمای اهل سنت ومقیم کویت است.

چاپ اول بسال ۱۴۰۱ از طرف شرکت الشعاع کویت و برای دومین بار بسال ۱۴۱۳ دارالسلام، بیروت، در ۱۴۳ صفحه وزیری. این کتاب پیرامون علائم ظهور، خروج دجال، نزول حضرت عیسی، خروج یاجوج و مأجوج، طلوع شمس از مغرب و دیگر نشانه های ظهور حضرت مهدی خلاصه شده.

۳۰ - «اشرط الساعة وخروج المهدی».

علی بن محمد میلی جمالی تونسلی مالکی (۱۲۴۸). نسخه خطی آن در دارالکتب المصریه موجود است ومؤلف هم مقیم مصر بوده. [هدیه العارفین ص ۷۷۳؛ أعلام زرکلی ۱۷/۵]

۳۱ - «الاعلان بما اخبر به النبی من احوال هذا الزمان».

محمد ترمتری بن محمد بن صدیق غماریچاپ ۱۳۵۰ مطبعه مهدیه قالوان ترکیه ۳۳ صفحه [دلیل ۴۸۵/۱ کتابنامه حضرت مهدی (علیه السلام) ص ۸۹ شماره ۱۶۸]

۳۲ - «إقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخر الزمان».

أبوالفضل، عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی غماری (۱۳۸۰).

چاپ عالم الکتب بیروت.

۳۳ - «إقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخر الزمان» (اردو).

ترجمه کتاب غماری فوق، که مؤلف خود در صفحه اول مقدمه کتاب «المهدی المنتظر» بدان تصریح نموده، اما بدون ذکر نام مترجم.

۳۴ - «إقامة البرهان في الرد على من أنكر خروج المهدي والدجال ونزول المسيح في آخر الزمان». حمود بن عبد الله تويجری (معاصر). چ ۱۴۰۵ مكتبة المعارف ریاض.

۳۵ - «امارات الساعة». شاه رفیع الدین، فرزند شاه ولی الله دهلوی. این مقاله ضمن مجله «المنصور» شماره ۱۹ ص ۴۱ بعد بسال ۱۴۱۲ در لاهور انتشار یافته. [کتابنامه حضرت مهدی ص ۹۵]

۳۶ - «امام منتظر» - ترجمه عقیده اهل السنة والاثار شیخ عبدالمحسن عباد - بقلم مولانا شیخ مسرور حسن [کتابنامه حضرت مهدی (علیه السلام) ص ۱۰۵ شماره ۲۱۳]

۳۷ - «البرهان في علامات مهدي آخر الزمان». جلال الدين عبدالرحمن سيوطي (۹۱۱). [هدية العارفين ج ۱ ص ۵۳۶ سطر ۲۰]

۳۸ - «البرهان في علامات مهدي آخر الزمان». علاء الدين علي بن حسام الدين مشهور به متقي هندی جنپوری (۹۷۵) چاپ ۱۳۹۸ هجری با تحقیق آقای علی اکبر غفاری، نشر شرکت رضوان تهران و چاپ دوم بسال ۱۴۰۸ هجری، ذات السلاسل کویت در دو جلد با تحقیق جاسم بن مهلهل یاسین [دلیل ۴۸۶/۱]

۳۹ - «بقية الله خير بعد الفناء في السير». عبدالغني بن اسماعيل حنفي نقشبندی نابلسی دمشق (۱۱۴۳). [ایضاح المکنون ۱/۱۹۱]

۴۰ - «البيانات» (اردو). ابوالأعلى مودودي (۱۴۰۰). این کتاب در پنج جلد پاسخگوی پرسشهای اقطار مناطق اسلامی است و بخشی از آن

ویژه پرسش از شئون حضرت مهدی می باشد و مجموعاً چاپ و در پاکستان انتشار یافته، و پیرامون صحت احادیث مهدی تأکید نموده. ۴۱ - «البیانات» (ترجمه ترکی) ابوالأعلی مودودی (۱۴۰۰). بخش حضرت مهدی آن در ایام در گذشت مودودی بقلم آقای علی اکبر مهدی پور بزبان ترکی استانبولی ترجمه، چاپ و منتشر گردیده.

۴۲ - «البیانات» (ترجمه عربی) ابوالأعلی مودودی (۱۴۰۰). نیز بخش ویژه حضرت مهدی این کتاب وسیله محمد حدّاد عاصم به عربی ترجمه و بنام «علامات المهدی» در مجله «المنصور» شماره ۱۹ ص ۳۶ - ۴۸ در لاهور چاپ و منتشر شده. [کتابنامه حضرت مهدی، آقای مهدی پور ص ۱۸۹ - ۱۹۰ و ص ۵۲۷] ۴۳ - «البيان في أخبار صاحب الزمان». ابو عبد الله محمد بن يوسف گنجی شافعی (۶۵۸).

چاپ نجف ضمیمه «کفایة الطالب» مؤلف و چاپ تبریز ضمیمه «غیبت شیخ طوسی» و نیز در بیروت، اصفهان و قم چاپ شده. ۴۴ - «بین یدی الساعة». دکتر عبدالباقي احمد محمد سلامة. چاپ مکتبه المعارف ریاض در ۱۸۲ صفحه وزیری. ۴۵ - «تحديق النظر في أخبار الامام المنتظر». محمد بن عبدالعزيز بن مانع نجدی حجازی (۱۳۵۸).

نسخه آن در دارالکتب مصر و نیز در دارالکتب نجف موجود می باشد. [فهرست کتابهای جمع آوری شده در دارالکتب از سال

۱۹۳۶ تا ۱۹۵۵ م ۱۲۷/۱ ومقاله شیخ عبدالمحسن بن عباد در مجله دانشگاه مدینه، عدد اول سال ۱۲ شماره ۴۵ ص ۳۱۰ ومندرج در «الامام المهدي عند أهل السنة» [۴۵۲/۲]

۴۶ - «تحذیر الاخوان من ادعاء المهديّة آخر الزمان» (عربی). شیخ عثمان بن فودی (۱۸۱۷م).

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه دانشگاه «بایرو» در نیجریه موجود است. [أخبار التراث العربی شماره ۲۳ ص ۵؛ کتابنامه آقای مهدی پور ص ۲۱۷]

۴۷ - «تحقیق ظهور المهدي». احمد بن عبداللطیف بریر دمیاطی (۱۲۲۸)، نسخه مخطوط آن در هفت ورقه بخط محمد بن علی بن محمد محموده صفدی مورخه ۱۲۳۲ در آخر مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است. [فهرست مجموعه های کتابخانه ظاهریه ۵۲/۲]

۴۸ - «تعليق علی محاضرة «عقيدة اهل السنة والاثر... شیخ عبدالمحسن عباد»».

شیخ عبدالعزيز بن عبدالله بن باز که مفتی اعظم دربار عربستان سعودی بود. این مقاله بدنبال «عقیده اهل السنة» مؤکداً اعتراف به صحت وتواتر احادیث مهدی منتظر نموده ومتن آن در آخر «الامام المهدي عند أهل السنة» مندرج است.

۴۹ - «تلخیص البیان فی أخبار مهدی آخر الزمان». علی بن حسام الدین متقی هندی (۹۷۵).

چاپ ۱۴۰۱ هـ دار التبلیغ اسلامی قم، ۲۲ صفحه وزیری با تحقیق دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور.

جهت آگاهی بر وجود بیش از بیست نسخه خطی آن در کتابخانه های جهان رجوع شود به مقاله «اهل البيت في المكتبة العربية» علامه سید عبدالعزیز طباطبائی در مجله «تراثنا» شماره سوم سال اول ۱۴۰۶. [ایضاح المکنون ۳۱۸/۱؛ هدیة العارفين ۷۴۶/۱]

۵۰ - «تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان». شمس الدین احمد بن سلیمان ابن کمال پاشا حنفی، شیخ الاسلام ومفتی قسطنطنیه (۹۴۰). (هدیة العارفين ۱۴۱/۱)

۵۱ - «تنبيه الوسان إلى أخبار مهدی آخر الزمان». أحمد نوبی (۱۰۳۷). [معجم المؤلفين كحاله ۱۹۷/۲؛ به نقل از نسخه آلمانی تاریخ الأدب العربی بروکلمن ۳۸۵/۲ و ۵۲۰]

۵۲ - «تنوير الرجال في ظهور المهدي والدجال». رشيد الراشد تاذفی حلبی (معاصر). چاپ شده. [المهدي المنتظر محمد حسن آل یس ۳۳]

۵۳ - «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدي المنتظر والدجال والمسیح». محمد بن علی شوکانی صنعانی (۱۲۵۰). [بدر الطالع مؤلف - ذیل شرح حال خودش ۲۲۲/۲ - ؛ الاذاعه... ص ۱۱۳؛ غایة المأمول ۳۲۷/۵؛ فهرس الفهارس ص ۴۰۹؛ عقیده اهل السنّة والاثر شیخ عبدالمحسن عباد] این کتاب بیانگر چگونگی تواتر وقطعیّ الصدور بودن احادیث پیرامون حضرت مهدی (علیه السلام) است

واستاد ناصر الدین در مقاله «حول المهدی» بنقل از کتاب فوق مینویسد احادیثی که در پیرامون حضرت مهدی بدست ما رسیده و می توان بر آن اعتماد واستناد نمود پنجاه حدیث می باشد که برخی صحیح، برخی حسن، و برخی دیگر ضعیف ترمیم شده میباشد و آنها بدون شک و تردید به حد تواتر رسیده است، و عنوان تواتر بر طبق همه ضوابطی که در کتابهای پایه نوشته شده بر کمتر از آن صدق میکند...» [مجله التمدن الاسلام، شماره ۲۷ - ۲۸ سال ۲۲ ص ۶۴۶] و گویا این کتاب چاپ شده باشد ولی اطلاعی از مشخصات آن بدست نیامد.

۵۴ - «ثلاثة ينتظرهم العالم: عيسى، الدجال والمهدي المنتظر». شيخ عبداللطيف عاشور (معاصر). چاپ ۱۴۰۶، انتشارات ساعی ریاض وانتشارات قران قاهره، ۱۴۴ صفحه وزیری.

۵۵ - «جزء في ذكر المهدى». ابوالفداء، اسماعيل بن كثير دمشقي (۷۷۴). [نهایه مؤلف ص ۱۳۰]

۵۶ - «جزء في المهدى». أبو حسين، أحمد بن جعفر بن محمد عبد الله بغدادی معروف به ابن منادی (۳۳۶).

این کتاب بدست ابن حجر عسقلانی رسیده و او بخشی از آنرا در کتاب «فتح الباری (شرح صحیح بخاری)» آورده، و از جمله در ج ۱۳ ص ۲۱۳، و ابن منادی را کتاب دیگری باشد بنام «الملاحم».

۵۷ - «جزء في ما ورد في المهدى». ابن حجر. [فهرس الفهارس والاثبات ص ۳۳۹]

۵۸ - «جمع الأحادیث الواردة في المهدى». حافظ أبوبكر بن خيثمه، أحمد بن زهير بن حرب نسائي (۲۷۹).

وی شاگرد أحمد حنبل، ومؤلف كتاب «تاريخ الكبير» بوده است که خطیب بغدادی و دارقطنی درباره آن گفته اند: هرگز کتابی پرفایده تر از کتاب تاریخ ابن خيثمه سراغ نداریم. [تاریخ بغداد ۴/۱۶۳؛ الأعلام زرکلی ۱/۱۲۸]

۵۹ - «جمع طرق أحاديث المهدى». ابن عراقی ولی الدین ابوزرعه، احمد بن عبدالرحيم بن حسين کردی رازیانی مصری شافعی (۸۲۶). [ذیل تذکره الحفاظ ذهبی - از ابن فهد مکی - ص ۲۸۸؛ الضوء اللامع سخاوی ۳۳۶ - ۳۳۴، مقاله «الرد علی من کذب بالأحادیث المهدی» شیخ عبدالمحسن عباد] بنوشته «النجوم الزاهرة» ۵/۱۱۸، او در سنه ۸۲۴ به سمت قاضی القضاء مصر منصوب گردید و در سنه ۸۲۶ در گذشت.

۶۰ - «الجواب المقنع المحرر، فی أخبار عیسی والمهدی المنتظر». محمد حبیب الله شنقیتی (۱۳۶۳ هـ).

این کتاب بنوشته خود مؤلف - در کتاب دیگرش «زاد المسلم» ۴۱/۲ - در ردّ بر ابن خلدون تألیف، و در چهار بخش زیر خلاصه شده است:

- ۱ - مقدمه بیانگر تواتر احادیث حضرت مهدی.
- ۲ - فصل اول در بیان احادیث ویژگیها و اوصاف آن حضرت.
- ۳ - فصل دوم پیرامون نزول حضرت عیسی و اجتماع او با حضرت

مهدی.

۴ - خاتمه در بیان خروج دجال و پیدایش مهدی های ادعائی
ودروغین.

مؤلف در مراکش، مدینه، مکه و قاهره بسر میبرده و در دانشگاه الازهر
مصر تدریس نموده و در قاهره در گذشته. [کتابنامه حضرت مهدی
ص ۲۷۶ - ۲۷۷]

۶۱ - «چاغین بکلد (یغی انسان مهدی)» (ترکی استانبولی). عادل
گوک بورون (معاصر). چاپ دوم انتشارات تک یول، استانبول، ۷۷
صفحه رقی. این کتاب که با مقدمه ای از آقای مصطفی گنج انتشار
یافته از غیبت، ظهور، علائم ظهور، نسب و محل ظهور حضرت،
و خروج دجال سخن رفته است. [کتابنامه حضرت مهدی ص ۲۸۱]
۶۲ - «حاشیه علی «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» -
ابن حجر مکی (۹۷۳) -». بقلم رضی الدین بن عبد الرحمان بن أحمد
بن حجر (نوه مؤلف) (۱۰۴۱). [ایضاح المکنون ۴۲/۲؛ هدیة العارفین
۳۶۹/۱]

۶۳ - «حقیقه الخبر عن المهدی المنتظر من الكتاب والسنة». صلاح
الدین عبد الحمید هادی (معاصر). چاپ اول ۱۹۸۰ م، کتابخانه تاج،
طنطا، مصر، ۹۶ صفحه.

۶۴ - «ختم النبوة وظهور المهدی». ابوالاعلی مودودی (۱۴۰۰). چاپ
۱۳۹۹ هـ لاهور پاکستان. [کتابنامه آقای علی اکبر مهدی پور ص ۳۱۶]
۶۵ - «الدر المنضود فی ذکر المهدی الموعود». سید صدیق حسن

بن اولاد حسن بن اولاد علی قنوجی. نسخه خطی آن بخط مؤلف در کتابخانه ندوة العلماء در لکهنو هند بشماره ۳۱۱ طبق نقل فهرست آن بشماره ۹۷ موجود است [اهل البيت في المكتبة العربية، علامه طباطبائی شماره ۳۰۵]

۶۶ - «ذكر المهدي الذي يكون في آخر الزمان». ابوالفداء، اسماعيل بن كثير دمشقي (۷۷۴).

این موضوع در کتاب «النهاية، أو الفتن والملاحم» مؤلف ص ۲۴ تا ۳۲ درج و چاپ شده، نیز عیناً در ج ۲ «الامام المهدي عند أهل السنة» هم مندرج گردیده.

۶۷ - «ذكر المهدي ونعوته وحقيقته مخرجه وثبوته». حافظ أبونعيم أحمد بن عبدالله اصفهانی (۴۳۰).

این کتاب مشتمل بر ۱۵۶ حدیث در شئون مختلف امام مهدی منتظر (علیه السلام) است که سید بن طاووس فهرست ابواب آنرا و تعداد روایات هر بابی را در «طرائف» (ص ۱۸۳) ایراد نموده و در دیگر کتابهای خود هم از آن نقل حدیث فرموده. نیز علامه تهرانی در «الذريعة» (ج ۱۰ ص ۳۸) آن را بدینگونه ذکر کرده؛ و در «هدية العارفين» (۷۵/۵) بعنوان «کتاب المهدي» مطرح شده.

۶۸ - «الردّ علی من حکم وقضى أنّ المهدي الموعود جاء ومضى». علی بن حسام الدین معروف به متقی هندی جونپوری (۹۷۵) این کتاب در رد محمد بن یوسف جونپوری (متولد ۸۴۷، متوفای ۹۱۰) مدعی دروغین مهدویت است در سنه ۹۰۱ و ۹۰۳ نسخه

خطی آن مؤرخه ۹۹۰ ضمن مجموعه شماره ۱۵۱۴ مکتبه رضا رامپور در هند است و نسخه دیگرش بتاريخ قرن یازدهم شماره ۱۹۷۵ بشرح مندرج در فهرستش ۴۶۰/۲. اهل البيت في المكتبة العربية علامه طباطبائی، بشماره ۳۲۹]

۶۹ - «الردّ علی من حکم وقضى أن المهدي الموعود جاء ومضى». نورالدین علی بن محمد هروی حنفی، معروف به ملا علی قاری (۱۰۱۴).

نسخه خطی این کتاب در کتابخانه ناصریه لکهنو است و نسخه دیگرش در مکتبه الامام امیرالمؤمنین نجف. [مجله تراثنا شماره ۱۰ مقاله علامه سید عبدالعزیز طباطبائی]

۷۰ - «الردّ علی من کذب بالأحادیث المهدی». مقاله مفصلی است از شیخ عبدالمحسن بن عباد، عضو هیئت تدریسی دانشگاه مدینه که در رد رساله «لا مهدی ينتظر بعد الرسول سيد البشر» از شیخ ابن محمود رئیس محاکم شرعی قطر نگاشته، و در مجله دانشگاه مدینه بشماره های ۴۵ - ۴۶ بچاپ رسیده و عیناً در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۴۳۷/۲ مندرج شده و به ضمیمه مقاله دیگرش - عقیده اهل السنّة والاثر فی المهدی المنتظر - بسال ۱۴۰۲ در چاپخانه الرشید مدینه در ۲۲۴ صفحه چاپ و منتشر گردیده. جهت شرح حالش مراجعه شود به «کتابنامه حضرت مهدی» آقای مهدی پور ص ۳۹۰.

۷۱ - «رسالة فی الأحادیث القاضیه بخروج المهدی وانه...». محمد بن اسماعیل امیریمانی صنعانی (۷۵۱). [الاذاعه ص ۱۱۴]

۷۲ - «رسالة في تحقيق ظهور المهدي». أحمد بن عبد اللطيف برير دمیاطی شافعی (۱۲۲۶/۱۲۲۸/۱۲۲۹).

نسخه خطی آن در ضمن مجموعه شماره ۲۳۴ کتابخانه ظاهریه شام موجود است و دو نسخه دیگر نیز در کتابخانه سلیمانیه استانبول بخش حاج محمود افندی به شماره های ۱۹۳۰ و ۲۳۳۰ موجود میباشد. [کتابنامه آقای مهدی پور شماره ۹۴۸ و ۱۰۵۵]

۷۳ - «رسالة في حق المهدي». نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی حنفی مشهور به ملا علی قاری (۱۰۱۴). نسخه مخطوط آن در کتابخانه بلدیه اسکندریه مصر موجود است. و سه کتاب دیگر هم درباره حضرت مهدی از اوست بنامهای «الرد علی من حکم وقضی أن المهدي جاء ومضى»، «المشرب الوردی فی مذهب المهدي» و «مهدی آل الرسول»، مراجعه شود.

۷۴ - «رسالة في رد من انكر أن عيسى عليه السلام اذا نزل بصلی خلف المهدي صلاة الصبح». جلال الدین سیوطی (۹۱۱). این رساله بعنوان تنبیه در پایان رساله «الاعلام بحکم عیسی علیه السلام» که مندرج در الحاوی للفتاوی (ج ۲ ص ۲۹۷ چاپ ۱۳۷۸ مصر و ص ۱۶۶ چاپ مصر بعد از آن) درج شده و نسخه خطی آن بشماره ۵۹ در کتابخانه مسجد الحرام موجود است.

۷۵ - «رسالة في المهدي المنتظر». از سعدالدین محمد بن مؤید حمویه، معروف به سعدالدین حموی (۶۵۰). (مرآة الأسرار جامی) ۷۶ - «رسالة مهدیه» (فارسی). شاه نعمت الله ولی (۸۳۴) قطب

وبنیانگذار فرقه های صوفیه نعمت الهی ایران، هند و پاکستان.
این رساله ضمن جلد چهارم رساله های او ص ۸۹ - ۹۵ وسیله خانقاه
نعمت الهی تهران بسال ۱۳۴۳ چاپ ومنتشر گردیده.
واز مهدی منتظر بعنوان «مهدی، محمد بن عبدالله» نامبرده که به
همین دلیل شکی در سنی بودنش نیست.

۷۷ - «روض وردی فی أخبار المهدی». جعفر بن حسن بن
عبدالکریم برزنجی مدنی، مفتی فرقه شافعیه مدینه منوره در گذشته
۱۱۷۹ یا ۱۱۸۴ یا ۱۱۸۷.

نسخه خطی آن در کتابخانه ناصریه لکهنو موجود است. [سلک الدرر
۹/۲، هدیة العارفين ۲۵۶/۱، معجم المؤلفين ۱۳۷/۳، اعلام زر کلی
۱۲۳/۲، بروکلمن ۳۸۴/۲ اصل المانی، مجله تراثنا شماره ۱۰، مقاله
«أهل البيت في المكتبة العربية» علامه سید عبدالعزیز طباطبائی]
۷۸ - «سید البشر يتحدث عن المهدی المنتظر». شیخ حامد محمود
محمد لیمود(معاصر). چاپ مطبه مدنی قاهره، با مقدمه شیخ حسنی
مخلوف، مفتی سابق مصر وعضو جمعیت علمای بزرگ
الأزهر. [کتابنامه حضرت مهدی ۱۱۱۶]

۷۹ - «شرح کتاب المهدی سنن ابی داود». ابن قیم جوزیه (۷۵۱).
این کتاب ضمن «تهذیب السنن» ابی داود تشریح شده ودر ذیل
«عون المعبود» ج ۱۱ ص ۳۶۱ - ۳۸۴ چاپ شده. [کتابنامه حضرت
مهدی ۱۱۶۱]

۸۰ - «صاحب الزمان». ابوالعبس، محمد بن اسحاق بن ابراهیم

کوفی، قاضی صیمره (۲۷۵).

بنوشته «أعلام» زرکلی (۲۹/۶) وی ادیبی ظریف وعالم به نحو
وشاعری زبردست واز ندمای متوکل عباسی ومعتمدین بنی العباس
بود. و بنوشته ابن ندیم وی را کتابی است بنام «صاحب الزّمان» که
بنظر آقای خراسان نخستین تألیف ومقدم بر همه تألیفات سنی وشیعہ
درباره صاحب الزمان مهدی منتظر بوده، ولی رواجی مؤلف «أخبار
المهدی» ومتوفای ۲۵۰ مقدم بر او بوده؛ هرچند متأسفانه امروز
سرنخی از وجود آن در دست نیست. [فهرست ابن ندیم ص ۲۲۳]
۸۱ - «صحيح اشراط الساعة». شيخ مصطفى ابونصر شلبی. چاپ ۱۴۱۳
هـ انتشارات سوادى، جدّه، ۴۳۲ صفحه وزیری.

۸۲ - «الصحيح المسند من أحاديث الفتن والملاحم واشراط
الساعة». مصطفى عدوى (معاصر). چاپ ۱۴۱۲ دارالهجرة رياض، ۵۸۷
صفحه وزیری.

۸۳ - «صفه المهدى». حافظ ابونعيم اصفهان (۴۳۰). يوسف بن يحيى
مقدسى (۶۸۵) در كتاب «عقد الدرر» - كه در مصر، بيروت وايران
مكرر چاپ شده - تعداد ۲۹ حديث از اين كتاب نقل كرده است.
۸۴ - «ظهور المهدى». جلال الدين سيوطى (۹۱۱). دو نسخه از اين
كتاب به دو عنوان زیر در استانبول موجود است: ۱ - «رسالة في
ظهور المهدى» كتابخانه سليمانیه، بخش رشید افندی، ضمن مجموعه
شماره ۸۸۳۸۳.۲ - «رسالة ظهورات المهدى» همان محل، بخش
قصیده چى زاده، ضمن مجموعه شماره ۶۸۱۸۰. [کتابنامه حضرت

مهدی ۱۲۴۳]

۸۵ - «العرف الوردی فی أخبار المهدی». مشتمل بر «أربعین» حافظ ابونعیم اصفهانی درباره مهدی منتظر و چند برابر آن احادیث اضافی پیرامون شئون آنحضرت از جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱)؛ چاپ مصر؛ ضمن «الحاوی للفتاوی» وی؛ ج ۲ ص ۱۲۳ - ۱۶۶ و ج ۲ ص ۵۷ - ۷۶ چاپ دارالکتب العلمیه بیروت ۱۳۹۵ و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج ۲.

۸۶ - «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (ترجمه ترکی کتاب قبل). مترجم مشرف گوزجو (معاصر). چاپ ۱۹۸۶م انتشارات شفق مانيسا، ترکیه.

۸۷ - «العرف الوردی فی أخبار المهدی» (نیز ترجمه ترکی کتاب سیوطی). مترجم محمود چلبی. نسخه خطی آن در کتابخانه سلیمانیه استانبول، بخش قلیج علی پاشا، ضمن مجموعه ۶۸۹۹۷ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی شماره ۱۲۵۶]

۸۸ - «العرف الوردی فی دلائل المهدی». ابوالفضل، عبدالرحمن بن مصطفی یمنی حضرمی شافعی اشعری نقشبندی مقیم مصر (۱۱۹۲). نسخه خطی آن در کتابخانه سلطنتی برلن بشماره ۲۷۳۳ موجود است. [هدیه العارفین ۵۴۴/۱؛ مجله تراثنا شماره ۱۶ مقاله آقای سید عبدالعزیز طباطبائی]

۸۹ - «العطر الوردی، شرح قصیده «القطر الشهدی، فی اوصاف المهدی - شماره ۵۲ -».

شیخ محمد بلیسی شافعی (۱۳۱۲هـ). چاپ ۱۳۰۸ بولاق مصر ضمن مجموعه ناظم قصیده و دیگر چاپها و مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ج ۲.

۹۰ - «عقد الجواهر والدرر فی علامات ظهور المهدی المنتظر». تألیف ابن حجر. به نقل دکتر عبدالله جبوری در تعلیقات خود بر «غریب الحدیث» ابن قتیبہ ۱/۱۱۷ (در رابطه با نقل ابن قتیبہ حدیث علی (علیه السلام) را پیرامون بودن مهدی منتظر از فرزندان حسین) اما بدون تصریح باینکه ابن حجر عسقلانی است یا هیشمی و اینکه نسخه خطی آن در کجاست. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۱ - ۲۲]

۹۱ - «عقد الدرر فی أخبار الامام المنتظر». جمال الدین یوسف بن یحیی مقدسی شافعی دمشقی (۶۸۵).

چاپ ۱۳۹۹ مکتبه خانجی مصر با تحقیق دکتر عبدالفتاح محمد حلو، واز آن پس بسال ۱۴۰۰ در تهران افست گردیده و بسال ۱۴۰۳ هم در بیروت تجدید چاپ شده و در مرحله چهارم نیز بسال ۱۴۰۳ در دانشگاه ابن سعود در ریاض و برای پنجمین بار سنه ۱۴۰۵ وسیله مکتبه المنار زرقاء اردن و بعداً در سنه ۱۴۱۶ وسیله مسجد جمکران قم تجدید چاپ شد.

۹۲ - «عقد الدرر فی تحقیق القول بالمهدی المنتظر». أحمد بن زینی دحلان (۱۳۰۴).

نسخه مخطوط این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملک سعود در حجاز موجود است و تاریخ کتابت آن ۱۳۰۴ هـ میباشد.

۹۳ - «عقود الدرر فی شأن المهدی المنتظر». نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکی در مکه مکرمه بشماره ۳۰، بخش دهلوی ۱۹۸/۴، فهرست مخطوط کتابخانه ص ۱۴۱؛ اما از نام مؤلف اطلاعی بدست نیامد. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۷۸]

۹۴ - «عقیده المسيح الدجال». سعید ایوب (معاصر). حدود یک سوم آخر این کتاب ویژه بحث درباره حضرت مهدی و دفاع از عقیده بدان حضرت است. نخست بسال ۱۴۰۹ در قاهره چاپ شده سپس بسال ۱۴۱۱ در بیروت و بعداً در قم.

۹۵ - «عقیده اهل السنه والاثر فی المهدی المنتظر». مقاله (متن محاضره علمی) شیخ عبدالمحسن بن حمد عباد عضو هیئت تدریسی دانشگاه اسلامی مدینه است در سنه ۱۳۸۸ که ضمن مجله دانشگاه بشماره ۳ سال اول درج و انتشار یافته، و نیز مندرج در «الامام المهدی عند اهل السنه» آخر ج ۲ میباشد؛ جهت دیگر خصوصیات رجوع شود به «کتابنامه حضرت مهدی» ص ۵۱۷.

۹۶ - «علائم ظهور» (فارسی). علی بن حسام الدین متقی هندی (۹۷۵).

رساله مختصری است در علائم ظهور که احادیث مربوطه توسط متقی هندی بفارسی ترجمه شده. نسخه ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم قم ضمن مجموعه شماره ۶۳۶ با تاریخ کتابت آن در سنه ۹۷۹ موجود است.

۹۷ - «علامات الساعة الصغرى والكبرى». لیلی مبروک. دار المختار

الاسلامی قاهره در ۲۰۴ صفحه.

۹۸ - «علامات المهدی» یا «البرهان فی علامه مهدی آخر الزمان». جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (۹۱۱). نسخه خطی آن در کتابخانه حرم مکه بشماره ۳۴ بخش دهلوی موجود است. [مقدمه علامه خراسان بر ینابیع الموده ص ۱۴؛ مجله تراثنا شماره ۲ و شماره ۲۹/۱۶]

۹۹ - «علامات المهدی المنتظر». أحمد بن حجر هیثمی مکی شافعی (۹۷۴). چاپ نشریات مکتبه القرآن للطبع والنشر مصر. [مجله تراثنا شماره ۱۶ ص ۲۹]

۱۰۰ - «علامات مهدی منتظر»، ترکی، ترجمه «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر (۹۷۴).

بقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوات آروسان. چاپ اول ۱۹۸۵ م، انتشارات شفق، مانیسار ترکیه، ۹۲ صفحه رقعی.

۱۰۱ - «علامات مهدی آخر الزمان»، - ترجمه ترکی استانبولی «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندیبقلم مشرف گوزجو (معاصر)، ویراستار دکتر سوات آروسان. چاپ ۱۹۸۶ م، انتشارات گونجه، استانبول، ۹۵ صفحه جیبی. مترجم آن را «آخر زمان مهدی سی نین علامتتری» نامگذاری نموده

۱۰۲ - «عنقاء مغرب فی معرفه ختم الأولیاء وشمس المغرب». محی الدین ابن عربی (۶۳۸). چاپ مصر (أعلام زر کلی ۲۸۱/۶)، و نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم بشماره ۴۱۰۵ موجود

میباشد.

۱۰۳ - «عون المعبود - شرح سنن ابی داود - بخش کتاب المهدی -
«ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی (۱۳۲۹ هـ) چاپ مکتبه
سلفیه مدینه منوره ج ۱۱ ص ۳۶۱ - ۳۸۴، مندرج در کتاب «الامام
المهدی عند اهل السنه».

۱۰۴ - «الفتح الربانی فی الردّ علی المهدی المغربی الوزانی». از
حاج صالح بن مهنا الأزهری. چاپ مطبعه تقدم مصر ۱۳۲۷ در ۸۰
صفحه. [معجم المطبوعات ص ۱۱۸۳]

۱۰۵ - «فتح المنان - شرح «قصیده الفوز والأمان» شیخ بهائی -
«شهاب الدین أحمد بن عدوی دمشقی مشهور به منینی (۱۱۷۳).
چاپ حدود ۱۲۲۰ قاهره، نیز ضمیمه «تلخیص کشکول شیخ بهائی»
بطور مکرر از جمله بسال ۱۲۸۸ در قاهره تجدید چاپ شده.
۱۰۶ - «الفتوی فی مسأله المهدی المنتظر» (مقاله پیرامون پاسخ به
سؤال). بقلم شیخ محمد منتصر کتانی در مجله رابطه العالم الاسلامی
مکه، در پاسخ به پرسش یک مسلمان کنیائی از تاریخ ومحل ظهور
وقیام حضرت مهدی نوشته، ومندرج در مقدمه علامه خراسان بر
«البيان فی أخبار صاحب الزمان» گنجی چاپ ۱۳۹۹ بیروت ص ۷۶
- ۷۹ میباشد. نیز ترجمه فارسی آن مندرج در «مهدی انقلابی
بزرگ» آقای مکارم شیرازی ص ۱۴۶ - ۱۵۵.

وترجمه لاتینش هم از مرکز اسلامی استانبول انتشار یافته. [در
جستجوی قائم، کتاب شماره ۲۵۸]

۱۰۷ - «فتاوی علماء العرب من اهل مكة المشرفة، فی شأن المهدي الموعود فی آخر الزمان». این رساله بیانگر متون فتوائی چهار نفر از علمای سنی در اثبات مهدویت حضرت مهدی منتظر ورد منکرین او تا سر حد تکفیر و اعدام آنها می باشد که باب سیزدهم کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندی (متوفای ۹۷۵) بذکر آن اختصاص یافته و در سنه ۱۳۹۹ در قم و دیگر محل ها چاپ شده است.

۱۰۸ - «فرائد فوائد الفكر فی إمام المهدي المنتظر». شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (۱۰۳۳). [أعلام زر کلی ۲۰۳/۷؛ ایضاح المکنون ۱۸۳/۲؛ هدیة العارفین ۴۲۷/۲؛ مجله تراثنا شماره ۱۷ ص ۱۰۸ - ۱۰۹ تعداد چهار نسخه خطی آن بقلم علامه سید عبدالعزیز طباطبائی معرفی شده]

۱۰۹ - «الفواصم عن الفتن القواصم» (در شرح حال مهدی منتظر). علی بن ابراهیم حلبی (۱۰۴۴). [سیره الحلبیه مؤلف ۲۲۷/۱]

۱۱۰ - «قصيدة فی المهدي». محی الدین محمد بن علی طائی اندلسی معروف به ابن عربی (۶۳۸).

در ۸۳ بیت است که با بیت: خلیلی إني للشریعة حافظ ولكن لها سر^۴ علی عینه غطا آغاز و با بیت: وصاحب أیبات عظیم جلاله تتوج^۵ بالجوزاء وانتعل السُّهَّایان میابد، و بدنبال آن فصلی باشد درباره زادگاه آن حضرت و نسب و محل سکونتش و آنچه مربوط به امر اوست. نسخه آن در دارالکتب ظاهریه دمشق بشماره ۶۸۲۴ ورقه ۷۲

۷۵ - میباشد. [مجله تراثنا شماره ۱۸ مقاله «اهل البيت في المكتبة العربية» ص ۹۳]

۱۱۱ - «القطر الشهدى في اوصاف المهدي» (منظومه لاميّه). شهاب الدين أحمد حلواني شافعي (۱۳۰۸). این منظومه با شرحش بنام «العطر الوردی فی...» سنه ۱۳۰۸ در بولاق مصر بچاپ رسیده و بار دیگر بسال ۱۳۴۵ ضمیمه کتاب «فتح رب الأرباب» در مطبعه معاهد مصر چاپ آن تجدید شد.

وعیناً با شرحش در «الامام المهدي عند أهل السنّة» ج ۲ ص ۱۰۹ - ۱۵۳ مندرج و بسال ۱۴۰۲ چاپ شد.

نیز مراجعه شود به «ایضاح المکنون» ۲/۲۳۴، هدیة العارفين ۱/۱۹۲، معجم المطبوعات ۷۹۲ و ۱۶۴۲؛ و مجله تراثنا شماره ۱۸ ص ۹۴ مقاله علامه سید عبدالعزیز طباطبائی.

۱۱۲ - «القناعة فی ما تحصن الاحاطه به من اشراط الساعة»، حافظ ابوالخير محمد بن عبدالرحمن سخاوی (۹۰۲) چاپ ۱۴۰۶ مكتبة القرآن قاهره ومكتبة الساعی ریاض، ۹۶ صفحه وزیری [الضوء اللامع مؤلف ۱۸/۸]

۱۱۳ - «القول الفصل في المهدي المنتظر». شيخ عبد الله حجاج. چاپ دار العلوم للطباعة مصر.

۱۱۴ - «القول المختصر في علامات المهدي المنتظر». شهاب الدين أحمد بن حجر هيثمي مكي (۹۷۴). [فتاوى الحديثه مؤلف ص ۳۱؛ فهرس الفهارس ۱/۲۵۱؛ الاشاعه برزنجی ص ۹۰؛ و دیگر مصادر

مربوطه فراون].

توضیحاً علامه سید عبدالعزیز طباطبائی در مقاله «اهل البیت فی المکتبه العربیة» نشر مجله تراثنا شماره ۱۸ ص ۹۸ - ۱۰۰ تعداد سی نسخه خطی آنرا با آدرس محل هریک معرفی نموده، نیز نوشته است در اسلامبول نسخه مکتبه بایزید از طریق تصویر با ترجمه آن به لغت ترکی و حروف لاتین چاپ شده. نیز بنوشته آقای مهدی پور وسیله مکتبه القرآن در قاهره در ۸۸ صفحه وزیری بدون تاریخ چاپ شده، مقدمه این کتاب بیانگر صریح تواتر احادیث حضرت مهدی و فصل اولش شامل ۶۳ حدیث از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و فصل دومش ۳۹ حدیث از صحابه و فصل سومش ۵۶ حدیث از تابعین میباشد. در پایان مباحث گوناگونی را در این زمینه مطرح و بررسی نموده که با تحقیقات مصطفی عاشور بر اساس دو نسخه دار الکتب قاهره چاپ و انتشار یافته است. بار دیگر توسط استاد محمد زینهم محمد تحقیق و در ۱۰۹ صفحه در تاریخ ۱۴۰۷ از طرف دارالصحوة قاهره چاپ و منتشر گردیده. جهت آگاهی بر مشخصات پنج نسخه خطی اضافه بر نسخ معرفی شده از جانب آقای طباطبائی مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی ص ۵۷۹. جهت آگاهی بر تلخیص و حاشیه بر آن وسیله نوادگان مؤلف به «حاشیه» و «مختصر القول» مراجعه شود.

۱۱۵ - «کتاب الغیبه». حافظ أحمد بن محمد بن سعید همدانی معروف به ابن عقده (۳۳۳).

مؤلف زیدی ومورد اعتماد اهل تسنن ومطرح شده در مصادر رجالی وحديثی آنها، أمثال «تاریخ بغداد» خطیب ۱۴/۵ - ۲۳، «تذکره الحفاظ» ذهبی ۸۳۹/۳ شماره ۸۲۰ است، همچنانکه نعمانی شیعی در مقدمه «کتاب الغیبه» خود از آن نام برده وبطور فراوان هم از آن نقل روایت میکند.

۱۱۶ - «کتاب فی الامام المهدی». أبوالعلاء، ادریس بن محمد بن ادریس فاسی عراقی (۱۱۸۳). [نظم المتناصر کتانی ص ۲۲۶ شماره ۲۸۹]

۱۱۷ - «کتاب المهدی». یکی از کتابها وبخش های جلد دوم «سنن المصطفی» ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۵۷) است که ویژه احادیث مهدی منتظر وعیناً در «الامام المهدی عند أهل السنّه» ج ۱ ص ۳۷ درج گردیده.

۱۱۸ - «مختصر الأخبار المشاعه فی الفتن واشراط الساعه وأخبار المهدی». شیخ عبدالله بن سلیمان مشعل (معاصر). چاپ ۱۴۰۵ مطابع الرياض عربستان سعودی در ۴۴۹ صفحه.

۱۱۹ - «مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر - ابن حجر هیثمی - رضی الدین بن عبدالرحمن، نواده مؤلف ودر گذشته (۱۰۷۱). [هدیه العارفين ۳۶۹/۱]

۱۲۰ - «مرآة الفكر فی المهدی المنتظر». شیخ مرعی بن یوسف کرمی مقدسی حنبلی (۱۰۳۳). [ایضاح المکنون ۴۶۲/۲؛ هدیه العارفين ۴۲۷/۲]

۱۲۱ - «مسألة في الغيبة». قاضي عبدالجبار بن أحمد همداني

معتزلی (۴۱۵). وی بفرمان صاحب بن عباد در محرم ۳۶۷ به سمت

قاضي القضاتي شهرهای ری، قزوین، ابهر، زنجان، قم، دماوند

و سهرورد منصوب شد. نسخه خطی این رساله در کتابخانه واتیکان به

شماره ۱۲۰۸ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی، ص ۱۶۴۱]

۱۲۲ - «مسئله مهدویت» (ترکی). اسماعیل حقی از میری

حنفی (۱۳۳۰ هـ). این رساله بیانگر یک بحث کلامی پیرامون عقیده

به مهدویت می باشد که در آن به بیست حدیث استناد شده و برخی

از آنها مورد انتقاد قرار گرفته است. در مجله هفتگی «سبیل الرشاد»

شماره ۲۸۵ سال ۱۳۱۳ بتاریخ ۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۲ هـ در عهد خلافت

عثمانی در استانبول منتشر گردیده. مؤلف از اهالی مناستر، مقیم

استانبول، واعظ مسجد ایاصوفیا و عضو مجلس سنا بود که در ذیحجه

۱۳۳۰ هـ در گذشت. [معجم المؤلفین ۲/۲۶۶؛ کتابنامه حضرت

مهدی، ص ۶۴۲]

۱۲۳ - «مشاهدة الآيات في اشراط الساعة وظهور الآيات». محمد بن

مؤید حموینی (۶۰۵) وی پدر مؤلف «فرائد السمطين» ابراهیم بن

محمد بوده که در کتاب نامبرده (ج ۲ ص ۳۰۸) آنرا دوباره از

پدرش نقل کرده.

۱۲۴ - «المشرب الوردی فی مذهب المهدی» یا «المورد الوردی

فی حقیقه المهدی».

نورالدین علی بن محمد هروی حنفی معروف به ملاعلی

قاری (۱۰۱۴)، صاحب «مرقاۀ فی شرح المشکوۀ».

این کتاب در ردّ بر فرقه مهدیه هند - پیروان سید محمد جونیوری هندی - است و بیانگر شرح حال و علامات مفصل مهدی موعود اسلام از روی احادیث صحیحہ (همانند کتاب شماره ۵۹). چاپ سنگی قدیم در اسلامبول و نیز چاپ مطبعه محمد شاهین در سنه ۱۲۷۸ هـ در قاهره. [تحفه اثنی عشریۀ دهلوی ص ۴۵؛ الاذاعۀ ص ۱۶۳؛ معجم المطبوعات ۱۷۹۴؛ مجله تراثنا شماره ۲۰ بیانگر آدرس های پانزده نسخه خطی آن و مشخصات هریک می باشد.]

۱۲۵ - «مشرق الاکوان». سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی (۱۲۹۴). نسخه مخطوط آن در کتابخانه پرفسور عبدالباقی گلپنارلی در قونیه موجود می باشد. [الغدير علامه امینی ج ۱ ص ۱۴۷، کتابنامه حضرت مهدی ص ۶۴۸ بنقل از چند مورد از مندرجات ینابیع المودۀ او درباره حضرت مهدی]

۱۲۶ - «مناقب المهدی». حافظ أبونعیم اصفهانی (۴۳۰). از نسخه آن اطلاعی بدست نیامد، اما حافظ گنجی شافعی در «البيان فی أخبار صاحب الزمان» تعداد پانزده حدیث، ویوسف بن یحیی مقدسی شافعی در «عقد الدرر» تعداد سیزده حدیث از آن نقل کرده اند. نیز کتابهای دیگر از مؤلف بنام «أربعون حدیثاً»، «صفۀ المهدی»، «کتاب المهدی» و «نعت المهدی»، در این مقال آورده ایم.

۱۲۷ - «المهدی» یا «رسالة فی المهدی». محمد بن اسحاق، صدرالدین قونوی صوفی شافعی (۶۷۳).

موجود در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ۴۸۴۹. [فهرست تحلیلی کتب عربی منتشر شده در مصر از قنواتی بشماره ۲۵۴ والذریعه ۲۳/۲۹۰ بنقل از ارگین بشماره ۱۹۸]

۱۲۸ - «المهدی». تألیف شمس الدین ابن قیّم جوزیه (۷۵۱). [مقدمه ینابیع الموده بقلم علامه سید مهدی خراسان ص ۱۸]

۱۲۹ - «مهدی آل الرسول». نورالدین علی بن سلطان محمد قاری هروی مشهور به ملا علی قاری (۱۰۱۴).

نخستین چاپ آن در ۴۰ صفحه جیبی بی تاریخ است. جهت آگاهی بر تعداد هشت نسخه خطی آن در کتابخانه های ترکیه مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی، ص ۷۰۰.

۱۳۰ - «المهدی إلی ما ورد فی المهدی». شمس الدین محمد بن علی بن محمد مشهور به ابن طولون دمشقی صالحی حنفی (۹۵۳). [الأئمة الاثنی عشر مؤلف، مندرج در الامام المهدی عند اهل سنة ۴۰۳/۲]

۱۳۱ - «المهدی» (رسالة فی...) «ملا احمد بن حیدر ماورانی ازقراء شقلاوه عراق شمالی (۱۰۷۰).

نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه صلاح الدین در بخش شمال عراق بشماره ۳/۴۱۹ مذکور در فهرست چاپ شده آن در ۱۴۰۸، ص ۲۸۸ [اهل البيت فی المكتبة العربیة علامه طباطبائی شماره ۷۸ ص ۶۲۹]

۱۳۲ - «المهدی» (رسالة فی...) «ادریس بن محمد حمدون عراقی

فاسی (۱۱۸۳) [فهرس الفهارس والاثبات ۱۹۹/۲، اليواقيت الثمينه

۹۶/۱، سلوه الانفاس ص ۱۴۱]

۱۳۳ - «المهدى» (رسالة فى...) جعفر بن حسن بن عبدالکريم بن

محمد بن عبدالرسول برزنجى مدنى (۱۱۸۷) [اهل البيت فى المكتبة

العربية علامه طباطباي شماره ۷۸۳]

۱۳۴ - «المهدى حقيقه لاخرافه». محمد بن أحمد بن اسماعيل

(معاصر). چاپ چهارم کتابخانه تربيت اسلامى هلند در ۱۴۱۱هـ در

۲۴۰ صفحه.

اين کتاب مشتمل بر احاديث مهدويت و بيانگر تواتر آنها، وصفات

حضرت مهدى، راويان، ناقلان ومؤلفان درباره احاديث مهدى

منتظر، اعتراف دانشمندان ورد بر مهديهائى دروغين، علائم

ظهور و اشراط ساعت است که مؤلف از منابع دست اول ومورد

اعتماد اهل تسنن آنرا نگاشته، وخودهم از علمای سنی است. واين

کتاب را بسال ۱۴۰۰ در مصر تأليف نموده وبعنوان چهارمين دفعه نيز

در مصر تجديد چاپ شده. [کتابنامه حضرت مهدى ص ۷۰۴ - ۷۰۵]

۱۳۵ - «المهدى المنتظر». ابراهيم مشوخيصادر شده از مطبوعات

مکتبه المنار در اردن [اهل البيت فى المكتبة العربية، شماره ۷۸۹ ص

۶۳۱]

۱۳۶ - «المهدى المنتظر» (رسالة فى...) شيخ عبدالحق بن سيف

الدين بن سعدالله دهلوى حنفى بخارى (۱۰۵۲).

[فهرس الفهارس والاثبات، عبدالحى كتانى ۱۲۵/۲، كشف الأستار

حاجی نوری ص ۳۰

۱۳۷ - «المهدی المنتظر». سید ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی غماري (۱۳۸۰) برادر مؤلف «ابراز الوهم المکنون فی ردّ ابن خلدون». مشتمل بر یکصد و دو حدیث بواسطه سی و سه نفر از صحابه و پنج نفر تابعین، در ردّ منکرین احادیث مهدی و اثبات تواتر آن. چاپ عالم الکتب بیروت ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۴ م.

۱۳۸ - «المهدی المنتظر بین الحقيقة والخرافة». عبدالقادر احمد عطا. چاپ ۱۴۰۰ هـ دار العلوم للطباعة قاهره

۱۳۹ - «المهدی المنتظر فی المیزان». عبدالمعطی بن عبد

المقصود. چ دار النشر للثقافة، اسکندریه مصر

۱۴۰ - «المهدی و اشراط الساعة». شیخ محمد علی صابونی. بار اول

بسال ۱۴۰۱ هـ وسیله مکتبه الغزالی دمشق و بار دوم بسال ۱۴۱۰ هـ

وسيله شركة الشهاب الجزائر به چاپ رسید.

۱۴۱ - «المهدی والمهدویة فی الاسلام». عبدالرزاق بن رشید

الحصان (۱۳۸۴). [الأعلام زر کلی ۳/۳۵۲ بنقل از معجم المؤلفین

العراقین ۲/۲۵۹]

۱۴۲ - «المیمیه فی ظهور صاحب الزمان». محمد بن علی بن

محمد طائی مشهور به محی الدین ابن عربی (۶۳۸).

برخی از اشعارش را قندوزی در «ینایع الموده» آورده است،

و شرحش بنام «بیان الحق» از مؤلفین شیعه میباشد.

۱۴۳ - «نبذة من علامات المهدی». جلال الدین عبدالرحمن

سیوطی (۹۱۱).

چند نسخه خطی ازین کتاب در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است. [در جستجوی قائم ص ۷۲ و ۴۰۶]

۱۴۴ - «النجم الثاقب فی بیان أن المهدی من اولاد علی بن أبی طالب». شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن علی بهسینی عقیلی خلوتی شافعی (۱۰۰۱).

نسخه مخطوط آن - ۷۸ صفحه - در کتابخانه لاله لی سلیمانیه اسلامبول بشماره ۶۷۹ موجود است. و در تاریخ ۱۲۱۷ از طرف سلطان سلیم به کتابخانه یادشده اهداء گردیده است. و نسخه دیگرش در کتابخانه بیازید استانبول به شماره ۲۹۸۶ موجود میباشد و در ۱۷ ذیقعه ۹۹۷ در عهد مؤلف استنساخ گردید [کتابنامه حضرت مهدی ص ۷۴۵ - ۷۴۶]

۱۴۵ - «النزهة». ولی الله دهلوی، پدر عبدالعزیز مؤلف «تحفة الاثنی عشریة» (۱۱۷۲).

[کشف الأستار حاجی نوری ص ۳۴]

۱۴۶ - «نظرة فی أحادیث المهدی» (در قالب مقاله). شیخ محمد خضر حسین، استاد دانشکده اصول الدین مصر (۱۳۷۷). ضمن «مجله الهدایة الاسلامیة» بسال ۱۳۶۹ وبعداً در «مجله التمدن الاسلامی» سوریه در محرم ۱۳۷۰ ضمن شماره های ۳۵ و ۳۶ چاپ ومنتشر گردیده، نیز مندرج در «الامام المهدی عند أهل السنّة» ۲/ ۲۱۰ میباشد.

- ۱۴۷ - «نظریه الامامة». دکتر احمد محمود صبحی. شامل بحث امامت کلی و از آن پس امامت حضرت مهدی و چگونگی بهره برداری از وجود آن حضرت. [در جستجوی قائم ص ۷۳]
- ۱۴۸ - «النوافح القریبة الکاشفة عن خصائص الذات المهدیة». قطب الدین مصطفی بن کمال الدین بکری دمشقی صوفی حنفی (۱۱۶۲). [هدیه العارفين ۴۵۰/۲؛ ایضاح المکنون ۶۸۲/۲]
- ۱۴۹ - «الوعاء المختوم فی السّرّ المكتوم، فی أخبار المهدی». محی الدین محمد بن علی عربی اندلسی (۶۳۸). [هدیه العارفين ۱۲۱/۲]
- ۱۵۰ - «الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون». ابوالعباس بن عبدالمؤمن مغربی. چاپ شده. [متن فتوائی شیخ محمدمنتصر کتانی، مفتی فقه اسلامی مکه، مندرج در آخر رساله «أحادیث المهدی من مسند أحمد حنبل» ص ۱۶۳]
- ۱۵۱ - «الهدیه المهدویة» (بزبان اردو). ابوالرجاء محمد هندی حیدرآبادی (۱۲۹۰).
- در ردّ بر جونپوری مدّعی مهدویت، واثبات مشخصات حضرت مهدی منتظر است از گاه ولادت تا پایان عمر از دیدگاه حدیث. [الاذاعة ص ۹۱]
- ۱۵۲ - «الهدیه الندیة للأمة المحمّدیة، فیما جاء فی فضل الذات المهدیة»
- مؤلف کتاب النوافح القریبة شماره ۱۳۷
- [ایضاح المکنون ۷۲۸/۲؛ هدیه العارفين ۴۵۰/۲]

[الأعلام زر کلی ۳۵۲/۳ بنقل از معجم المؤلفین العراقيين ۲/۲۵۹]

مدعیان دروغین مهدویت و کسانیکه که بدروغ نسبت مهدویت بدانها

داده شده

همانطوریکه کمابیش بنظر خوانندگان رسیده ومصادر تاریخی وغیرتاریخی بیانگر شرح تفصیلی آنست که از آغاز بنیانگذاری اسلام تاکنون پیوسته افرادی با فریب وآلت دست قراردادن گروههایی از عوام، از روی دشمنی به رویارویی اسلام برخواسته وبا قتل وغارت وهرج و مرج واسارت وزندانی نمودن مسلمانان، وضدیت با احکام اسلام وتکیه زدن بر کرسی ریاست، چند صباحی خودنمایی نموده وبالاخره به زباله دان تاریخ گسیل شده ومی شوند ونمونه آنها - که خود آلت دست استعمارگران خارجی یهودی ومسیحی وعامل اجرائی اهداف شوم آنها بودند - رضا شاه پهلوی در ایران وکمال اتاترک در ترکیه وجمال عبدالناصر در مصر وصدام تکریتی در عراق ودیگران در دیگر مناطق مسلمان نشین بوده ومی باشند. افرادی هم به هوای ریاست از طریق سوءاستفاده از احادیث مربوط به مهدی موعود وتحریف آنها وفریب دادن افراد ساده لوح زودباور را به دعوای مهدویت ومقام امامت برخاستند وبدون آنکه قیام آنها نشانگر سرنخی از مقام امامت یا مقرون به کوچکترین علامت از علائم ظهور مهدی موعود باشد، یا کمترین درجه از برقراری قسط وعدل جهانی (مورد وعده پیامبر بدست حضرت مهدی) را ارائه دهند - بلکه مردم را دچار تفرقه وجدائی از اسلام کردند - چند

روزی خود را به عنوان مهدی موعود منتظر جا اندازی و قلمداد نمودند، اما بالاخره مشیت خیانت آنها هم باز شد و ادعای دروغین وبی محتوایشان کشف و آنها هم پس از چندی به زباله دان تاریخ رهسپار شدند.

همچنانکه عده ای هم با زمینه سازی مرحله به مرحله مقام امامت و عنوان مهدی منتظر نخست دعوی بابت از ناحیه مهدی حقیقی می کردند و همینکه افراد و گروههایی فریب خورده بدانها می گرویدند، دعوای مهدویت را مطرح و گسترش می دادند. افراد و گروههایی هم بر اثر برخورد به اخباریکه از ناحیه خبرگذاران صادق امین درباره مهدی موعود و اسلام بدانها رسیده بود و از نظر فراوانی بدان درجه برای آنان یقینی شده و دماغشان آماده برای پرورش اینگونه افکار گردیده بود، که بسا نسبت مهدویت را به کسی که او خود چنین دعوائی نداشت و از این دعوی بیزاری می جست می دادند. اکنون برای روشن شدن مطلب نام بعضی از مدعیان دروغین مهدویت یا غیر مدعیان مورد نسبت را بطور فهرست بنظر خوانندگان میرسانیم و علاقمندان به آگاهی بر مشخصات تفصیلی هریک را به مصادر مربوطه ارجاع میدهیم:

۱ - امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که فرقه سبائیّه، پیروان عبد الله بن سبا (که بموجب اثر تألیفی علامه محقق عسکری اصل وجودش ساختگی و بدور از حقیقت و واقعیت بوده) حضرتش را مهدی خواندند و پنداشتند کشته نشده و تا آخر الزمان باقی است

و خروج میکند (۱۶).

۲ - محمد بن حنفیه، که فرقه کیسانیه پنداشتند وی بعد از حسین بن علی امام و همان مهدی موعود است و در کوه رضوی بسر میبرد و از آنجا ظهور و قیام نماید (۱۷)، بدون آنکه او چنین ادعائی کرده باشد.

۳ - محمد بن عبد الله محض بن حسن بن حسن بن علی، معروف به نفس زکیه که پاره ای از جارودیّه وی را مهدی دانسته و در سنه ۱۴۵هـ از مدینه به مهدویت برخاست و بدسیسه منصور دوانیقی کشته شد (۱۸).

۴ - ابو جعفر محمد بن عبد الله فرزند منصور دوانیقی که خود منصور هم از روی رقابت با نفس زکیه مردم را دعوت به مهدویت او می کرد (۱۹).

۵ - عمر بن عبدالعزیز یکی از خلفای اموی که سعید بن مسیب قائل به مهدویت او شد (۲۰).

۶ - ابو مسلم خراسانی که پاره ای از فرقه «خرّمیه» پیروان اتابک خرّمی پنداشتند او همان کسی باشد که باید زمین را پر از عدل و داد کند و کشته شدنش را بدست منصور دوانیقی تکذیب نمودند و بانتظار ظهورش بسر می بردند (۲۱).

۷ - امام جعفر بن محمد الصادق (امام ششم شیعیان) که ناووسیه معتقد به مهدویت آن حضرت شدند (۲۲)، اما اصل مقام امامت حضرتش را بدست فراموشی سپردند.

۸ - محمد بن قاسم بن عمر بن علی بن الحسین که جارودیّه زیدیه

به مهدویت او گرایش جستند و در ایام معتصم در طالقان قیام نمود و کشته شد و آنها پنداشتند کشته نشده و بعد از این ظهور خواهد کرد (۲۳).

۹ - امام موسی بن جعفر (امام هفتم شیعیان) که فرقه واقفیه قائل به مهدویت آن حضرت شدند (۲۴).

۱۰ - محمد بن علی عسکری، برادر امام حسن عسکری، که طایفه محمدیه بعد از وفات آن حضرت قائل به امامت و مهدویت وی گردیدند (۲۵).

۱۱ - امام حسن عسکری (امام یازدهم شیعیان) که گروهی اعتقاد به مهدویت حضرتش پیدا کردند (۲۶).

۱۲ - جعفر بن علی برادر دیگر امام حسن عسکری که عده ای قائل به امامت و مهدویت او گردیدند و خود نیز مدعی مهدویت بود (۲۷).

۱۳ - عبد الله بن معاویه بن عبد الله جعفر بن ابی طالب که عده ای از مردم وی را مهدی دانسته و گفتند وی زنده است و در کوههای اصفهان بسر می برد و البته ظاهر خواهد شد، و او همان کسی بود که در ایام حکومت مروان بن محمد در فارس قیام کرد و ابو مسلم پس از مدتی که او را زندانی کرده بود بکشت (۲۸).

۱۴ - یحیی بن عمر از اعقاب زید بن علی که در ایام مستعین بالله خلیفه عباسی سنه ۲۵۹ در کوفه قیام کرد، پس او را کشتند و سرش را از تن جدا نمودند و بعضی جارودیه قائل به مهدی منتظر بودن او بودند (۲۹).

- ۱۵ - موسی بن طلحه بن عبد الله که در زمان مختار بن ابی عبیده در بصره قیام کرد وعده ای بعنوان مهدویت بدو گرویدند (۳۰).
- ۱۶ - عبد الله مهدی بود که بنوشته قرمانی: خود را فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا - یعنی فرزند امام حسن عسکری امام یازدهم شیعیان - معرفی کرد.
- وبنوشته فخری بعنوان ابومحمد عبیدالله بن احمد بن اسماعیل از اعقاب امام جعفر معرفی نمود.
- وبنوشته دیگران رشته نسبش غیر از دو رشته مذکور است وبطور خلاصه در اصل ارتباطش با سادات وبر فرض ثبوتش در چگونگی آن اختلاف شدید است.
- وی در سنه ۲۹۷ هـ بعنوان مهدویت از افریقا بپا خواست ودولت فاطمین را تشکیل داد که پس از گذشتن ۲۷۰ سال منقرض گردید.
- هم او بود که شهر مهدیه را در یکی از سواحل تونس برقرار کرد وهم اکنون پرچم فرانسه بر فراز آن در اهتزاز است (۳۱).
- ۱۷ - محمد بن عبد الله بن تومرت علوی حسنی معروف به مهدی هرغی از قبیله مصامده که در جبال اطلس مراکش سکونت داشتند، در سال ۴۹۷ به مهدویت برخاست وتشکیل سلسله «الموحدین» را داد وبر اسپانیا استیلا وتسلط یافت (۳۲).
- ۱۸ - الناصر لدین الله که از جمله خلفای عباسی ومتولد حدود سنه ۵۵۰ هـ بود، سبط ابن تعاویذی وی را بعنوان مهدی منتظر بودن بدین دوشعر ستوده: انت الامام المهدی لیس لنا امام حق سواک

- منتظر تبدو لا بصارنا خلافاً لان یزعم ان الامام منتظر (۳۳).
- ۱۹ - مردی به نام عباس فاطمی در پایان قرن هفتم بین ۶۹۰ و ۷۰۰ در میان غمازه خروج کرد و مدعی شد فاطمی منتظر است و جمعیت انبوهی از غمازه براو گرد آمدند و در پایان امر کشته شد (۳۴).
- ۲۰ - شخصی که معروف به تویزری منسوب به تویزر از نحله صوفیه بود از رباط ماسه خروج کرد و مدعی مهدی فاطمی بودن شد و بسیاری از اهل سوس و غیره بدو گرویدند و کارش آنچنان بالا گرفت که سران مصامده ترسیدند و او را کشتند. این قضیه در آغاز قرن هشتم - در عصر سلطان یوسف بن یعقوب - بوقوع پیوست (۳۵).
- ۲۱ - اسحاق سبتی زوی بود که در دوران سلطنت سلطان محمد چهارم از سلاطین عثمانی بسال ۹۸۶ هـ به امر مهدویت قیام کرد و اصولاً ترک واز اهالی از میر بود (۳۶).
- ۲۲ - شخصی بود که در سنه ۱۲۱۹ هـ در مصر قیام به مهدویت نمود و اصولاً زاده طرابلس بود و طولی نکشید با لشکری که از فرانسه آمده بود بجنگید و با عده ای از هواخواهان خود کشته شد (۳۷).
- ۲۳ - محمد احمد بود که در سال ۱۲۶۰ هـ در سودان قیام نمود واز قبیله دناقله در جزیره «نبت» مقابل «دنقلا» و بگفته بعضی در «حنک» متولد شده بود (۳۸).
- ۲۴ - مردی بود که در رباط عبادیه دور او گرد آمدند و بعنوان فاطمی منتظر بودن دیگران را به مهدویت خود دعوت کرد و اصولاً از نسل و نژاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود (۳۹).

۲۵ - احمد بن احمد کیال بود که نخست مردم را بمقام امامت خود دعوت کرد، سپس بعنوان مهدویت قیام نمود و طائفه کیالیه را تشکیل داد (۴۰).

۲۶ - محمد مهدی سنوسی فرزند شیخ محمد سنوسی بود که در اواسط قرن نوزده مسیحی از مغرب زمین برخاست و قبل از مرگ با اشاره باینکه خود او مهدی منتظر نیست بلکه او از این پس خواهد آمد نفی مهدویت خویش نمود و شاید مقصودش از خبر آمدن بعد از این، قیام پسرش بود (۴۱).

۲۷ - میرزا غلام احمد قادیانی بود که در اوائل قرن نوزده میلادی سنه ۱۸۲۶ از پنجاب هندوستان قیام کرد و با سیکهای آن سرزمین بر مبنای ادعای نبوت بجنگید و فرقه قادیانی را که هم اکنون دارای پیروانی در هند است تشکیل داد (۴۲).

۲۸ - سید احمد پسر محمدباریلی بود که او را مهدی وهابی نیز گویند، تولدش بسال ۱۲۲۴ در یکی از شهرهای هندوستان به نام «بریلی» اتفاق افتاد، پس در خلال نیمه اول از سده سیزده از بین فرقه وهابی در هند قیام به نشر آن مذهب سخیف نمود و به عنوان یکی از اولاد امام حسن بن علی (امام دوم شیعیان) خود را شهرت داد سپس بر علیه هندوها و سیک های پنجاب هند اعلام جنگ نمود و با برافروخته شدن آتش جنگ مغلوب و کشته شد و بالاخره با تبلیغاتی که داشت و انتشار می داد زمینه برای قیام احمد قادیانی نامبرده مستعد و موجبات نفوذ برای وی بیشتر فراهم شد (۴۳).

۲۹ - علی محمد شیرازی معروف به باب پسر میرزا رضای بزاز شیرازی و متولد همان شهر بسال ۱۲۳۵ از زنی به نام خدیجه بود، وی از کمالات علمی و ادبی جز زبان فارسی که در شیراز نزد معلمی به نام شیخنا آموخته بود و مقدار کمی هم صرف ونحو خوانده بود بهره دیگری نداشت و بیشتر اهتمام در رشته ریاضت وانجام امور شاقّه به منظور تسخیر جن وروحانیات داشت وبالاخره پس از مدتی بسر بردن در بندر بوشهر رفته رفته دچار خشکی دماغ وخستگی مغز گردید، پس از بوشهر به کربلا رفت واز تابعین شیخ احمد احسائی شد وبا سید کاظم رشتی که از شاگردان ومروجین احسائی بود ودر بافندگی وجاهم اندازی اباطیل وخرافات مهارتی بسزا داشت مصاحبت نمود(۴۴)، پس از فوت احسائی وسید کاظم رشتی به شاگرد دیگر احسائی حاج کریم خان (مؤسس فرقه ضاله شیخیه که عنوان رکن رابع بودن را مطرح نمود) پیوست، ونخست به عنوان باب او وخلیفه الخلیفه سر برافراشت وچون آوازه اش بلند شد وقدری بر سر زبانها افتاد خود را به باب مهدی منتظر معرفی نمود. سپس دم از استقلال ومهدویت زد وچون متوجه شد به قول عوام «خر فراوان است» ومریدانی از خود جاهل تر واحمق تر به دورش گرد آمدند دعوای نبوت را مطرح نمود وبافته هایی را - به عنوان وحی الهی وآیات آسمانی که خالی از معنا وعاری از قانون ادب ومحاوره وبرخلاف منطق ودر حقیقت بهترین سند حماقت وفساد عقلی او وپیروانش بود - انتشار داد ودر پایان جنون او شدت یافت

وهوس خدائی والوهیت پیدا کرد که کتاب «البیان» وی بهترین شاهد و بیانگر کفریات اوست.

توضیحا چون سیاست اجانب پشتیبانی از وی را مقتضی دید با نفوذی که در داخله مملکت ایران داشت موجبات تقویت و گسترش فساد او را با هزینه تبلیغاتی و جلوگیری از تعرض دیگران بر عهده گرفت تا آنجا که با تحلیل هر گونه حرامی و آزادی در ارتکاب هر گونه بدعت و عمل نامشروع عده ای از عوام الناس و افراد سفله و بی بند و بار فریب او را خوردند و بدو پیوستند.

در آغاز امر علما و روحانیون آن عصر بخاطر راه ورسم جنون آمیزی که از وی به نمایش درآمد از حکم به قتل او خودداری و استنکاف نمودند و چون هر روز شراره های فتنه او گسترش می یافت، بمنظور جلوگیری از شرش و مصونیت مردم از آتش فتنه و بیراهه بری وی لازم دانستند حکم قتلش را صادر نمایند همچنانکه فتوی به کفر و نجس بودن بهائی ها و ممنوعیت ازدواج با آنها را صادر نمودند.

از طرفی هم چون فتنه او مقام سلطنت را تهدید می کرد حکم قتلش عملاً تأیید و با به دار آویختن و اعدامش معلوم شد او هم یکی از مهدی های دروغین بود که نخست بدست عوامل روس رشد و پرورش یافت و بعد از موجودیت او که کانون فساد از آب درآمد انگلیسی ها از وی بهره برداری نمودند و بالاخره میلیونها نفر مسلمان ضعیف و خوش باور را از اسلام و تشیع جدا کرده گرایش به کفر دادند (۴۵).

آری متأسفانه - با اینکه بر اثر سقوط شاه طرفدار آنها و برقراری جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط سلطنت که یک بُعدش سوء استفاده هرچه بیشتر بهائی گری از قدرت آن بود بساط آزادی و رسمیت بهائی گری در ایران برچیده شد - هنوز این رشته باطل کم و بیش سر دراز دارد و از طریق عوام فریبی در گوشه و کنار بدین روش باطل کفر آمیز ادامه می دهند.

و اما کسانی که در عصر ائمه اطهار علیهم السلام به دروغ مدعی بابت و نیابت و سفارت از طرف حضرت بقیه الله محمد بن الحسن العسكري عجل شدند، پس محدث عالقدر شیعه شیخ طوسی تعداد هشت نفر را معرفی نموده که ما بخاطر اختصار به ذکر نام آنها بسنده کرده و خواستاران شرح حال تفصیلی آنها را به کتاب «الغیبه» محدث نامبرده ارجاع می دهیم:

۱ - ابومحمد حسن معروف به شریعی از اصحاب امام هادی و امام عسکری بود که به دعوای بابت از ناحیه حضرت مهدی برخواست و از آن ناحیه توقیع در لعن وی صادر گردید.

۲ - محمد بن نصیر نمیری.

۳ - احمد بن هلال کرخی.

۴ - ابوظاهر محمد بن علی بن بلال.

۵ - حسین بن منصور حلاج صوفی که ابوالقاسم بن روح یکی از وکلای امام زمان در عهد غیبت صغری به امر امام دستور مهدور الدم بودنش را صادر نمود، نیز بحکم علما تکفیر شد، اما در نظر

صوفیه دست کمی از مقام نبوت نداشته و ندارد بلکه دعوای خدائی هم از وی سرزد وبالاخره محکوم به اعدام شد. [خیراتیه ج ۱ ص ۱۵۹ - ۱۶۱]

- ۶ - ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی عزافر.
۷ - ابوبکر بغدادی برادر زاده محمد بن عثمان عمری (نایب دوم از نواب اربعه حضرت مهدی).
۸ - ابودلف - رفیق ابوبکر بغدادی - (۴۶).

در پایان این مقال توجه خوانندگان را بدین نکته جلب و یادآور می شویم که از بررسی احوال نامبردگان و کسانی که پیروی از آنها می کردند یا مهدویت را به کسی که خود مدعی نبود نسبت می دادند معلوم و محقق میشود که اصل موضوع مهدویت در اسلام و عقیده به ظهور و قیام مهدی موعود و برقرار شدن انقلاب اسلامی جهانی و عدل و داد سراسری بدست او پدیده یک سلسله آیات شریفه قران و فرموده های پیامبر اکرم و بعضی از صحابه الهام گیرنده از ان حضرت است که مورد اتفاق سنی و شیعه می باشد، و بر اساس همین آیات و احادیث و پیشگوییها و هشدارها بود که مردم از باستان زمان آماده برای ظهور مهدی موعود منتظر و چشم براه او بوده اند و مهدی های دروغین و نواب های قلابی و ادعایی هم از این رهگذر سوء استفاده نموده و بعنوان مهدی و نایب مهدی قیام نموده و هردسته و گروهی فریب یکی از اینها را خورده و به پیروی و ترویجش می شتافتند پس اگر عنوان مهدویت اصالت اسلامی

نداشت نه مدعیان دروغین می توانستند آن را مطرح و وسیله تجمع عوام به دور خود قرار دهند، و نه عوام و پیروان مهدی های ادعایی سرنخی در دست داشتند که بدانها معتقد و علاقمند شوند و از آنان پیروی نمایند.

بطور خلاصه اصالت مهدویت و ریشه گرفتن آن از ناحیه شخص پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بود که فریب دهندگان آن را سرنخ دعوای مهدویت قرار دادند و فریب خوران هم آن را سرنخ گرایش به مهدی های ادعایی و دروغین قلمداد نمودند و کار هر دو دسته به کفر و جدایی از اسلام راستین منتهی شد.

کسی که خروج و قیام مهدی منتظر را انکار نماید یا آن را تکذیب

کند و دروغ انگارد، بدانچه خدا بر پیامبر نازل فرموده کافر شده

از جمله فرموده های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در رابطه با مهدی منتظر و خروج آن حضرت این دو حدیث است که هریک بیانگر کفر کسی باشد که ظهور و خروج او را انکار یا حضرتش را تکذیب نماید:

۱ - عن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله (ص): «من انكر خروج

المهدي فقد كفر بما انزل على محمد...»

۲ - «... ومن كذب المهدي فقد كفر»

و اما مصادر نقل آنها پس بدین قرار است:

۱ - «فوائد الاخبار» ابوبکر احمد بن محمد اسکافی یا اسکاف (۲۶۰)

به نقل مصادر مورد اشاره ذیل

- ۲ - «جمع الاحادیث الواردة فی المهدی» حافظ ابوبکر بن خيثمه - احمد بن زهير بن حرب نسائی (۲۷۹) به نقل سيد محمد صديق قنوجی بخاری در «الاذاعة...» ص ۱۳۷
- ۳ - «معانی الاخبار» ابوبکر محمد بن ابراهيم کلاباذی بخاری (۳۸۰) نیز بنقل مصادر ذیل
- ۴ - «روض الانف وشرح السيرة» ابوالقاسم عبدالرحمن سهیلی (۵۸۱) ج ۲ ص ۴۳۱ از مالک بن انس از محمد بن منکدر از جابر
- ۵ - «عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر» يوسف بن يحيى مقدسی شافعی (۶۸۵) ص ۱۵۷ به نقل از «فوائد الاخبار» از اسکافی و «شرح السيرة» ابوالقاسم سهیلی.
- ۶ - «فرائد السمطين» شيخ ابراهيم بن محمد حموينی (۷۳۰) ج ۲ ص ۳۳۴ شماره ۵۸۵ به نقل از ابوبکر محمد بن ابراهيم کلاباذی - مؤلف «معانی الاخبار»
- ۷ - «لسان الميزان» ابن حجر عسقلانی (۸۵۲) ج ۵ ص ۱۴۷ چاپ مصر و ص ۱۳۰ چاپ حيدر آباد به نقل از «معانی الاخبار» کلاباذی
- ۸ - «العرف الوردی فی اخبار المهدی» جلال الدين سيوطی (۹۱۱) ص ۱۶۱ بنقل از «فوائد الاخبار» اسکافی،
- ۹ - «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» ابن حجر شافعی مکی (۹۷۴) ص ۵۶ عکس نسخه خطی مکتبه ظاهرية شام در کتابخانه آیت الله مرعشی قم بنقل از فوائد الاخبار اسکافی و شرح السيرة ابوالقاسم سهیلی

- ۱۰ - نیز در «الفتاوی الحدیثیه» ابن حجر مکی ص ۳۷ و بر حسب چاپ مندرج در الامام المهدی ص ۳۳۲
- ۱۱ - «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» متقی هندی (۹۷۵) پایان باب سیزدهم کتاب، بنقل از یحیی بن محمد حنیفی ضمن فتوای او (در ردّ مهدی دروغین جونپوری) صادر در سنه ۹۵۲ هـ
- ۱۲ - «لوائح الانوار الالهیه...» شیخ محمد بن احمد سفارینی حنبلی (۱۱۸۸) ج ۲ بخش ویژه حضرت مهدی تحت عنوان «فائده الخامسة» بنقل از حافظ اسکافی (مؤلف فوائد الاخبار) از جابر بن عبد الله با تعبیر به مرضی و پسندیده بودن سند آن.
- ۱۳ - «ینایع الموده» سلیمان بن ابراهیم قندوزی (۱۲۹۴)، آغاز باب ۷۸ بنقل از جابر بن عبد الله انصاری
- ۱۴ - «الاذاعه لما کان وما یكون بین یدی الساعه» سید محمد صدیق قنوجی بخاری (۱۳۰۷) ص ۱۳۷ بنقل از «جمع الاحادیث الوارده فی المهدی» ابن خیثمه و «فوائد الاخبار» اسکافی
- ۱۵ - «المهدی المنتظر» ابوالفضل عبد الله بن محمد بن صدیق مغربی ادریسی (۱۳۰۸) ص ۹۴، به نقل از «فوائد الاخبار ابوبکر اسکافی»
- فهرست ۶۷ متن حدیثی، تاریخی و کلامی پیرامون حضرت مهدی منتظر (عج) مندرج در کتاب «الامام المهدی عند أهل السنه» الجزء الأول:
- ۱ - المصنف... لعبدالرزاق بن همام (المتوفی ۲۱۱)

- ۲ - مصنف... للحافظ عبد الله بن محمد بن ابي الجاشية الكوفي (۲۳۵)
- ۳ - السنن... لابن ماجه القزيني (۲۷۳)
- ۴ - السنن... لأبي داود السجستاني (۲۷۵)
- ۵ - السنن... للترمذي (۲۹۷)
- ۶ - البدء والتاريخ... للمقدسي (بعد ۳۵۵)
- ۷ - المعجم الكبير... للطبراني (۳۸۸)
- ۸ - معالم السنن... لأبي سليمان الخطابي (۳۸۸)
- ۹ - مستدرک الصحيحين... للحاكم النسابوري (۴۰۵)
- ۱۰ - فردوس الاخبار... لثيروه بن شهر دار الديلمي (۵۰۹)
- ۱۱ - مصابيح السنة... للبعوي (۵۱۰ - ۵۱۶)
- ۱۲ - جامع الاصول... لابن أثير الجزري (۶۰۶)
- ۱۳ - الفتوحات المكية... لمحی الدين بن عربي (۶۳۸)
- ۱۴ - مطالب السؤل... لابن طلحة الشافعي (۶۵۲)
- ۱۵ - تذكرة خواص الأمة... لسبط ابن جوزي (۶۵۴)
- ۱۶ - شرح نهج البلاغة... لابن أبي الحديد (۶۵۵)
- ۱۷ - مختصر سنن أبي داود... للمندري (۶۵۶)
- ۱۸ - البيان في اخبار صاحب الزمان... لمحمد بن يوسف الكنجي الشافعي (۶۵۸)
- ۱۹ - عقد الدرر في اخبار المنتظر... ليوسف بن يحيى المقدسي الشافعي (بعد ۶۵۸)

- ۲۰ - تذکره القرطبی... لمحمد بن أبی بکر القرطبی (۶۷۱)
- ۲۱ - وفيات الأعيان... لابن خلكان الإربلی (۶۸۹)
- ۲۲ - ذخائر العقبی... لمحی الدین الطبری (۶۹۴)
- ۲۳ - فرائد السمطين... للحموئی الخراسانی (۷۳۲)
- ۲۴ - مشكاه المصايح... للخطیب التبریزی (۷۳۷)
- ۲۵ - تلخیص «المستدرک حاکم»... حافظ ذهبی (۷۴۸)
- ۲۶ - خريدة العجائب... لسراج الدین ابن الوردی (۷۴۹)
- ۲۷ - المنار المنيف... لابن قیم الجوزية الحنبلی (۷۵۱)
- ۲۸ - الفتن والملاحم... لابن كثير الدمشقی (۷۷۴)
- ۲۹ - مودة القربی... للسید علی الهمدانی (۸۷۶)
- ۳۰ - شرح المقاصد... لسعدالدين التفتازانی (۷۹۳)
- ۳۱ - مجمع الزوائد... لنورالدين الهيثمی الشافعی (۸۰۷)
- ۳۲ - موارد الظمان... لنورالدين الهيثمی الشافعی (۸۰۷)
- ۳۳ - الفصول المهمة... لابن الصباغ المالکی (۸۵۵)
- ۳۴ - العرف الوردی... للسيوطی الشافعی (۹۱۱)
- ۳۵ - الأئمة الإثنی عشر... لابن طولون الدمشقی (۹۵۳)
- ۳۶ - اليواقيت والجواهر... لعبد الوهاب الشعرانی (۹۷۳)
- ۳۷ - الصواعق المحرقة... لأحمد بن حجر الهيثمی (۹۷۴)
- ۳۸ - الفتاوى الحديثية... لأحمد بن حجر الهيثمی (۹۷۴)
- ۳۹ - القول المختصر فی مهدي المنتظر... لابن حجر المکی الهيثمی (۹۷۴)

- ۴۰ - كنز العمال... لعلاء الدين المتقى الهندى (۹۷۵)
- ۴۱ - البرهان فى اخبار صاحب الزمان،... لحسام الدين المتقى الهندى (۹۷۵)
- ۴۲ - مرقاة المفاتيح شرح المصابيح... لعلی القارى الحنفى (۱۰۱۴)
- ۴۳ - أخبار الدول وآثار الأول... لأحمد الدمشقى القرمانى (۱۰۱۹)
- ۴۴ - الإشاعة من أشراط الساعة... لمحمد بن عبدالرسول البرزنجى (۱۱۰۳)
- ۴۵ - فتح المنان شرح الفوز والامان... لأحمد بن على المينى (۱۱۷۳)
- الجزء الثانى:
- ۴۶ - لوائح الأنوار الإلهية... لشمس الدين السفارينى (۱۱۸۸)
- ۴۷ - اسعاف الراغبين... لمحمد الصبان الشافعى (۱۲۰۶)
- ۴۸ - ينابيع الموده... لسليمان القندوزى (۱۲۷۰)
- ۴۹ - نور الابصار... للسيد مؤمن الشبلنجى (بعد ۱۲۹۰)
- ۵۰ - مشارق الانوار... للشيخ حسن الخمرأوى المصرى (۱۳۰۳)
- ۵۱ - الاذاعة لما كان وما يكون..... للسيد محمد صديق القنوجى (۱۳۰۷)
- ۵۲ - القطر الشهدى فى أوصاف المهدي... لشهاب الدين الحلوانى (۱۳۰۸)
- ۵۳ - العطر الوردى فى شرح القطر..... لمحمد البليسى الشافعى (۱۳۰۸)
- ۵۴ - غالية المواعظ... لخير الدين الالوسى الحنفى (۱۳۱۷)

- ۵۵ - فیض القدير شرح الجامع الصغير... لعبد الرؤف المناوی (۱۰۳۱)
- ۵۶ - عون المعبود شرح سنن ابی داود... لشمس الحق العظيم آبادی (المتولد ۱۲۳۷)
- ۵۷ - نظم المتناثر... لمحمد بن جعفر الكتاني (۱۳۴۵)
- ۵۸ - تحفة الأحوذی... لمحمد عبدالرحمن المبار كفوری (۱۳۵۴)
- ۵۹ - نظرة فی أحاديث المهدي... لشيخ الأزهر محمد الخضر حسين (۱۳۷۷)
- ۶۰ - التاج الجامع للاصول... للشيخ منصور على ناصف (۱۳۷۱)
- ۶۱ - إبراز الوهم المكنون... لأحمد بن صديق المغربي (۱۳۸۰)
- ۶۲ - المهدي المنتظر... لابن صديق البخاري الغماري (۱۳۸۰)
- ۶۳ - حول المهدي... للشيخ ناصر الدين الألباني (المعاصر)
- ۶۴ - عقيدة أهل السنة..... للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر)
- ۶۵ - ذيل «عقيدة أهل السنة»... للشيخ عبدالعزيز بن باز (المعاصر)
- ۶۶ - الرد على من كذب بالأحاديث المهدي... للشيخ عبدالمحسن العباد (المعاصر)
- ۶۷ - عقيدة المسيح الدجال... لسعيد ايوب (المعاصر)

فتوای چهار نفر از فقهای مذاهب اربعه سنی درباره منکرین مهدی

منتظر

نظر به اینکه در اوائل سده دهم هجری شخصی بنام محمد جونپوری با فریب دادن مردم عوام سنی به عنوان مهدی منتظر در سرزمین هند قیام کرد و گروهائی از عوام فریب خور بدو گرویدند

وبالآخره کم کم موضوع مهدویت او مسئله آفرین شد، اهل تسنن از چهارنفر از علمای سنی درباره شخصیت مهدی و مهدویت جونپوری استفتاء و نظرخواهی شرعی نمودند. آنها هم با تکیه واستناد به احادیثی که بیانگر علائم ظهور مهدی موعود منتظر است و شخص مدعی مهدویت هم فاقد شرایط امامت بود و هم ظهورش غیر مقرون به علائم ظهور حضرت مهدی، او را تخطئه ورد نموده و حتی خود و پیروانش را - بر اساس بیراهه روی و تکفیر مسلمانان مخالف با وی - تکفیر و محکوم به ارتداد و اعدام کردند. اکنون ما بخاطر رعایت اختصار از ذکر متون آن فتاوی معذرت خواسته ولی در رابطه با موضوع بحث که در رد و رهنمون منکران حضرت مهدی و تخطئه کنندگان احادیث پیرامون آنحضرت خلاصه می شود خواستاران آنرا به کتاب «البرهان» متقی هندی (باب سیزدهم) که در رد محمد جونپوری و مشتمل بر فتاوی مذکور است ارجاع می دهیم تا خود با ملاحظه آن فتاوی پی به واقع امر و مخالفت جدی علمای سنی با منکرین آنحضرت برند و در شناخت مهدی راستین اسلام از مهدی های دروغین هر عصر و زمانی دچار اشتباه نشوند.

مهدی فقیه ایمانی

رمضان المبارک ۱۴۱۷

پاورقی:

- (۱) «مهدی منتظر را بشناسید» تالیف نگارنده این مقاله - مهدی فقیه ایمانی - چاپ ۱۳۸۴ هـ اصفهان، بیانگر اسامی و مشخصات حدود چهارصد جلد کتاب و رساله خطی و چاپی درباره حضرت مهدی عجل است. ۲ - «کتابنامه امام المهدی» نشریه یکی از مساجد تهران (صندوق پستی ۲۲۲۳، تهران) شامل معرفی ۳۵۵ جلد کتاب می باشد که به طور اختصاصی یا ضمنی مربوط به مهدی منتظر و ایراد بعض شئون آن حضرت است. ۳ - «در جستجوی قائم» بیانگر اسامی ۱۸۵۰ جلد کتاب می باشد که تعداد ۴۲۹ جلدش بطور اختصاصی و بقیه بطور ضمنی به بحث و بررسی های کلامی، حدیثی، تاریخی و غیره درباره حضرت بقیه الله مهدی موعود پرداخته و به قلم ارزشمند آقای سید مجید طباطبائی تنظیم و بسال ۱۳۷۰ هـ ش بعنوان مسجد جمکران قم چاپ و انتشار یافته است. ۴ - واز همه پرمایه تر «کتابنامه حضرت مهدی عجل» از دانشمند محترم آقای علی اکبر مهدی پور است ۲ جلد شامل معرفی ۲۰۶۶ جلد کتاب اختصاصی درباره حضرت مهدی که مشخصات چاپی و وزبانی و موضوعی هریک ذکر

شده و در بهترین شکل چاپ و منتشر گردیده، و راهگشای محققین و مؤلفین میباشد.

(۲) توضیحاً ترجمه فارسی این مقاله از ترکی استانبولی بوسیله مؤسسه ارزشمند «مجمع جهانی اهل بیت» انجام و در اختیار اینجانب قرار گرفت، و پس از تنظیم این ردیه و تقدیم به مؤسسه فوق آن را به ترکی استانبولی ترجمه نموده و در مجله «پیام اهل بیت» (Ehl – i Beyt mesajI) شماره ۱۵، چاپ ترکیه چاپ و منتشر گردید. بدین وسیله از مسؤلان محترم مؤسسه «مجمع جهانی اهل بیت» بویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حسینی مدیریت محترم شعبه قم تشکر نموده و توفیق یش از پیش ایشان را در نشر آثار اهل بیت از خداوند خواستارم.

(۳) نظره فی احادیث المهدی، مندرج در مجله التمدن الاسلامی، دمشق و نیز مندرج در الامام المهدی عند اهل السنه.

(۴) مقال حول المهدی مندرج در دو مصدر فوق.

(۵) توضیحا کتاب «شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی» چ ۱۴۱۲ هـ در ۵۴۶ صفحه وزیری، تالیف نگارنده این مقاله و مشتمل بر بحث و بررسی اسناد و محتوای حدیث فوق است از دیدگاه اهل تسنن.

(۶) بحار الانوار ۷۶/۲۳ - ۹۵ چاپ دوم، و درج امین الضرب قدیم ۱۶/۷ - ۲۰.

(۷) توضیحا بخشی از این کتاب به عنوان جزء اول و دوم از جلد سوم

- در سال ۱۴۰۳ بتحقیق حبیب الرحمان اعظمی ووسیله دار السلفیه هند بچاپ رسیده، ولی موقع تنظیم این رساله در دسترس نگارنده نبود تا بدان مراجعه و بلاواسطه از آن نقل شود.
- (۸) به نقل سید بن طاووس در «طرائف» ص ۲۱۰ ضمن شماره ۳۰۵، و«ندیم الفرید» بعنوان «ندیم الأحباب و جلیس الأصحاب» نسخه خطی آن در کتابخانه مغنیا از بلاد ترکیه بشماره (۱۲۱۰) موجود است. (اعلام زرکلی ۲۱۲/۱).
- (۹) تذکره قرطبی ص ۷۰۱.
- تهذیب الکمال حافظ مزی ۱۴۶/۲۵ ذیل ترجمه محمد بن خالد جندی.
- منار المنیف ابن قیم جوزیه حنبلی ص ۱۴۲.
- تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی ۱۲۵/۹ ذیل شرح حال محمد بن خالد واحتجاج بکلام ابری در ردّ بر او.
- فتح المغیث سخاوی (بنقل نظم المتناثر کتانی ص ۱۴۴).
- مصباح الزجاجة سیوطی (بنقل عطرالوردی بلیسی ص ۴۵) و عرف الوردی ص ۱۶۵.
- صواعق المحرقة ابن حجر ص ۹۹ ودر چاپ دیگر ص ۱۶۷.
- البرهان متقی هندی باب دوازدهم.
- فرائد الفكر فی الإمام المهدی المنتظر مرعی بن یوسف کرمی (بنقل لوائح الأنوار سفارینی ص ۲۳).
- الإشاعة برزنجی ص ۸۷.

- شرح المواهب اللدنيه زرقانی (بنقل المتناثر كتانى ص ۱۱۴).
- لوائح الأنوار البهيه سفارینی - مندرج در الإمام المهدي عند أهل السنّة ۲/۲۳ -.

- اسعاف الراغبين صبان ص ۱۴۰.

- نور الأبصار شبلنجی ص ۱۷۱.

- نظم المتناثر كتانى ص ۲۲۸.

- عقيدة اهل السنّة والاثر عبدالمحسن عباد - مندرج در الإمام المهدي عند اهل السنّة ۲/۴۰۲ -.

- الإحتجاج بالاثّر على من أنكر المهدي المنتظر تويجری ص ۲۸ و ۱۴۳ و ۳۰۱.

- المهدي المنتظر ابن صديق غماری ص ۷.

(۱۰) توضیحا متن اصلی اربعین حافظ ابونعیم بنظر نرسیده، ولی سیوطی (متوفی ۹۱۱ هـ) آن را با احادیث فراوان دیگری دسته بندی وتنظیم وبه «العرف الوردی فی اخبار المهدي» نامگذاری وبه ضمیمه دهها رساله دیگر مجموعه «الحاوی للفتاوی» را ارائه داده که بسال ۱۳۷۸ هـ ۱۹۵۹ م در مصر چاپ ومنتشر گردیده، واز علمای شیعه اربلی در «کشف الغمه»، بحرانی در «غایة المرام» وعلامه مجلسی دوم در «بحارالانوار» (ج ۱ ص ۷۸ - ۸۵) وعاملی در «اعیان الشیعة» (جزء ۴ بخش ۳) وبلاغی در «حجت بالغه» ومؤلفین «نامه دانشوران» در ج ۲ این کتاب آن را درج نموده اند.

(۱۱) این روایت را در مناقب نیافتم ولی در مقتل ج ۱ ص ۱۴۶ ذکر

شده.

- (۱۲) این کتاب تألیف این ضعیف، شامل ۵۶ متن حدیثی، تاریخی، کلامی و ادبی اختصاصی یا ضمنی اهل تسنن است درباره حضرت مهدی (عج)، که برای دومین بار بسال ۱۴۰۲ در دو جلد بزرگ در بیروت چاپ و منتشر شده است.
- (۱۳) جهت آگاهی بر مصادر شرح حال او و نسخه کتابش مراجعه شود به «الذریعه» ۲۳/۲۳۳، و «معجم المؤلفین» ۶/۲۰.
- (۱۴) نسخه ی مخطوط (الدر المنظم) در کتابخانه ی حسین باشا در آستانه ترکیه بشماره ۳۴۶ موجود است. [الغدير ۵/۴۱۴]
- (۱۵) این کتاب کراراً در حاشیه «نورالابصار» شبلنجی، ویکبارهم در حاشیه «مشارق الانوار» حمزوی در مصر به چاپ رسیده است.
- (۱۶) ملل ونحل شهرستانی ۲/۱۱، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲، المهدیه فی الاسلام ص ۹۳.
- (۱۷) غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲، مقدمه ابن خلدون ص ۲۱۹، ملل ونحل شهرستانی ۱/۲۰۰، المهدیه فی الاسلام ص ۱۰۳.
- (۱۸) مقدمه ابن خلدون ص ۲۲۲، تاریخ فخری ص ۱۴۸، مجله الهلال مصر جلد ۱۷ سال ۴ صفحه ۶۴۳.
- (۱۹) المهدیه فی الاسلام ض ۱۱۷.
- (۲۰) طبقات ابن سعد ۵/۲۴۵، المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۴.
- (۲۱) المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۴.
- (۲۲) ملل ونحل شهرستانی ۲/۳، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲.

- (۲۳) المهدیه فی الاسلام ص ۱۲۵.
- (۲۴) ملل ونحل شهرستانی ۴/۲، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۱۹۸.
- (۲۵) غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۱۹۸.
- (۲۶) ملل ونحل شهرستانی ۷/۲، غیبت شیخ طوسی ص ۱۹۲ و ۲۲۰.
- (۲۷) غیبت شیخ طوسی ص ۲۲۲ و ۲۲۵ - ۲۲۷ و ۲۸۷.
- (۲۸) المهدیه فی الاسلام ص ۴۸.
- (۲۹) المهدیه فی الاسلام ص ۱۳۵.
- (۳۰) طبقات ابن سعد ۵/۲۴۵، المهدیه فی الاسلام ص ۱۸۲.
- (۳۱) تاریخ فخری ص ۲۳۷، مقدمه ابن خلدون ص ۳۷۴، اخبار الدول واثار الاول قرمانی ص ۱۸۹.
- (۳۲) تاریخ ابی الفداء ۲/۲۳۲، مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳، مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۶.
- (۳۳) المهدیه فی الاسلام ص ۴۸.
- (۳۴) مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷، مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳.
- (۳۵) مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷.
- (۳۶) ترجمه رساله دار مستتر، از محسن جهانسوز.
- (۳۷) ترجمه رساله دار مستتر.
- (۳۸) مجله الهلال سال ۴ شماره ۱۷، ص ۶۴۴ و سال ۷ شماره ۶.
- (۳۹) مقدمه ابن خلدون ص ۳۶۷.
- (۴۰) ملل ونحل شهرستانی ۱۷/۲.

- (۴۱) الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۴.
- (۴۲) الهلال سال ۴ شماره ۱۷ ص ۶۴۳، ظاهرة الغيبة ودعوى السفارة ص ۳۰۰ - ۳۷۰، المهدية في الاسلام ص ۲۷۰، مفتاح باب الابواب ص ۷۷.
- (۴۳) دائرة المعارف الاسلاميه ج ۱ ص ۴۹۶، المهدية في الاسلام ص ۲۶۸، مفتاح باب الابواب ص ۶۹.
- (۴۴) جهت آگاهی بر هویت سید کاظم رشتی و نقش او در گسترش فرقه بهائی گری رجوع شود به کتاب ظاهرة الغيبة ودعوى السفارة، میرزا محسن آل عصفور بحرینی ص ۲۴۷ - ۳۰۰ چاپ قم.
- (۴۵) دائرة المعارف اسلاميه ۴۹۶/۱، المهدية في الاسلام ص ۲۶۸، مفتاح باب الابواب ص ۶۹، نصايح الهدى بلاغی، اسرار العقاید میرزا ابوطالب شیرازی چاپ ۱۳۲۴ در نوبت دوم ودهها کتاب دیگر در ردّ بهائی گری که اکثراً چاپ ومنتشر گردیده، جهت آگاهی بر فهرست اسامی ۸۷ جلد کتاب در رد آنها مراجعه شود به کتابنامه حضرت مهدی (عج) تألیف آقای علی اکبر مهدی پور ص ۸۱۷ - ۸۲۰.
- (۴۶) کتاب الغيبة شيخ طوسي ص ۳۹۷ - ۴۱۵ وشرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد ۱۲۲/۸